



ارتقای مستمر پیشرفت مقتدرانه

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴ | ۱۵ رجب ۱۴۴۷ | ۵ ژانویه ۲۰۲۶ | ۱۶ صفحه

سید مهدی حسینی
طرح لبیک یا خمینی



۱۰
تاریخ

علی قاسمی
چرایی رد لایحه بودجه



۸
پرونده

یعقوب ربیعی
نقشه راه پس از اعتراضات



۲
سرمقاله

۱۵
پاسدار

سی و یکمین جشنواره رازی برگزار شد

دانشگاه بقیه الله بر سکوی نخست!

۳
دیدگاه

امام خامنه ای در پاسخ به یاوه گویی های دشمنان

کوتاه نمی آیم

۱۵
پاسدار

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی در مراسم گرامیداشت حماسه ۹ دی

دشمن واقعیت ها را تحریف می کند

سردار فدوی مطرح کرد

استقامت و مجاهدت، شرط نصرت الهی

۱۳
فرهنگ

نگاهی به کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی»

حاج قاسم، آن گونه که بود

۱۱
خرد

برمدار پیشرفت

نیم نگاه

فشار و تعامل



رضا صار می‌راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

پنجمین سفر نتانیاهو به ایالات متحده از زمان آغاز ریاست‌جمهوری ترامپ درحالی به پایان رسید که بسیاری از کارشناسان درباره حصول نتایج مدنظر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ابهامات بسیاری مطرح می‌کنند. رسانه‌های صهیونیستی پیش از انجام این سفر از تمایل شدید نتانیاهو درباره جلب رضایت مهم‌ترین شریک سیاسی‌اش، یعنی ترامپ برای پیشبرد برنامه‌های امنیتی نظامی‌اش در منطقه سخن می‌گفتند، به ویژه تلاش برای ممانعت از حضور ترکیه در سوریه، حفظ ثبات در غزه و کسب چراغ سبز برای اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، اما شواهد نشان می‌دهد این اهداف احتمالاً محقق نشده‌اند است که نشان‌دهنده محدودیت‌های واقعی نتانیاهو در این مقطع زمانی است.

در جریان نشست خبری پس از ملاقات، ترامپ و نتانیاهو بر روی خلع سلاح کامل حماس تأکید کردند؛ در حالی که بسیاری از کارشناسان معتقدند کارشکنی‌های نتانیاهو دلیل اصلی اجرا نشدن مرحله دوم آتش‌بس است. ترامپ اعلام کرد که صد درصد بر روی مفاد آتش‌بس پایبند بوده، اما درواقع رژیم صهیونی همچنان می‌تواند به بمباران و نقض آتش‌یس و جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه ادامه دهد. هدف نتانیاهو در واقع آن است که بتواند همچنان یک انعطاف عملیاتی برای خود در غزه داشته باشد که ترامپ نیز با آن مشکلی نخواهد داشت.

مسئله ایران نیز به یکی از محورهای اصلی این نشست خبری تبدیل شد، ترامپ بار دیگر بر اقدام علیه برنامه‌های دفاعی و موشکی ایران تأکید کرد و اظهار داشت، اگر ایران بخواهد برنامه‌های موشکی خود را گسترش بدهد، آمریکا با حملات پیشگیرانه نسبت به آن واکنش نشان خواهد داد. این آن بخشی بود که نتانیاهو می‌خواست بشنود و به نوعی با حمایت آمریکا نوعی مشروعیت را برای ماجراجویی‌های احتمالی‌اش در منطقه فراهم کند، اما از طرف دیگر ترامپ همچنان مسیر مذاکره را باز می‌گذارد و از آن سخن می‌گوید که این مسئله فارغ از آنکه مربوط به نیت این دوفرد باشد، بیشتر به ایجاد یک ابهام راهبردی در مقابل ایران باز می‌گردد. احتمالاً این سخن بیش از آنکه برای ترامپ مهم باشد، می‌تواند آزمایی برای رفتار و واکنش ایران به این اظهارات باشد که حرکت بعدی رژیم صهیونیستی و آمریکا را تعیین می‌کند. مشکلات منطقه‌ای رژیم سطح داخلی نیز دارند، شخص نتانیاهو امروز با چالش‌های جدی مواجه است که شامل اتهامات مربوط به فساد، انتقادهای جدی اپوزیسیون از مدیریت بحران وی در دوران جنگ به خصوص از سمت گروه‌های یهودی ارتودکس. نتانیاهو البته به دنبال آن است که با حفظ شرایط بر تنش در منطقه به خصوص در مورد ایران و حزب‌الله همچنان خود را رهبر روزهای سخت و بحران نشان دهد و خود را در قدرت حفظ کند و انتقادهای را کاهش دهد.

در نهایت دیدار نتانیاهو و ترامپ بازتاب‌دهنده رویکرد ترکیبی فشار و تعامل است که همواره در سیاست آمریکا در خاورمیانه دیده شده است و آینده منطقه را همچنان در هاله‌ای از عدم قطعیت قرار می‌دهد. باید دید که آیا نتانیاهو توانسته با اتکا بر فشارهای لابی صهیونیست، نظر ترامپ را با خود همراه کند و او را در برنامه‌های تهاجمی خود شریک کند یا نه!



یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی

جریان‌شناسی اعتراضات اخیر از برآمدن تا به امروز را باید از در پیچه‌های گوناگونی دید. به نظر می‌رسد ما با سه جریان متفاوتی مواجه هستیم که هر یک خاستگاه و نقطه نظرات متفاوتی دارند. برای مواجهه منطقی و کارشناسی بدون افراط یا تفریط باید این سه خاستگاه را دید و بر اساس شرایط هر سه گروه با آن مواجه شد.

گروه اول کسانی هستند که به معیشت و اقتصاد اعتراض دارند. چپ یا راست، مذهبی یا غیر مذهبی، انقلابی یا غیر انقلابی فرقی ندارد، همه افراد به اینکه طی یک بازه زمانی قدرت خریدشان کاهش قابل توجهی می‌یابد و معیشت‌شان لنگ و لنگ‌تر می‌شود، معترضند و گلایه دارند. این کاهش قدرت خرید در مدت اخیر را به رکود دهه ۹۰ جمع بزنید، می‌شود به راحتی به این نتیجه رسید که گلایه و اعتراض حق این جماعت است. بر همین اساس بود که رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیرشان فرمودند: «بله، این اجتماعات عمدتاً از طرف بازاری‌ها بود؛ اما حرف‌شان حرف درستی بود. من هم

در تلویزیون شنیدم، هم در محاسبات و در کارها این را دیدم. بازاری وقتی که نگاه می‌کند به وضع پولی کشور، کاهش ارزش پول کشور، عدم ثبات قیمت پول کشور و پول خارجی که موجب بشود محیط کسب‌وکار ثبات نداشته باشد، می‌گوید من نمی‌توانم کاسبی کنم؛ راست می‌گوید.» در پسا اعتراضات وظیفه آن است که باید با این جماعت نشست و گفت‌وگو کرد و آنچه خاطرشان را مکدر کرده، از ذهن و پیش رویشان زدود.

گروه دومی هم که تکلیف ما با آنها مشخص است، جماعتی است که تلاش دارد هر اعتراضی را به ناآرامی و اغتشاش بدل کند. بماند که بعدها باید کارشناسی شده‌تر ببندیشیم که چه می‌توان کرد که اعتراض‌ها با اغتشاش‌ها استحاله نشود و حق اعتراض به وسیله اغتشاشگرها دزیده نشود؟ اما این جماعت که عամدانه در هر موضوعی چه از سکتة فلان وکیل مشهدی تا اعتراض اقتصادی از سوی بازاریون به میدان می‌آید تا از آب گل آلود ماهی خودش را بگیرد، باید با یک صخره سنگی و محکم برخورد کند تا مانع از شیطنتش شود. رهبر حکیم انقلاب نقشه راه مواجهه با این طیف و جماعت را هم مشخص کردند و فرمودند: «این است که یک عده آدم تحریک‌شده مزدور دشمن پشت سر بازاری‌ها بایستند و

شعار ضد اسلام و ضد ایران و ضد جمهوری اسلامی بدهند؛ این مهم است. اعتراض، بجاست؛ اما اعتراض، غیر از اغتشاش است. ما با معترض حرف می‌زنیم، مسئولان باید با معترض حرف بزنند؛ اما با اغتشاشگر حرف زدن فایده‌ای ندارد؛ اغتشاشگر را باید به جای خودش نشاند.» مواجهه محکم با این طیف و جماعت، ریسک رفتاری آنها را در آینده بالاتر می‌برد و خود باعث تولید امنیت می‌شود.

اما طیف سوم گروهی هستند که سال‌هاست در بلا تکلیفی در مواجهه با آن به سر می‌بریم و خوب با آن رابطه برقرار نکرده‌ایم. این طیف، جماعتی است که تا تقی به توقی می‌خورد، یادش می‌آید که زبان در کام به نفع پهلوی اول بچرخاند و روح‌ت شاد راه ببندازد. این طیف غالباً به علت سن کم و تجربه تاریخی محدود و اسیر روایت دشمن شدن، روایتش و نگاهش محصور در روایت‌های اینترنشنال، بی‌بی‌سی، من و تو... است. همین نقصان و اشکال در روایت‌ها موجب می‌شود که این جماعت تا به امروز نفهمیده که همین رضاشاه، منتقدانش را یا مانند کریم‌پور شیرازی در زندان آتش می‌زد یا آنها را مانند فرخی یزدی به پزشک احمدی می‌سپارد یا مانند مدرس در تبعید خفه می‌کرد. به نظررم قوه قضائیه می‌تواند برخی از کسانی را که نه از سر تعمد و وابستگی، بلکه

سرمقاله

نقشه راه پس از اعتراضات

از سر تجاها ل یا تغافل به خیابان آمده و خطایی کرده‌اند، واسپارد تـله میزان خطایشـده‌ها صفحه‌از داستان آمپول هوازدن پزشک احمدی به عبدالحسین تیمورتاش، محمدفرخی یزدی، سردار اسعد بختیاری، تقی ارانی، خان باباخان و... مشق بنویسد. ما خیلی زود این جمله رهبر حکیم انقلاب در سال ۱۴۰۱ را فراموش کردیم که «وسوسه‌ای را که روی آن جوان و نوجوان اثر می‌گذارد چه چیزی می‌تواند برطرف کند؟ باتوم که نمی‌تواند برطرف کند، آن وسوسه را تبیین می‌تواند برطرف کند.»

برخی از تجاها ل ها و تغافل ها حاصل کم‌کاری امثال ماست. البته فقط به کارگزار و من و ما بر نمی‌گردد؛ بخشی حاصل کاستی‌های جامعه‌پذیری سیاسی ماست. سیستم جامعه‌پذیری سیاسی ما هنوز آنچنان‌که شایسته و بایسته است نتوانسته داستان چرایی شکل‌گیری انقلاب، چرایی تلاش برای قوی شدن، چرایی تلاش برای استقلال و وابسته‌نبودن به غرب، چرایی تلاش برای هسته‌ای شدن، چرایی شکل‌گیری محور مقاومت و... را به جامعه بیاموزد. همین تساهل‌ها و نواقص‌ها در کف خیابان جلوه می‌کند که عده‌ای که گفتیم در خیابان جای جلا د یا خائن و شهید را عوض می‌کنند.

رئیس‌جمهور جنگ!

رفتار آمریکا در دنیای امروز نمایشگر قدرت است یا ضعف؟

انجامید.

شاید برخی این حمله را نشانه‌ای از قدرت بی‌بدیل آمریکا در جهان بدانند، اما واقعیت این است که این عملیات تنها علامتی از استیصال و درماندگی آمریکایی‌ها در برابر مقاومت مردم ونزوتلاست. مردم ونزوتلا با وجود تحریم‌ها، تهدیدها و فشارهای اقتصادی و نظامی آمریکا، همچنان مقاومت کرده‌اند و این اقدام بیشتر از آنکه بتواند آنها را شکست دهد، آنها را مصمم‌تر از قبل کرده است. این نوع عملیات‌ها فقط روحیه مبارزه مردم ونزوتلا را علیه امپریالیسم آمریکا تقویت کرده و نشان می‌دهد، تکیه بر قدرت نرم و دیپلماسی در دنیای امروز دیگر کارایی ندارد و به اصطلاح شاید دنیای گفتمان و دیپلماسی و مذاکره پایان یافته و عصر قدرت سخت و تقابل‌های واقع‌گرایانه به منصفه ظهور رسیده است.

یک نکته قابل توجه دیگر این است که در سند امنیت ملی جدید ایالات متحده که به تازگی منتشر شده، یک ادعای جالب وجود دارد که آمریکا اکنون در بالاترین سطح از قدرت نرم قرار دارد و می‌تواند از این قدرت برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برد؛ اما آنچه در عمل در ونزوتلا شاهد هستیم، دقیقاً خلاف این ادعاست. عملیات نظامی آمریکا نشان داد، قدرت نرم آمریکا در عمل تنها یک شعار تبلیغاتی است و زمانی که

♦ **مادورو اصالتی به‌عنوان یک دشمن یا دوست برای آمریکا ندارد؛ بلکه او صرفاً به‌دلیل اینکه مانع دسترسی سریع و راحت ایالات متحده به منابع نفتی ونزوتلا شده، هدف قرار گرفته‌است**

♦ **در این میان، آنچه بیش از همه برجسته است، نمایش یک دیکتاتوری فراکشوری و فرا ملی از سوی آمریکاست. ایالات متحده به‌طور علنی در امور داخلی سایر کشورها دخالت کرده و هیچ‌گونه شرم و حیایی از نشان دادن این سلطه‌گری و یاعی‌گری ندارد**

♦ **جنگ‌های بی‌پایان، هزینه‌های اقتصادی هنگفت، و نقض وعده‌های انتخاباتی، باعث شده‌اند که مردم آمریکا نسبت به آینده سیاسی کشور خود دچار بی‌اعتمادی شدید شوند**

تلاش برای بازگرداندن قدرت و هژمونی خود به جهان است، بلکه در عین حال دچار بحران‌های داخلی جدی شده و به‌جای استفاده از دیپلماسی و قدرت نرم، به حربه‌های نظامی و زور متوسل شده است. این وضعیت نشان‌دهنده یک دور باطل در سیاست‌های خارجی آمریکاست که به‌طور مستقیم به افزایش ناراضیاتی‌های داخلی و کاهش قدرت دیپلماتیک این کشور در سطح جهانی خواهدانجامید.

اما به هرحال یکی از مهم‌ترین دلایلی که ایالات متحده به‌طور مداوم تلاش می‌کند تا در ونزوتلا و سایر مناطق آمریکای لاتین حضور داشته باشد، منابع غنی نفتی این کشور است. ونزوتلا با ذخایر نفتی خود، یکی از قدرتمندترین اقتصادهای نیم‌کره غربی شناخته می‌شود. آمریکا همواره در تلاش بوده تا با دسترسی به این منابع، سلطه خود را در منطقه تثبیت کند. سخنان دونالد ترامپ در نشست خبری بعد از عملیات حمله به خاک ونزوتلا و ربودن رئیس‌جمهور مادورو و ورود شرکت‌های نفتی آمریکا به صنعت نفت ونزوتلا، به‌وضوح نشان‌دهنده این است که این حمله تنها بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر است. این پروژه در راستای دسترسی به منابع انرژی ونزوتلا و تحقق دکترین مونرو صورت می‌گیرد که هدف آن سلطه بر قاره آمریکاست. این به معنای آن است که در اختیار قرار گرفتن منابع نفتی ونزوتلا از سوی آمریکا می‌تواند منجر به تغییرات عمده در تعادل جهانی انرژی و افزایش منازعات در دیگر نقاط جهان شود.

اما باید گفت که مشکل آمریکا تنها با شخص نیکلاس مادورو نیست. مادورو اصالتی به‌عنوان یک دشمن یا دوست برای آمریکا ندارد؛ بلکه او صرفاً به‌دلیل اینکه مانع دسترسی سریع و راحت ایالات متحده به منابع نفتی ونزوتلا شده، هدف قرار گرفته است. بنابراین، با کنار رفتن مادورو از قدرت هم دشمنی‌های آمریکا با ونزوتلا پایان نخواهد یافت. در سوی دیگر میدان، با از دست رفتن مادورو، روحیه مقاومت و مبارزه با امپریالیسم آمریکایی‌ها در دل مردم ونزوتلا از بین نخواهدرفت.

روزنه

الگوی نبوی

سلمان سلگی

مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در ناحیه مقاومت بسیج تفرش

در وضعیت کنونی کشور که درگیر جنگ همه‌جانبه اقتصادی، نظامی و فرهنگی از سوی دشمن است ـ مشابه جنگ احزاب در زمان رسول خدا(ص) ـ شاهد فعالیت دست‌های مشکوکی در عرصه‌های امنیت اقتصادی و جانی هستیم که قصد خنجر زدن از پشت به ملت شریف ایران را دارند. در چنین وضعیت بحرانی، لازم است حاکمیت با قاطعیت و بر اساس سیره نبوی با این اوباش اقتصادی و امنیتی برخورد کند.

در ادامه نمونه‌های تاریخی از برخورد قاطع پیامبر(ص) را بررسی می‌کنیم؛

۱ ـ فتنه بنی قریظه در جنگ احزاب
در بحبوحه جنگ احزاب، زمانی که پیامبر(ص) در تقابل کامل با نیروهای کفر قرار داشتند، قبیله یهودی بنی قریظه که پیمان همزیستی و عدم تعرض با مسلمانان داشتند با تحریک حی‌بن‌خطب (رئیس قبیله بنی نضیر) پیمان خود را شکستند و قصد داشتند از پشت به حکومت اسلامی خنجر بزنند و مدینه را ناامن کنند که با تدبیر رسول خدا توطئه آنها خنثی شد.

پس از پایان جنگ، پیامبر(ص) قلعه آنان را محاصره و فتح کردند. هنگامی که قبیله اوس برای بخشش آنان وساطت کرد، رسول خدا(ص) قضاوت را به سعدبن معاذ (بزرگ قبیله اوس) واگذار کرد. سعد با وجود جراحت شدید در جنگ احزاب حکم اعدام مردان، اسارت زنان و مصادره اموال آنان را صادر کرد و پیامبر(ص) این حکم را تأیید کردند.

۲ ـ غزوه بدراولی

زمانی که کرز بن جابر فهری به احشام و اموال مسلمانان در مدینه حمله کرد، شخص پیامبر(ص) و تعدادی از یارانش به تعقیب او رفتند. این برخورد قاطع چنان رعب و وحشتی در دل کرز ایجاد کرد که پس از چند مدت تعقیب و گریز به اسلام گروید.

۳ ـ سریه کرزبن جابر فهری (ذی الجدر)
گروهی هشت نفره تازه مسلمان که در مدینه به دلیل ناسازگاری آب و هوا دچار بیماری طحال شدند، به چراگاه‌های اطراف مدینه منتقل شده بودند تا اوضاع جسمانی آنها بهتر شود، اما پس از مدتی که حال آنها بهتر شد، به غلام پیامبر(ص) به نام یسار حمله کرده و او را به طور فجیعی به شهادت رساندند. این عمل آنها موجب تأثر شدید پیامبر و یاران ایشان شد. کرزبن جابر فهری به دستور رسول خدا مأمور به دستگیری آنها شد و پس از دستگیری، آنها را نزد رسول خدا آورد و ایشان حکم قطع دست و پا به صورت مخالف، کور کردن آنها و نهایت اعدام آنان را صادر کردند.

بر این اساس مهم‌ترین شاخصه‌های برخورد پیامبر(ص) که بازدارندگی ایجاد کرد:

۱ ـ قاطعیت در اجرای احکام،
۲ ـ سرعت عمل در برخورد با تهدیدها.
متأسفانه در وضعیت فعلی، این دو مؤلفه به اندازه کافی محسوس نیست.
همانگونه که رهبر معظم انقلاب تأکید کرده‌اند، لازم است با اوباش اقتصادی و اخلاک‌ران امنیتی با قاطعیت کامل و بدون هرگونه رودریاستی حزبی و جناحی برخورد شود. این رویکرد نه تنها ضرورت شرعی و عقلی دارد، بلکه تضمین‌کننده امنیت ملی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

الگوی نبوی و علوی چراغ راه ماست؛ قاطعیت و سرعت عمل، رمز موفقیت در مدیریت بحران‌های امنیتی است.

پاسخ امام خامنه‌ای به یاوه‌گویی‌های دشمنان در دیدار خانواده شهدای اقتدار

کوتاه نمی‌آییم

♦ جنگ نرم را فراموش نکنید

رهبر معظم انقلاب، ایجاد شایعات و استفاده از دروغ و فریب و نفوذ و روش‌های مشابه و به تعبیر امروزی، «جنگ نرم» را سیاست دشمنان مولای متقیان برای بی‌انگیزه کردن و ایجاد تردید در جامعه آن روز خواندند و گفتند: وقتی مردم سست شدند، تحقق اهداف ناممکن می‌شود؛ چرا که براساس سنت الهی، کار دست مردم است و به دست آنها انجام می‌شود.

امام خامنه‌ای هدف دشمن در جنگ نرم را بی‌انگیزه و ناامید کردن مردم و ایجاد تردید در ملت برشمردند و گفتند: همچنان‌که در دوره امیرالمؤمنین با شایعه‌سازی و دروغ در پی بدبین کردن مردم بودند، امروز هم همان اقدامات عیناً انجام می‌شود؛ البته ملت ایران نشان داده است که در میدان‌های سخت و هر جا که نیازمند حضور و کمک او است، محکم ایستاده و دشمن را مأیوس می‌کند.
ایشان انگیزه قوی ملت ایران را عامل نگرانی بدخواهان دانستند و افزودند: یکی از ابزارهای دشمن و بعضی افراد ناپاب یا غافل در کارزار جنگ نرم، انکار داشته‌ها و توانایی‌های ملت ایران است چرا که غفلت از توانایی‌های ملی، زمینه‌ساز تحقیر و تسلیم در برابر دشمن خواهد شد.

♦ پیشرفت‌های خیره‌کننده

رهبر معظم انقلاب ارسال سه ماهواره به فضا در یک روز و پیشرفت‌های خیره‌کننده در بخش‌های مختلف علمی کشور از جمله هوافضا، زیست‌فناوری، پزشکی، درمان، نانو و صنایع دفاعی و موشکی را نمونه‌هایی از کارهای بزرگ ملت و جوانان نخبه و کارآمد ایران خواندند و گفتند: دشمن و متأسفانه برخی در داخل، این پیشرفت‌های بزرگ را که در شرایط تحریم رقم خورده است پنهان می‌کنند و به گوش مردم نمی‌رسانند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای افزودند: عاملی که موجب شد دشمن درخواست توقف جنگ کند و پس از آن نیز پیام بدهد که نمی‌خواهیم با شما جنگ کنیم، قدرت و توانایی ملت ایران است؛ البته ما به حرف دشمن خیبت، فریبکار و دروغگو، اعتمادی نداریم.

ایشان با اشاره به میانگین سنی ۲۶ ساله دانشمندان دخیل در پرتاب سه ماهواره اخیر، آن را نمونه‌ای از ثروت عظیم نیروی انسانی ملت ایران برشمردند و گفتند: آن وقت آن یاوه‌گوی آمریکایی وقتی راجع به ملت ایران حرف می‌زند؛ قدری بدگویی می‌کند و قدری فریب و وعده می‌دهد.

اما خوشبختانه امروز ملت ایران و بلکه همه دنیا، آمریکا را شناخته‌اند و تشت رسوایی آن در جهان فرو افتاده است.

♦ ثمره دشمن شناسی

رهبر معظم انقلاب، شناخت واقعی دشمن را دستاوردی بزرگ دانستند و افزودند: مردم در جنگ ۱۲ روزه خودشان واقعیت امریکا را دیدند. حتی کسانی که راه‌حل مشکلات کشور را مذاکره با او می‌دانستند، فهمیدند که وسط مذاکره، دولت آمریکا مشغول آماده کردن نقشه جنگ بوده است.

ایشان مراقبت در برابر جنگ نرم و شبهه‌سازی و شایعه‌سازی دشمن را ضروری خواندند و با اشاره به میلیارد‌ها دلار هزینه برای انتشار اظهارات دروغ در داخل ایران از طریق شبکه‌های تلویزیونی و مراکز اطلاع‌رسانی، گفتند: هدف آنها ضعیف کردن کشور و بهم زدن اتحاد معجزه‌آفرین ملت در جنگ ۱۲ روزه است. بنابراین مهمترین مسئله، توجه به دشمنی دشمن و اتحاد و اتفاق درونی و به تعبیر قرآن «اتَّيَّدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ حَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است.

♦ با معترض باید سخن گفت

امام خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به اجتماعات هفته گذشته بازاریان خاطر نشان کردند: بازار و بازاری جزو وفادارترین اقشار به نظام و انقلاب اسلامی هستند و ما آن ها را خوب می‌شناسیم. بنابراین نمی‌توان به اسم بازار و بازاری با جمهوری اسلامی مقابله کرد.

ایشان اعتراض بازاری‌ها به کاهش ارزش پول ملی را که باعث بی‌ثباتی محیط کسب و کار می‌شود، حرفی درست خواندند و افزودند: کاسب راست می‌گوید که با این شرایط نمی‌تواند کاسبی کند؛ این موضوع را مسئولان کشور هم قبول دارند و رئیس‌جمهور محترم و دیگر مسئولان ارشد درصدد علاج این مشکلند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی افزودند: البته در این مشکل هم دست دشمن در کار است و بی‌ثباتی و بالا رفتن بی‌حساب و کتاب قیمت ارز خارجی که باعث بلا تکلیفی کسبه می‌شود، طبیعی نیست و با تدابیر گوناگون باید جلوی آن گرفته شود که مسئولان در این زمینه مشغول تلاش هستند.

امام خامنه‌ای با تأکید بر اینکه اعتراض بازاری‌ها به این مشکل، مطلب درستی است، گفتند: اما آنچه غیر قابل قبول است ایستادن عده‌ای تحریک‌شده یا مزدور دشمن پشت بازاری‌ها و طرح شعارهای ضد اسلام و ضد ایران و جمهوری اسلامی است.

عکس و مکث



سرباز وطن/ امنیت این‌گونه حفظ می‌شود. پستی ترک نمی‌شود. پای لانچر موشک باشد یا در نقاط معیبالعبور و مرزی؛ سربازان وطن این‌گونه ایستاده‌اند برای مردم.



غزه دلتنگ حاج قاسم/ جغرافیای عشق به حاج قاسم، مرزها را درنوردیده است؛ این تصویری از دیوارهای غزه است که نشان می‌دهد غزه هنوز دلتنگ دستان مهربان حاج قاسم است.



ایران علی/ هنوز که هنوز است داغ شهادت حاج قاسم برای هر ایرانی تازه است. «حسن روح‌الامین» هنرمند انقلابی و اهل بیتهی(ع) دست به ترسیم این اثر هنری زده است.



دیداری متفاوت/ همزمان با روز پدر، فرزندان شهدای اقتدار با حضور در بیت رهبری، دیداری صمیمی و متفاوت را با رهبر فرزانه انقلاب اسلامی رقم زدند و ضمن تبریک این روز، یاد و خاطره پدران شهید خود را گرامی داشتند.



غیرت ایرانی/ جوانانی ایرانی که میانگین سنی‌شان ۲۶ سال بود، توانستند سه ماهواره ایرانی «ظفر۲»، «پایا» و «کوثر» را با موفقیت در مدار خورشیدآهنگ در ارتفاع حدود ۵۰۰ کیلومتری زمین مستقر کنند.



دموکراسی آمریکایی/ این تصویر مادورو رئیس‌جمهور قانونی یک ملت است که تنها به دلیل اجازه ندادن به آمریکا برای تاراج منابع سرزمینش، این چنین تحقیر می‌شود.

پیشخوان

عقبگرد آمریکا



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «اربرت کندی جونیور در جلسه رأی اعتماد به قانونگذاران قول داد که هیچ کاری انجام نخواهد داد که واکسن زدن را برای مردم دشوار یا دلسردکننده کند. حالا نزدیک به ۱۰۰ روز از تصدی او می‌گذرد، در حالی که شیوع سرخک در آمریکا رو به افزایش است.» به نوشته این روزنامه، کندی، بنیانگذار یک گروه ضد واکسن سرشناس، چشم‌انداز جدیدی را به چند نفر از مقامات ارشد بهداشت فدرال ارائه کرد. «هانا اندرسون» معاون وقت رئیس ستاد سیاست‌گذاری کندی، به این افراد گفت که کندی خواستار جایگزینی کامل اعضای یک کمیته مستقل تأثیرگذار از متخصصان است که درباره چگونگی و زمان واکسیناسیون آمریکایی‌ها تصمیم می‌گیرند. وی همچنین خواستار بازنگری این کمیته در توصیه دیرینه‌ای شد که بر اساس آن، تمام نوزادان در بدو تولد واکسن هپاتیت B دریافت می‌کنند. واشنگتن پست افزود: «دانشمندان فدرال که از درخواست‌های کندی مطلع شدند، گفتند که این درخواست‌ها نشان‌دهنده تغییر اساسی در واکسن‌هایی است که به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته و ایمن شناخته شده‌اند. اقدامات کندی متخصصان بهداشت عمومی، انجمن‌های پزشکی و مقامات کنونی و سابق بهداشتی را نگران کرده است. آنها می‌گویند او اعتماد به علم را تضعیف و اطمینان به اقدامات دیرینه بهداشت عمومی را از بین می‌برد.»

پدیده‌ای به نام ممدانی



روزنامه «یواس‌ای تودی» نوشت: «زهران ممدانی مرد شماره یک گوگل در جست‌وجوهای پرطرفدار سال ۲۰۲۵ است و صفحه ویکی‌پدیای او یکی از ۱۰ صفحه پرخواننده بود. جمهوری‌خواهان خواستار اخراج او شده‌اند و برخی دموکرات‌ها می‌گویند او یادآور باراک اوبامااست. همان ویژگی‌هایی که ممدانی را برای بسیاری از آمریکایی‌ها به یک رهبر تازه‌نفس تبدیل می‌کند، یعنی دموکرات، سوسیالیست، از نسل هزاره، جنوب آسیایی، مسلمان، مهاجر، برای دیگران به هدف حمله تبدیل کرده است.» به نوشته این روزنامه، شهرداران نیویورک معمولاً توجه ملی را جلب نمی‌کنند؛ اما ممدانی متفاوت است. چرا این قانونگذار ایالتی که تا چندی پیش گمنام بود، به یک دل مشغولی ملی تبدیل شده است کارشناسان می‌گویند این موضوع بیشتر به این دلیل است که او با دغدغه‌های اقتصادی نسل در حال ظهور سخن می‌گوید. یواس‌ای تودی افزود: «پیام ضد میلیاردری ممدانی در میان رأی‌دهندگان آمریکایی نطن‌انداز شده، زیرا قیمت مسکن، مواد غذایی، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات شهری سر به فلک کشیده است و بسیاری از جوانان برای یافتن شغل‌های با درآمد مناسب تلاش می‌کنند. یک سال پس از آنکه ترامپ با وعده پایان تورم در میان رأی‌دهندگان نیویورک نفوذ کرد، قیمت‌ها همچنان در حال افزایش است.»

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

اندیشکده محافظه‌کار شورای سیاست خارجی آمریکا (AFPC) نوشت: «در ماه‌های اخیر، دولت ترامپ دیپلماسی خود را در منطقه استراتژیک و مهم آسیای مرکزی بزرگ، که میان روسیه، چین و ایران قرار دارد، تشدید کرده است. این دولت میانجی اعلام صلح بین ارمنستان و آذربایجان شد و به حدود چهار دهه خصومت پایان داد. بخشی از این توافق شامل ایجاد یک مسیر ترانزیت مهم بود که شرکت‌های آمریکایی آن را اداره خواهند کرد. به تازگی، ترامپ میزبان رؤسای جمهور پنج کشور آسیای مرکزی در کاخ سفید بود و ابتکار عمل را برای شامل کردن قزاقستان در پیمان‌های ابراهیم به کار برد.»

این اندیشکده افزود: «این اقدامات نشان‌دهنده بازگشت آمریکا به آسیای مرکزی بزرگ است. این بازگشت، به نوبه خود، با افزایش اخیر نفوذ ترکیه در منطقه، که قابل توجه‌ترین موازنه در برابر سلطه روسیه و چین در مدت زمان طولانی است، تسهیل شده است. با این حال، روسیه و ایران به آرامی تسلیم نخواهند شد.»

شورای سیاست خارجی آمریکا با بیان اینکه

مسکو و تهران ابزارهایی برای خراب کردن آنچه آمریکا در حال ساختن آن است، در اختیار دارند، تصریح کرد: «اگر ابتکارات آمریکا قرار است موفق شود، واشنگتن باید با تهدیدهای روسیه و ایران مقابله کند. دورنمای موفقیت واشنگتن در منطقه در صورتی افزایش خواهد یافت که کشورهای آسیای مرکزی و آذربایجان به عنوان یک اتحادیه واحد در نظر گرفته شوند.»

به ادعای این اندیشکده، ابتکارات دولت ترامپ بازگشت نفوذ آمریکا را در این منطقه مهم ژئوپلیتیکی، که شامل آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز جنوبی می‌شود، به همراه دارد. در دو دهه گذشته، واشنگتن نقش معناداری در منطقه نداشته است. بی‌توجهی آمریکا به آسیای مرکزی بزرگ، با توجه به جایگاه منطقه به عنوان محل تلاقی قدرت‌هایی از جمله روسیه، ایران، ترکیه و چین و همچنین منابع انرژی فراوان و منابع معدنی حیاتی آن حیرت‌آور بود.

این اتاق فکر آمریکایی در ادامه تصریح کرد: «با کنار گذاشتن این بی‌توجهی، توافقات اخیر نشان می‌دهد که شرکت‌های آمریکایی اکنون یک مسیر ترانزیت حیاتی در منطقه را اداره خواهند کرد، که اطمینان می‌دهد واشنگتن در تحولات امنیتی منطقه درگیر خواهد بود. این جاده احتمالاً در سال ۲۰۲۶

افراسو

بازگشت به قرن گذشته

اعتراف وال استریت ژورنال به افول جایگاه آمریکا

افغانستان عراق آغاز کرد وهدف پرطمطراق «پایان دادن به استبداد در جهان» را مطرح کرد. تمرکز گسترده بر «جنگ جهانی علیه تروریسم» موجب غفلت از تهدید روبه‌رشد چین شد؛ کشوری که دستاوردهای اقتصادی خود را به تقویت چشمگیری قوای نظامی تبدیل کرد. این جنگ‌ها همچنین حمایت عمومی از تعاملات بین‌المللی را در داخل آمریکا تضعیف کردند.

نویسنده در پایان به سوءمدیریت دوران کرونا اشاره می‌کند. ترویج و تبلیغ روش‌های درمانی غیرعلمی و آزمایش نشده از سوی ترامپ به تضعیف اعتماد عمومی انجامید. وال استریت ژورنال همچنین به مشکلاتی از جمله بحران مسکن و پیرشدن جمعیت، فشار بر برنامه‌های اجتماعی، تضعیف اعتماد متحدان و تقویت نظامی چین اشاره کرده و تأکید می‌کند که باتوجه‌به این فشارهای فزاینده رهبران سیاسی آمریکا باید برای پایان این ۲۵ سال افول و آغاز مسیر احیا با شجاعت به مشکلات اساسی بپردازند و همکاری دوحزبی را احیا کنند.

نگاهی به اهداف پشت پرده واشنگتن از جولان در آسیای مرکزی

تقابل با روسیه و ایران!

به بهره‌برداری می‌رسد و شامل پیوندهای ریلی و جاده‌ای است. راه‌آهن افزایش ترافیک محموله‌ها از دریای سیاه تا مرز با چین را امکان‌پذیر خواهد کرد. تجارت انرژی در منطقه نیز افزایش خواهد یافت و احتمالاً مسیرهای جدیدی در سال ۲۰۲۶ ایجاد خواهند شد.»

شورای سیاست خارجی آمریکا افزود: «بازگشت واشنگتن به منطقه با چندین تحول ژئوپلیتیکی اخیر تسهیل شده است. شاید مهم‌ترین آن، ظهور اتحادیه کشورهای ترک زبان باشد که ترکیه را با آذربایجان در قفقاز جنوبی و قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان در آسیای مرکزی متحد می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی اخیراً آذربایجان را به عنوان عضو کامل مکانیسم‌های رسمی همکاری آسیای مرکزی گنجانده‌اند که همکاری منطقه‌ای را بیشتر تقویت می‌کند. این اتحادیه برای اولین بار موازنه‌ای در برابر روسیه و چین در منطقه ایجاد می‌کند و به همین ترتیب بازدارندگی خاصی در برابر مداخله مسکو در امور داخلی کشورهای منطقه- از جمله تلاش‌های آن برای دور نگه داشتن آمریکا- فراهم می‌کند. واشنگتن از طریق افزایش همکاری با آسیای مرکزی، گسترش چین در منطقه را محدود می‌کند، بدون اینکه آمریکا مجبور به مقابله مستقیم با پکن باشد.»

پنجره

خطرناک از بمب اتم

گزارش فارن افرز از تهدید دیپفیک‌ها در دنیای امروز

نشریه «فارن افرز» می‌نویسد اگرچه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای دهه‌هاست تلاش کرده‌اند از شلیک اشتباهی این سلاح‌ها جلوگیری کنند، خطر محاسبه غلط امروز به همان اندازه دوران جنگ سرد جدی است و حتی به‌دلیل اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند شدیدتر هم باشد.

این مقاله خطر اصلی را در رشد دیپفیک‌ها می‌داند؛ ویدئوها، تصاویر یا فایل‌های صوتی بسیار باورپذیری که برای تولید اطلاعات نادرست به‌کار می‌روند. به نوشته این مقاله، این فناوری‌ها پیشتر نیز در عرصه ژئوپلیتیک استفاده شده‌اند. از جمله، اندکی پس از آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲، یک دیپفیک گسترده منتشر شد که در آن رئیس‌جمهور اوکراین ظاهراً از نیروهایش می‌خواست سلاح‌ها را زمین بگذارند.

بر اساس این تحلیل، در بدترین سناریو، یک دیپفیک می‌تواند رهبر یک کشور دارای سلاح هسته‌ای را متقاعد کند که دشمن حمله نخست را آغاز کرده یا در شرف آغاز آن است. همچنین سامانه‌های اطلاعاتی پشتیبانی‌شده با هوش مصنوعی ممکن است هشدارهای نادرستی

این اندیشکده محافظه‌کار با تأکید بر اینکه روسیه هنوز در ارمنستان، دو پایگاه نظامی دارد و تقریباً تمام زیرساخت‌های استراتژیک این کشور، از جمله بخش انرژی آن را کنترل می‌کند، نوشت: «حمله موشکی اخیر روسیه با موشک اسکندر به سفارت آذربایجان در کی‌یف احتمالاً به طور تصادفی رخ نداده است و نشان‌دهنده تلاش مسکو برای ارباب باکو است. موفقیت آمریکا در آسیای مرکزی بزرگ نیازمند تمرکز مستمر برای خنثی کردن تهدیدهای روسیه و ایران است.»

این اندیشکده خاطر نشان کرد: «ترامپ همچنین باید خطوط قرمز روشنی برای ایران مشخص کند. ضروری است که به تهران اجازه داده نشود ایجاد پیوندهای ریلی و جاده‌ای را که ترکیه و غرب را از طریق قفقاز جنوبی به آسیای مرکزی متصل خواهد کرد، مختل کند. تحقق این کریدور به کشورهای آسیای مرکزی کمک می‌کند تا از وضعیت محصور در خشکی خود خارج شوند و با بازارهای جهانی ارتباط برقرار کنند، و باید در سال‌های آینده یک اولویت کلیدی آمریکا باشد. این کریدور همچنین دسترسی و نفوذ بیشتری را به ایالات متحده در منطقه مهم ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی بزرگ می‌دهد و روسیه، چین و ایران را تحت کنترل نگه می‌دارد.»

بی‌خبری

«رافائل گروسسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره سطح اشراف آژانس بر برنامه هسته‌ای ایران پس از تحولات اخیر گفت: «ما با کمبود جدی اطلاعات مواجهیم و از دیدگاه منع اشاعه، این امر بسیار منفی است، چراکه حتی اگر این تأسیسات به شدت آسیب دیده باشند، این درک واضح وجود دارد که بخش عمده اورانیوم غنی شده‌ای که ایران دارد، هنوز در این کشور است.» وی با اشاره به اظهارات پیشین خود که گفته بود برخی از بازرسان آژانس در ایران حضور دارند، بیان کرد: «نه امروز. اما این به معنای خروج آژانس از ایران نیست. صرفاً اکنون، حجم فعالیت‌های بازرسی کاهش یافته است.»



درماندگی استراتژیک

«اولگ استپانوف» سفیر روسیه در اتاوا با اشاره به وعده نخست‌وزیر کانادا مبنی بر اعطای ۱/۸ میلیارد دلار وام به اوکراین از صندوق بین‌المللی پول و سایر مؤسسه‌های مالی، گفت: «حامیتی که کابینه مارک کارنی، به رژیم زلنسکی ارائه می‌دهد، نمونه‌ای از درماندگی استراتژیک است.» وی ادامه داد: «کارنی مردی با تجربه گسترده در بخش مالی و بانکی، نمی‌تواند از این موضوع غافل شود که سرمایه‌گذاری در یک دارایی زیانده غیرمنطقی است. اتاوا گروگان تصمیمات سیاسی است. در واقع، وجوهی که از مالیات‌دهندگان کانادایی برداشت می‌شود، هرگز بازگردانده نخواهد شد. این در حالی است که اقتصاد کانادا با مشکلات فراوانی روبه‌روست.»



باج سوماتالی لند

«حسن شیخ محمود» رئیس‌جمهور سوماتالی، با اشاره به اقدام تل‌آویو گفت: «ما انتظار به رسمیت شناخته شدن سوماتالی لند از سوی اسرائیل را نداشتیم و از دخالت بی‌دلیل و ورود ناگهانی آن به این موضوع شگفت‌زده شدیم. اسرائیل پیش از این هیچ‌گونه منافع یا روابطی با منطقه شاخ آفریقا نداشته است.» وی افزود: «نزدیک شدن اسرائیل به سوماتالی لند به هیچ وجه با اهداف صلح‌آمیز همراه نیست. اسرائیل پیشتر در سوماتالی لند حضور داشته و این به رسمیت شناختن، عادی‌سازی روابطی است که به صورت پنهانی جریان داشته است. سوماتالی لند با اسکان فلسطینی‌ها، احداث پایگاه اسرائیلی و پیوستن به توافقات ابراهیم موافقت کرده است.»





نوید کمالی

دبیر گروه راهبردی

تحولات روزهای ۷ و ۸ دی‌ماه در برخی شهرهای کشورمان، فراتر از یک کنش صنفی یا اعتراض گذرا، حامل پیام‌های جدی راهبردی برای ساختار تصمیم‌سازی و مدیریت کلان کشور است. وقوع زنجیره‌ای از اعتراضات که از بازارهای سنتی و مدرن آغاز و به فضایی عمومی کشیده شد، نشان‌دهنده گسست میسان «واقعیت‌های کف میدان» و «برآوردهای انتزاعی» در برخی لایه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی است. مسئله اصلی اینجاست که چرا با وجود هشدارهای مکرر کارشناسی در رسانه‌ها و نهادهای پژوهشی، دستگاه‌های متولی رصد و پیشگیری توانستند مانع از تبدیل نارضایتی انباشته به کنش خیابانی شوند؟ این نوشتار با رویکردی بینارشته‌ای، بر آن است تا نشان دهد که چگونه تلاقی تصمیمات اقتصادی نسنجیده، لایحه‌بودجه انقباضی و نادیده گرفتن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، به یک غافلگیری راهبردی در مدیریت امنیت ملی کشورمان منجر شد.

❖ شکاف ارقام و سفره‌ها

نقطه عزیمت این تحلیل، لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ است که در فضایی آکنده از انتظارات تورمی تقدیم مجلس شد. دولت با هدف کنترل کسری بودجه، رویکردی انقباضی را در پیش گرفت که در آن، افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان در مقابل تورم پیش‌بینی شده ۴۵/۵ درصدی، عملاً به معنای کاهش بیش از ۲۰ درصدی قدرت خرید واقعی حقوق‌بگیران است. این تناقض در دستمزد نه تنها انگیزه تخصص‌گرایی در بدنه اجرایی را سرکوب می‌کند، بلکه سیگنالی نگران‌کننده به بازار کار و طبقه متوسط ارسال می‌کند. زمانی که دولت در لایحه بودجه، سهم درآمدهای مالیاتی را به رقم بی‌سابقه ۶۵ درصد می‌رساند، در حالی که رشد اقتصادی کشورمان تناسبی با این فشار مالیاتی ندارد، نوعی خفقتان مالی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط حاکم می‌شود. استفاده از مفهوم شاخص فشار مالیاتی در اینجا اهمیت می‌یابد. این شاخص نشان می‌دهد بار واقعی مالیات، فراتر از نرخ‌های اسمی، چگونه بر معیشت اثر می‌گذارد. در وضعیتی که تورم مزمن وجود دارد، افزایش مالیات بر ارزش افزوده و سایر عوارض دولتی، حکم مالیات بر مالیات را پیدا می‌کند. بیشتر کارشناسان به درستی هشدار داده بودند که تکیه بر درآمدهای مالیاتی در زمان رکود تورمی، می‌تواند به جای پایداری منابع، به تضعیف توان تولید و خروج سرمایه منجر شود. متأسفانه، به نظر می‌رسد منطق حسابداری در بودجه‌نویسی بر منطق «اقتصاد سیاسی» و «تاب‌آوری اجتماعی» غلبه کرده و همین امر، نخستین بستر نارضایتی را در آستانه زمستان فراهم آورد.

❖ چالش محرومیت نسبی

یکی از خطاهای فاحش در محاسبات امنیتی و اجتماعی هفته‌های اخیر، نادیده گرفتن مفهوم «محرومیت نسبی» در اجرای طرح‌های رفاهی و خدماتی بود. نظریه محرومیت نسبی تأکید دارد که آنچه

به ناآرامی منجر می‌شود، صرفاً فقر نیست، بلکه شکاف میان انتظارات و واقعیت و مشاهده تفاوت‌های فاحش طبقاتی است. عرضه بنزین سوپر با قیمت پایه ۸۰ هزار تومان در شرایطی که بیش‌برگسی از جامعه برای تأمین مایحتاج اولیه مانند لبنیات و تخم مرغ به خرید قسطی روی آورده‌اند، یک تحریک اجتماعی تمام‌عیار به شمار می‌آید. انتشار تصاویر خودروهای لوکس در صف این بنزین، در حالی که بیلبوردهای شهری مملو از تبلیغات خرید اقلام ضروری با وام و اقساط ۲ ماهه است، تضاد طبقاتی را از یک مفهوم انتزاعی به یک درد ملموس و بصری تبدیل کرد. سیاست‌گذاران این طرح اگر مطالعات پیوست اجتماعی و امنیتی داشتند، متوجه می‌شدند که اجرای چنین طرحی در فضای ملتهب پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در آستانه تصویب بودجه‌ای که معافیت‌های مالیاتی آن از طریق تورم بلعیده شده، نوعی خودزنی راهبردی است. باید به این نکته توجه داشت که موتور محرک بسیاری از ناآرامی‌های سیاسی در تاریخ معاصر جهان، احساس تبعیض و محرومیت است؛ پدیده‌ای که در روزهای اخیر به وضوح در شعارها و مطالبات معترضان متبلور شد و نشان داد که «عدالت توزیعی» در تصمیمات اخیر به حاشیه رفته است.

❖ خطای حکمرانی بر مبنای درآمدزایی

اعتراضات اخیر که چرخه آن از بازارهای موبایل چارسو و علاءالدین تهران زده شد، نمادی از واکنش به سیاست‌هایی است که کالا‌های پر مخاطب و ضروری را نه به عنوان ابزار توسعه، بلکه به مثابه فلک درآمدی دولت می‌بیند. صنعت موبایل در کشورمان به دلیل ضریب نفوذ بالا، به آزمایشگاهی برای سیاست‌های درآمدزایی کوتاه‌مدت تبدیل شده است. معرفی برخی تلفن‌های همراه پیشرفته و مناسب فعالیت‌های رسمی هزینه رجیستری در بودجه برای نخستین‌بار و افزایش چشمگیر درآمد پیش‌بینی شده از این محل (که با رشدی ۷۰ درصدی به حدود ۸/۵ همت رسیده)، در کنار نوسانات شدید بازار ارز، فعالان این حوزه را با چالش جدی روبه‌رو کرده است. وقتی سیاست‌گذار بدون توجه به زنجیره تأمین و قدرت خرید مصرف‌کننده، تعرفه‌ها را افزایش می‌دهد و خدمات دولتی، مانند رجیستری یا حتی افتتاح حساب بانکی و دیگر خدمات را با قیمت‌های بالا عرضه می‌کند، عملاً در حال کوچک کردن بازار و حذف خرده‌فروشان است. به عبارت بهتر اعتراض بازاریان، واکنشی به پیش‌بینی‌ناپذیر بودن اقتصاد بود. فعال اقتصادی که

صبح صادق دلایل راهبردی ناآرامی‌های اخیر را واکاوی می‌کند

چرا پیش‌بینی و پیشگیری نشد؟

نمی‌داند فردا کالا را با چه قیمتی باید جایگزین کند و هم‌زمان باید فشارهای مالیاتی تصاعدی را نیز تحمل کند، چاره‌ای جز توقف فعالیت نمی‌بیند. اینجاست که رکود تحمیلی، به اعتراض خیابانی پیوند می‌خورد و هزینه‌های امنیتی آن به مراتب از درآمدهای مالیاتی متصور برای دولت بیشتر می‌شود.

❖ آسیب‌شناسی نهادهای مسئول!

حال پرسش کلیدی و راهبردی این است که چرا دستگاه‌های تخصصی رصد و پایش کشورمان از پیش‌بینی این وضعیت نوسانی ناتوان ماندند؟ پاسخ را باید در ساختار معیوب برخی «اتاق‌های فکر» جست‌وجو کرد. متأسفانه طی سال‌های اخیر، بخشی از این مراکز به «اتاق‌های پژواک» تبدیل شده‌اند؛ مکان‌هایی که در آن گروهی از هم‌فکران و هم‌قبیله‌های سیاسی صرفاً شنیده‌ها و ایده‌های یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کنند. وقتی انتصابات در سطوح راهبردی و پژوهشی بر مبنای وفاداری‌های گروهی و جناحی باشد و نه تخصص محض و نگاه منتقدانه، خروجی این مراکز سیاست‌هایی خواهد بود که بر روی کاغذ و پاورپوینت درست به نظر می‌رسند؛ اما در برخورد با واقعیت‌های جامعه کشورمان شکست می‌خورند. نهادهای مسئول رصد باید «دیده‌بان» نظام باشند، نه «توجیه‌کننده» تصمیمات دولت. تکیه بر آمارهای رسمی که گاهی با تأخیر منتشر می‌شوند یا با زیست روزمره مردم فاصله دارند، موجب شده است تا سیاست‌گذار در فضایی ایزوله تصمیم بگیرد. در حالی که بیشتر کارشناسان مستقل در رسانه‌ها نسبت به پیامدهای فشار مالیاتی و تورم انتظاری ناشی از لایحه بودجه هشدار داده بودند، چرا این هشدارها در فرآیند تصمیم‌گیری نهایی لحاظ نشد؟ این نشان‌دهنده نقاط کور در رادار تشخیص اولویت‌های امنیت ملی است.

❖ نیروی انسانی و کیفیت حکمرانی

یکی دیگر از ابعاد مغفول مانده، تأثیر نظام پرداخت نامتناسب بر «کیفیت حکمرانی» است. وقتی دستمزد حقیقی متخصصان در بدنه دولت و دیگر نهادهای وابسته به بودجه ملی حتی نیروهای مسلح به دلیل تورم ۴۵ درصدی و افزایش ۲۵ درصدی حقوق، بیش از ۲۰ درصد کاهش می‌یابد، ما شاهد پدیده «تخلیه تخصص» از دستگاه‌ها و نهادهای خواهیم بود. نیروهای توانمند که باید معماران توسعه و پیشرفت کشور باشند، یا به بخش خصوصی کوچ می‌کنند یا انگیزه خود را برای ارتقای بهره‌وری، نوآوری و حل مسئله از دست می‌دهند. تضعیف بدنه کارشناسی، مستقیم بر توان پیش‌بینی و پیشگیری مشکلات اثر می‌گذارد.

❖ پرسش کلیدی و راهبردی این است که چرا دستگاه‌های تخصصی رصد و پایش کشورمان از پیش‌بینی این وضعیت نوسانی ناتوان ماندند؟ پاسخ را باید در ساختار معیوب برخی «اتاق‌های فکر» جست‌وجو کرد. متأسفانه طی سال‌های اخیر، بخشی از این مراکز به «اتاق‌های پژواک» تبدیل شده‌اند

❖ باید پذیرفت که مسائل امروز کشورمان، از ناترازی انرژی و ارزی گرفته تا نارضایتی‌های معیشتی، راه‌حل‌های صرفاً سیاسی ندارند؛ بلکه نیازمند «خرد جمعی» و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های علمی کشور، فارغ از گرایش‌های جناحی هستند

دولت و سازمانی که نتواند نخبگان خود را حفظ کند، در مواجهه با بحران‌های پیچیده ارزی و اجتماعی، به ناچار به تصمیمات شتاب‌زده و واکنشی روی می‌آورد. کاهش کیفیت خدمات عمومی، بروکراسی فرسوده و عدم درک صحیح از روندهای تکنولوژیک مانند، همگی معلول تضعیف سرمایه انسانی در لایه‌های میانی حکمرانی است. این روند اگر اصلاح نشود، فاصله میان دولت و ملت را عمیق‌تر کرده و کارآمدی نظام را در حل مسائل مزمن اقتصادی زیر سؤال می‌برد.

❖ ضرورت مدیریت ملی

کشورمان در وضعیت حساس تاریخی و ژئوپلیتیکی قرار دارد. دشمنان خارجی و رقبای منطقه‌ای به دقت تحولات داخلی ما را زیر نظر دارند و هرگونه ناآرامی را فرصتی برای تغییر موازنه قوا می‌بینند. در چنین وضعیتی، مدیریت امور ملی که با سرنوشت و سفره بیش از ۹۰ میلیون ایرانی گره خورده است، جای آزمون و خطای سیاسی و قبیله‌گرایی نیست. انتصاب غیر تخصصی و صرفاً قبیله‌ای در مسندهای حساس راهبردی، بدون داشتن تخصص و نگاه کلان، جفایی بزرگ در حق منافع ملی است. باید پذیرفت که مسائل امروز کشورمان، از ناترازی انرژی و ارزی گرفته تا نارضایتی‌های معیشتی، راه‌حل‌های صرفاً سیاسی ندارند؛ بلکه نیازمند «خرد جمعی» و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های علمی کشور، فارغ از گرایش‌های جناحی هستند. وقایع ۸ دی‌ماه نشان داد که نادیده گرفتن صدای نخبگان و منتقدان دلسوز، می‌تواند هزینه‌های گزافی به بار آورد. حکمرانی هوشمند اقتضا می‌کند که از این حوادث درس گرفته شود و به جای برخورد‌های رویبنای، به اصلاح ساختارهای تصمیم‌ساز و بازسازی اتاق‌های فکر اقدام شود.

❖ پیشگیری هوشمندانه پیش از در مان

در جمع‌بندی آنچه بیان شد، باید تأکید کرد که اعتراضات اخیر معلول تلاقی فشار اقتصادی واقعی و احساس محرومیت نسبی ناشی از سوءمدیریت در ابعاد رسانه‌ای و اجرایی بود. برای پیشگیری هوشمندانه از تکرار چنین رخدادهایی که عوارض و هزینه‌های آن می‌تواند جریان‌ناپذیر باشد، ضروری است که نظام رصد و هشدار زودهنگام در کشورمان بازنگری اساسی شود. این نظام باید بتواند اثرات اجتماعی هر تصمیم اقتصادی (مانند نرخ بنزین سوپر یا مالیات بر ارزش افزوده) را پیش از اجرا، مدل‌سازی و شبیه‌سازی کند. همچنین دولت باید با سعه صدر، لایحه بودجه ۱۴۰۵ را در تعامل با مجلس و کارشناسان مستقل و متعهد به منافع ملی، به گونه‌ای اصلاح کند که بار اصلی جبران کسری بودجه از دوش طبقات ضعیف و حقوق‌بگیر برداشته شود. همچنین، شفافیت در نظام مالیاتی و مبارزه واقعی با فرار مالیاتی دانه‌درشت‌ها، می‌تواند حس عدالت را در جامعه تقویت کند؛ اما در پایان باید به این نکته توجه داشت که امنیت ملی پایدار، در گرو «پایداری معیشت»، «امید به آینده» و «اعتماد به کارآمدی ساختار تصمیم‌گیر» است. اگر اتاق‌های فکر ما به جای پژواک صدای مدیران، به تربیون واقعیت‌های جامعه تبدیل شوند، کشورمان هرگز در تله غافلگیری‌های سیاسی و امنیتی نخواهد افتاد. پیشگیری هوشمندانه، نیازمند شجاعت در پذیرش خطا و بازگشت به مسیر تخصص‌گرایی و عدالت‌محوری است.

سقوط دمشق تصمیم به ترمیم حقوق نیروهای مسلح گرفت که «دیر هنگام» و بی‌اثر بود. باید به این بلوغ راهبردی برسیم که سفره خانواده نیروهای مسلح کشور، بخشی از زرادخانه دفاعی کشورمان است. پرسنل نیروهای مسلح به دلیل محدودیت‌ها و مصالح حرفه‌ای، امکان فعالیت اقتصادی مکمل را بر خلاف سایر کارمندان ندارند؛ لذا هرگونه عقب‌افتادگی حقوق آنها از تورم، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند که مستقیم بر «ضریب بازدارندگی» کشورمان اثر منفی می‌گذارد.

در پایان باید به این نکته توجه داشت که امنیت ملی کشورمان ساختاری یکپارچه دارد که از «خانه» مرزبانان آغاز می‌شود. توصیه راهبردی این است که نهادهای مسئول، پیش از آنکه چالش‌های معیشتی به گره‌های کور تبدیل شوند، با بازنگری در اولویت‌های بودجه‌ای و بازنگری در مصوبات نسنجیده خدماتی، مانع از تولید چالش و مشکل شوند. در واقع نباید اجازه داد منطق صرفه‌جویی بودجه‌ای، جای منطق اولویت داشتن امنیت ملی را بگیرد. صیانت از آرامش خاطر کارکنان جان‌برکف مدافع وطن، صیانت از کل مرزهای کشورمان است و این حقیقت را نباید نادیده گرفت که هرگونه تعلل در آن، بازی در زمین دشمن و تنها کار نفوذی‌ها خواهد بود.

۵

راهبرد

شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

صداق

❖ دیگران

بهای اقتدار

صبح صادق این بادداشت را صرفاً برای اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند / در طول دهه‌های اخیر، جذب و حفظ نیروهای انسانی باکیفیت به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های ساختار نظامی بدل شده است. اگرچه در پاسخ به نگرانی‌های مربوط به آمادگی دفاعی و تحقق نیافتن اهداف استخدای، مشوق‌های مالی و افزایش حقوق‌های قابل‌توجهی در قالب قوانین جدید تصویب شده است، تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که این تغییرات به‌تنهایی حلال مشکلات نخواهد بود. واقعیت این است که ارتش آمریکا با رقابتی به‌مراتب سخت‌تر از سوی بخش آموزش عالی مواجه است؛ چرا که هر ساله شمار بیشتری از جوانان آمریکایی مسیر دانشگاه را بر می‌گزینند و بازدهی مالی تحصیلات دانشگاهی نیز در دو دهه گذشته به‌طور مستمر صعودی بوده است. طبق بررسی‌های ما، حقوق نظامیان نیم درصد بیش از شاخص هزینه اشتغال در بخش خصوصی افزایش یافت، اما این رشد باید در بستری وسیع‌تر سنجیده شود. در دنیایی که شکوفایی اقتصادی گزینه‌های متعددی را پیش پای جوانان مستعد می‌گذارد، ارتش دیگر نمی‌تواند صرفاً به مدل‌های سنتی پرداخت تکیه کند. ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که در آن حتی با وجود افزایش حقوق، امتیاز ویژه‌ای که ارتش برای جذب نیروهای نخبه ارائه می‌داد، در حال فرسایش است.

در کال‌دستمزدهای واقعی برای افراد دارای مدرک دیپلم در بخش خصوصی، شاید در نگاه نخست ارتش را برای این گروه جذاب‌تر نشان دهد، اما واقعیت این است که نخبگان دارای دیپلم که ارتش به‌شدت به آنها نیاز دارد، همان‌هایی هستند که اکنون بیش از هر زمان دیگری به دنبال تحصیلات تکمیلی می‌روند. تحلیل ارزش فعلی مسیرهای شغلی گوناگون ثابت می‌کند که برای افسران ارشد، شکاف درآمدی با بخش خصوصی با وجود افزایش حقوق‌ها همچنان پابرجاست. همچنین در مورد نیروهای داوطلب، اگرچه حقوق دریافتی آنها در مقایسه با هم‌تایان دیپلمه خوددر مشاغل فنی بخش خصوصی رقابتی به نظر می‌رسد، این مقایسه زمانی که پای مسیر شغلی مبتنی بر تحصیلات دانشگاه به میان می‌آید، رنگ می‌بازد. ثمرات آزمون ورودی نیروهای مسلح (AFQT) به‌وضوح نشان می‌دهد داوطلبان با استعداد ریاضی و کلامی بالاتر، تمایل بیشتری به تکمیل تحصیلات خود دارند و این، یعنی استخر استعداد‌های در دسترس ارتش در حال کوچک‌تر شدن است.

در واقع برای حفظ یک نیروی نظامی نخبه، نمی‌توان تنها به اصلاحات پولی بسنده کرد. ما بر این باوریم که ارتش باید در نگرش خود نسبت به مسیرهای شغلی، آموزش‌های حین خدمت و قابلیت انتقال مهارت‌ها به بخش غیرنظامی بازنگری بنیادین کند. اگر بودجه‌های آتی صرفاً بر اساس افزایش حقوق‌های مصوب تنظیم شوند، احتمالاً منابع کافی برای نوسازی نیروها با کیفیتی که در برنامه‌های استراتژیک پیش‌بینی شده، وجود نخواهد داشت. ارتش باید به محیطی تبدیل شود که در آن، خدمت نظامی نه‌تنها یک وظیفه ملی، بلکه مسیری برای رشد علمی و حرفه‌ای هم‌تراز با بهترین فرصت‌های بخش خصوصی باشد. تأمین مالی صرف‌بدون ایجاد فرصت‌های تحصیلی و آموزشی پیشرفته، تنها هزینه‌های انجام کار را بالا می‌برد بدون آنکه بهره‌وری و ماندگاری نیروهای نخبه را تضمین کند. بنابراین، حفظ حقوق نظامی رقابتی مستلزم یک رویکرد جامع است که در آن جبران خدمات مالی، تنها بخشی از یک منظومه بزرگ‌تر شامل اعتبار علمی و تخصص حرفه‌ای قابل‌انکار در بازار کار آینده باشد.

***اندیشکده آمریکایی RAND**

یادداشت

هدایت سرمایه‌ها به تولید

جعفر قادری

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس



تردیدی در این موضوع وجود ندارد که مشکلات و چالش‌های اقتصادی امروز کشور راه حل دارد و با اتکا به راهکارهای اقتصادی می‌توان از موانع پیش روی توسعه اقتصاد ایران عبور کرد. شاید با جرئت بتوان گفت یکی از مهم‌ترین راهکارهای نجات اقتصاد از وضعیت فعلی توجه ویژه دولت به بخش خصوصی و ارتقای جایگاه بخش خصوصی و مردمی در اقتصاد کشور است.

در صورتی که دولت به قانون توجه و عمل کند و کوچک‌سازی خود را در دستور کار قرار دهد و از بنگاه‌های خرد و متوسط تا بنگاه‌های بزرگ و دارندگان سرمایه برای هدایت سرمایه‌های خود به اقتصاد حمایت کند، می‌توان خدمات قابل توجهی به مردم ارائه داد و زمینه‌ها را برای بهبود وضعیت اقتصادی، معاش مردم و ارتقای خدمات در حوزه‌های گوناگون، مثل فناوری، آموزش، اشتغال و درمان تسهیل کرد.

قطعاً نسبت به سایر کشورهای دنیا که سال‌هاست به صورت عملی و واقعی از تصدی‌گری دولت در بخش‌های مختلف عبور کرده‌اند، عقب مانده‌ایم. بنابراین باید در این موضوع ورود بجایی داشته باشیم؛ زیرا با کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت بخش خصوصی زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه صنعت و صادرات کشور و تولید افزون‌تر با نرخ رقابتی و کیفیت بالا باز می‌شود.

بی‌شک با تمام توان باید به سمت سازوکارها و قانون‌گذاری‌ها و سیاست‌های پرویم که به پویا شدن بخش خصوصی منتهی می‌شود. در صورتی که دولتمردان شرایط لازم برای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را فراهم کنند، بخش قابل توجهی از معضلات امروز اقتصاد کشور حل می‌شود، زیرا مردم پای کار می‌آیند و آینده اقتصاد ایران را می‌سازند.

بی‌توجهی دولت‌ها به تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی و بزرگ ماندن دولت و هدایت سرمایه‌ها با سیاست‌های غلط به سمت سوداگری موجب شده سرمایه‌های مردمی راهی بخش‌های مولد نشود. وقتی بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور در دست دولت و شرکت‌های شبه دولتی است، این سیگنال به بخش خصوصی و مردمی داده می‌شود که نمی‌توانند در فضای شفاف اقتصاد فعالیت کنند؛ زیرا دولت بر اقتصاد احاطه دارد.

بی‌تردید چاره‌ای جز حمایت از بخش خصوصی نداریم؛ زیرا به تجربه درخصوص سایر کشورهای جهان ثابت شده بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی و مولد متعلق به مردم و بخش خصوصی است؛ از این رو دولت باید عزم خود را برای حمایت همه‌جانبه و خروج خود از بخش‌های گوناگون اقتصاد جزم کند. حذف قوانین دست و پاگیر و بروکراسی‌های اداری نیز موجب هدایت سرمایه‌ها و تشویق سرمایه‌داران برای ورود به بخش‌های گوناگون اقتصاد است. اگر دولت به بخش خصوصی قدرت مانور بدهد، به دلیل ایجاد درآمدهای مالیاتی، دولت نیز صاحب درآمد می‌شود؛ لذا تأمین بودجه با استقرار و به صورت تورمی انجام نمی‌شود و این موضوع و رویه منجر به اعاده مطالبه مردم در کاهش نرخ تورم و بهبود وضعیت زندگی و معاش آنها می‌شود.



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و استاد اقتصاد گفت: «دولتمردان باید متوجه این موضوع مهم باشند که میزان تورم برای اقشار با درآمدهای پایین، یعنی کارگران و کارمندان ۴۰ درصد نیست؛ بلکه بیش از این رقم است، زیرا ارزیابی‌ها و آمارهای رسمی نشان می‌دهد تورم مواد غذایی و خوراکی‌ها در حال حاضر به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده است.»

«آلبرت بغزیان» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره موضوع افزایش ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران و نارضایتی‌های موجود نسبت به این تصمیم دولت در خصوص از دست رفتن معاش مردم در سال آینده به دولت و مجلس گفت: «طی سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌ها و ناکارآمدی‌های مدیریتی، به ویژه در بخش اقتصادی شاهد از دست رفتن معاش و قدرت خرید مردم و کوچک‌تر شدن بیش از پیش سرفه‌های مردم بوده‌ایم، اما آنچه در فرآیند افزایش قیمت کالاها اتفاق می‌افتد بر معیشت مردم، به ویژه طبقه متوسط به پایین فشار شدیدی وارد می‌کند.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «افزایش قیمت کالاها متأثر از چندین عامل است؛ اما به هر حال قیمت کالاها به دلیل افزایش هزینه تمام تولید نیز شامل نرخ انرژی، اجاره بهای بنگاه تولیدی؛ نرخ ارز مورد نیاز برای واردات و تأمین مواد اولیه و همبطور حقوق و دستمزد نیروی کار است. مسئله‌ای که دولت نسبت به آن غفلت دارد و این موضوع موجب رنجش کارمندان و کارگران شده اینکه نرخ کالاها و انرژی در تمام طول سال در حال افزایش است؛ اما میزان دستمزدها بالا نمی‌رود و نهایتاً یک بار در ابتدای سال افزایش می‌یابد و در طول سال ثابت است، طبیعتاً دولت باید پاسخگوی معیشت از دست رفته مردم باشد.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «یکی از شعارهای آقای رئیس‌جمهور ایجاد تناسب بین نرخ تورم و حقوق و دستمزد بود، اما آقای پزشکیان گویا حتی به این وعده خود نیز چندان باور ندارند؛ چرا که در لایحه بودجه اولیه دولت سال آینده این موضوع به هیچ وجه دیده نشده است. اصولاً دولتی‌ها و تیم اقتصادی دولت

معتقدند افزایش حقوق و دستمزد بهانه‌ای به تولیدکننده برای افزایش قیمت می‌دهد؛ اما گویا به این موضوع توجه نمی‌کنند که بدون این بهانه نیز قیمت‌ها مدام در حال افزایش بوده و این وسط فقط سهم نیروی کار از بر خورداری از معاش مناسب و مطلوب نادیده گرفته شده است.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی یادآور شد: «برای نمونه سهم نیروی کار در هزینه تولید خودرو چیزی حدود ۱۰ درصد است؛ اما وقتی حقوق و دستمزد ۲۰ درصد افزایش می‌یابد تولیدکننده خودرو نیز ۲۰ درصد بر قیمت‌های خود می‌افزاید، در حالی که صرفاً باید به سهم نیروی انسانی در هزینه تولید ۲۰ درصد افزوده شود. برای نمونه، اگر هزینه تولید محصولی ۱۰۰ میلیون تومان باشد ۱۰ میلیون تومان آن مربوط به هزینه‌های نیروی انسانی است و در نتیجه افزایش ۲۰ درصدی حقوق و دستمزد در نهایت هزینه تولید را ۲ میلیون تومان (۲۰ درصد ۱۰ میلیون تومان) افزایش می‌دهد. اما متأسفانه شاهدیم به دلیل نبود نظارت بر قیمت‌گذاری‌ها، مردم مدام تحت فشار قیمت‌های رو به افزایش در بسیاری از کالاها هستند.»

بغزیان معتقد است: «دولت به جای اینکه بهانه‌ها به افزایش نرخ‌ها به واسطه افزایش حقوق و درآمد منتسب کند، باید نسبت به نقش نظارتی خود توجه بیشتری داشته باشد. مطالبه کارگران و کارمندان با حقوق و دستمزد ثابت از دولت بسیار بجاست؛ زیرا حتی اگر تورم نیز نداشته باشیم یا تورم در کشور مانند بسیاری از کشورهای دنیا اعداد ناچیزی باشد باید برای افزایش

قدرت خرید مردم حقوق و دستمزدها را افزایش داد. البته ماد تقریباً در نیم قرن اخیر به جز سال‌های معدودی همواره شاهد تورم‌های دورقمی و بالا بوده‌ایم.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران معتقد است: «نباید اقتصاد ایران به گونه‌ای مدیریت شود که مردم گمان کنند تبدیل شدن نرخ تورم ایران به نرخ تورم در امارات و ژاپن یک رؤیاست. متأسفانه این قدر به تورم‌های بالا عادت کرده‌ایم که نبود تورم یا تورم‌های پایین برای مان به یک رؤیا تبدیل شده است. مسئله حائز اهمیت این است که دولتمردان نباید نرخ‌های تورم را شوخی بدانند و در حد یک رقم با آن برخورد کنند؛ زیرا این عدد یک رقم صرف نیست، بلکه به معنای از دست رفتن معاش بسیاری از مردم ایران است.»

بغزیان افزود: «تورم ۴۰ درصدی که رئیس‌سازمان برنامه و بودجه برای سال آینده از آن سخن گفتند، در حرف چهل درصد است؛ اما در واقعیت کوچک شدن بیش از پیش و فشار در ابعاد مختلف بر زندگی، معیشت و اعصاب و روان مردم است. وقتی نرخ تورم به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد اما درآمدها کمتر از این عدد رشد می‌کند؛ یعنی مردم نمی‌توانند قدرت خرید از دست رفته خود را جبران کنند و فقرا بیشتر می‌شوند.

این در حالی است که وضعیت امروز اقتصاد ما به گونه‌ای است که قدرت خرید مردم مانه تنها باید حفظ شود؛ بلکه باید افزایش یابد، در حالی که روند موجود به معنای کاهش قدرت خرید است.»

این استاد اقتصاد معتقد است: «دولت باید مراقب سوءاستفاده برخی تولیدکنندگانی که طی هفته‌های

اینکه نرخ کالاها و انرژی در تمام طول سال در حال افزایش است؛ اما میزان دستمزدها بالا نمی‌رود و نهایتاً یک بار در ابتدای سال افزایش می‌یابد و در طول سال ثابت است، طبیعتاً دولت باید پاسخگوی معیشت از دست رفته مردم باشد

اصولاً دولتی‌ها و تیم اقتصادی دولت معتقدند افزایش حقوق و دستمزد بهانه‌ای به تولیدکننده برای افزایش قیمت می‌دهد؛ اما گویا به این موضوع توجه نمی‌کنند که بدون این بهانه نیز قیمت‌ها مدام در حال افزایش بوده و این وسط فقط سهم نیروی کار از برخورداری از معاش مناسب و مطلوب نادیده گرفته شده است

مطالبه کارگران و کارمندان با حقوق و دستمزد ثابت از دولت بسیار بجاست؛ زیرا حتی اگر تورم نیز نداشته باشیم یا تورم در کشور مانند بسیاری از کشورهای دنیا اعداد ناچیزی باشد باید برای افزایش قدرت خرید مردم حقوق و دستمزدها را افزایش داد

وقتی نرخ تورم به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد اما درآمدها کمتر از این عدد رشد می‌کند؛ یعنی مردم نمی‌توانند قدرت خرید از دست رفته خود را جبران کنند و فقرا بیشتر می‌شوند

آلبرت بغزیان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با صبح صادق

حمایت از قدرت خرید ضروری است



اخیر چندین بار نرخ محصولات خود را بالا بردند، باشد. نباید تولیدکننده و مصرف‌کننده را به حال خود رها کرد؛ زیرا دست مصرف‌کننده خالی است و نمی‌تواند دانش را به جایی ببرد و خواهان اعاده حقوق خود باشد.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است: «دولت باید دستمزدها را افزایش داده و از سوی دیگر روی قیمت کالاها نظارت کند. دولتمردان نباید گمان کنند با افزایش ۲۰ درصدی حقوق، معاش مردم تأمین می‌شود؛ زیرا در همان یکی دو ماه اول سال قدرت خرید مردم به واسطه تورم‌های بالایی که اتفاق می‌افتد از دست می‌رود. بنابراین باید به سمت و سوی سیاست‌های درست و نظارت مطلوب حرکت کرد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: «دولتمردان باید متوجه این موضوع مهم باشند که تورم برای مردم با درآمدهای پایین، یعنی کارگران و کارمندان ۴۰ درصد نیست؛ بلکه تورم واقعی که آنها در سرفه‌های‌شان احساس می‌کنند بیش از این رقم است؛ چرا که ارزیابی‌ها و آمارهای رسمی نشان می‌دهد، تورم مواد غذایی و خوراکی‌ها بیش از ۱۰۰ درصد است.»

آلبرت بغزیان با اشاره به اینکه مستأجران در شرایط حاضر تحت فشارهای اقتصادی شدیدی قرار دارند، گفت: «موجران افزایش قیمت کالاها را روی افزایش اجاره بها سرشکن می‌کنند و دارندگان دارایی‌ها برنده افزایش نرخ ارز و طلا هستند. متأسفانه بازندگان واقعی اقتصاد تحریمی و رانتی مردمی مانند مستأجران و کارگران هستند که حقوق و دریافتی‌های پایینی داشته و تحت فشارند.»

وی در ادامه بحث خاطر نشان کرد: «دولت نمی‌تواند کم کاری خود را در قبال افزایش حقوق و دستمزد و متعهد ماندن به قانون که بر این نکته تصریح دارد حقوق و دستمزد باید براساس نرخ تورم باشد، توجیه کند و خواست مردم و صاحب نظران اقتصادی را که درباره آینده هشدار می‌دهند، پشت گوش بیندازد؛ چرا که تداوم این مدل مدیریت در اقتصاد کشور تبعات نامطلوبی به جا می‌گذارد.»

شاخص

وضعیت وخیم

بر اساس یک نظرسنجی اختصاصی جدید که برای روزنامه «گاردین» انجام شده است، نیمی از آمریکایی‌ها معتقدند وضعیت معیشت آنها رو به وخامت است و شمار فزاینده‌ای از آنان کاخ سفید را برای این بحران مقصر می‌دانند. این نظرسنجی که مؤسسه هریس آن را انجام داده، ضربه‌ای دیگر به تلاش‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای مقابله با انتقادهای از نحوه مدیریت اقتصاد این کشور وارد می‌کند و زنگ خطر را برای وی به صدا در می‌آورد. نزدیک به نیمی از آمریکایی‌ها، معادل ۴۵ درصد، گفته‌اند امنیت مالی آنها رو به وخامت گذاشته است، در حالی که تنها ۲۰ درصد معتقدند وضعیت مالی‌شان بهتر شده است.



منهای نفت

۱۸۰ تن

صادرات محصولات گلخانه‌ای هر مزگان در سال جاری رکورد چشمگیری زده است. «محمد رضا شیخ‌زاده» مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی این استان اعلام کرد، تولید بیش از ۲۱۱ هزار تن محصول گلخانه‌ای در هر مزگان پیش‌بینی می‌شود، که از این میزان، ۱۸۰ هزار تن به کشورهای حاشیه خلیج فارس و اوراسیا صادر خواهد شد. این صادرات ارزآوری بیش از ۱۰۰ میلیون دلاری برای کشور به همراه دارد. هر مزگان با حدود یک‌هزار هکتار سطح زیر کشت گلخانه‌ای، رتبه چهارم کشور در این حوزه را به خود اختصاص داده است. فلفل دلمه‌ای، گوجه‌فرنگی، خیار و پادمجان از محصولات عمده این استان هستند.



افزوده

اقتصاد تردهمیلی

در اقتصاد تردهمیلی شما هر چقدر تلاش کنید و پول جمع کنید، چون تورم خیلی بالاست، روز به روز ارزش پول‌تان کم می‌شود، کل زحمت و تلاش شما به باد می‌رود و رسماً وارد یک دور باطل می‌شوید و گرانی و تورم از تلاش شما جلوتر است و تنها باید بدوید تا فقیر نشوید! هیچ پیشرفت و حرکت رو به جلویی وجود ندارد و افراد با وجود تلاش روزانه خود سر جای اول قرار دارند. چون طبق فرمول کار نیرو= جابه‌جایی= کار انجام شده، به حد کافی نیرو صرف کرده‌اند؛ ولی چون جابه‌جایی‌شان صفر بوده، کاری از پیش نبرده‌اند!



علی بن ابی طالب(ع) عصاره نظام آفرینش است

گفتاری از آیت الله عبدالله جوادی آملی

واحد؛» سپس این نور واحد عوالمی را پشت سر گذاشت و به این نشأه از عالم وجود رسید تا اینکه در دنیا یکی در لباس نبوت جلوه کند و دیگری در جبهه امامت. برای غیر ذات نورانی ائمه معصوم(ع)، نه شناخت عارفانه شهودی کنه امیرالمؤمنین(ع) مقدور است و نه معرفت حکیمانه حصولی عمق یا اوج او میسور است. انسان کامل چو نان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) عصاره نظام آفرینش است و آنچه در جهان امکان به طور کثرت مَنشُور است، در حقیقت علی بن ابی طالب(ع) به طور وحدت مَلفُوف است و هماهنگی این لَفّ و نَشْر، پیام خاص خود را دارد و آن اینکه وجودهای طبیعی، مثالی، عقلی و الهی اشیای عینی، همتای مراحل چهارگانه وجود این عُبد محض و با اخلاص خداوند خواهد بود، به طوری که اگر نظام تکوین به صورت انسان کامل مُثَمِّل شود، همان حضرت علی(ع) خواهد بود و اگر حقیقت انسان کاملی مانند علی بن ابی طالب(ع)

به صورت جهان عینی مُتبلور شود، همین جهان کنونی خواهد شد و این تبادل و تعامل متقابل محصول تطابق لَفّ و نشر است که به آن اشارت شد. اثر این هماهنگی کامل انسان معصوم و جهان را می توان در علم غیب انسان کامل نسبت به آنچه در جهان می گذنرد و نیز تأثیر وی در آن به اذن خداوند مشاهده کرد. انسان کامل همچون حضرت علی بن ابی طالب(ع) همتای قرآن حکیم است که این کتاب سترگ، گذشته از تصدیق صحایف آسمانی انبیای سَلَف، بر همه آنها هیمنه و سیطره دارد و چون اوج مقام متّبع هر پیام آوری، همانا صحیفه آسمانی اوست و قرآن کریم بر همه آن کتاب‌ها مُهْمِیم است، انسان کامل نیز که طبق حدیث متواتر: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعَظْمَتِي أَهْلَ بَيْتِي... لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ کُفُو قرآن مجید است و در هیچ مرحله وجودی از او جدا نخواهد بود، همچنین ایشان سرآمد همه انسان‌های کامل است....



ادراک مقام رسول اکرم(ص) و نیز مقام امیرالمؤمنین(ع) و ائمه معصوم(ع) میسور هیچ کس نیست و آنان در مقام انسانیت و خلافت مطلقه الهی نور واحدند. از این رو، رسول اکرم(ص) درباره امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «ما عرفک یا علی حق معرفتک إِلَّا الله وأنا؛ یا علی! جز خدا و من، هیچ کس تو را آن گونه که شایسته است، نشناخت. انسان کامل آیینۀ تمام نمای اوصاف فعلی خداوند است. برای شناخت کنه انسان کامل، چاره‌ای جز انسان کامل شدن نیست. در این حالت است که معنای اسم اعظم مشهود، و واقعیت «کتاب مبین» مبین می شود و نیز حقیقت «أُمّ الکتاب» آشکار و عدل قرآن کریم بودن واضح شده و شرط حصْن بودن توحید احراز می شود. امیرالمؤمنین(ع) برجسته ترین انسان کامل و نیز شخصیت ممتازی است که قبل از خلقت عالم وجود، نور او و نور رسول الله(ص) به صورت یک مجموعه خلق شد، چنانکه رسول اکرم(ص) می فرماید: «خلقت أنا وعلی من نورٍ

همیاری و همدلی اصل همیشگی

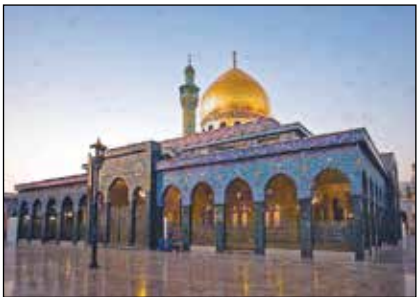
کمک کنید. این آیه تنها توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه برنامه‌ای اجتماعی است: جامعه‌ای که می‌خواهد در روزهای سخت بایستد باید همکاری را در سطح مردم و مسئولان نهادینه کند. حضرت علی(ع) این اصل قرآنی را در نامه‌ها و خطبه‌های خودشان به گونه‌ای شرح می‌دهند که روشن می‌شود همکاری و دستگیری تنها وظیفه‌ای فردی و فرد محور نیست، بلکه ستون یک حکومت و ملاک مشروعیت مدیران است. یکی از برجسته‌ترین این سخنان در نامه معروف امام(ع) به مالک اشتر است؛ نامه‌ای که در آن حضرت بارها و بارها بر ضرورت نزدیک بودن مسئولان به مردم و مراقبت از معیشت آنان تأکید می‌کند. در بخشی از این نامه می‌فرمایند: «مهربانی با مردم را پوشش دل خوش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چو نان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.»؛ امام علی(ع) در نامه به مالک اشتر دستور می‌دهد به وضعیت مردم رسیدگی کند و با زر اندوزان مبارزه و حق محرومان را از آنها بگیرد. در بیان مولی الموحلین(ع) روشن می‌شود که اداره کشور در شرایط سخت، بدون توجه به رضایت مردم و عدالت در توزیع امکانات به جایی نخواهد رسید. اگر مردم فشار اقتصادی را تحمل کنند ولی احساس بی عدالتی داشته باشند، همراهی و همدلی سست می‌شود؛ اما اگر ببینند مسئولان رنج آنان را می‌فهمند، در کنارشان هستند و امکانات با عدالت توزیع می‌شود، تحمل رنج آسان تر می‌شود. در نگاه حضرت علی(ع) کمک به مردم تنها احسان فردی نیست، بلکه وظیفه حکومت است. در بخشی دیگر از نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّینِ

وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِینَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَآمَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ»؛ یعنی ستون دین، جمعیت مسلمانان و نیرو برای مقابله با دشمنان همان مردم هستند. (نهج البلاغه، نامه به مالک اشتر) این جمله نشان می‌دهد مردم تنها نیازمند کمک نیستند، بلکه خود ستون جامعه‌اند، اگر فروبریزند، دین، استقلال و امنیت فرو می‌ریزد. بنابراین وقتی مردم در تنگنا هستند، کمک به آنان در حقیقت کمک به بقا و سلامت کشور است. این سخن تنها درباره دیدار چهره به چهره نیست؛ یعنی مسئول نباید در برج‌های اداری و امنیتی محصور شود تا رنج مردم را نبیند و صدای آنان را نشنود. وقتی اقتصاد سخت می‌شود، اولین وظیفه مسئولان شکستن این پرده‌هاست: شنیدن، دیدن، لمس کردن و پاسخ دادن. قرآن در آیهای دیگر اصل مهمی را در کنار تعاون و همکاری بیان می‌کند: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶). این آیه به معنای پاداش اخروی صرف نیست، وعده‌ای اجتماعی هم هست. وقتی جامعه‌ای صبر فعال داشته باشد، یعنی همراه با تلاش، همبستگی و امیدوار بودن پیش رود، خدا با آنان است. این «مَعِیَّت» الهی در نگاه دینی همان افزایش قدرت تحمل، تقویت روحیه جمعی، رشد امید و شکل‌گیری انگیزه برای یاری‌دهی است. همین مفهوم را تنها فضیلتی فردی نمی‌داند. در خطبه‌ای می‌فرماید: «صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است.» جامعه بدون صبر نمی‌تواند در سختی‌ها مقاومت کند، ولی صبری که امام می‌خواهد، صبری پویا و مسئولانه است. صبر همراه با اقدام، همراه با ادای حق و همراه با کمک به دیگران. از نظر امام علی(ع) کمک‌کردن به یکدیگر در روزهای سخت یک ضرورت تمدنی است. اگر کمک و دستگیری از میان مردم برود، جامعه در برابر

سختی‌ها خرد می‌شود. در خطبه‌ای دیگر می‌فرمایند: «اللَّهِ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ»؛ اگر جامعه نسبت به ضعفایی تفاوت شود، در حقیقت رابطه خود با خدا را تضعیف کرده است و دقیقاً همین جاقران بار دیگر راهنمایی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵) در سختی‌ها احسان کردن تنها کمک به همسایه نیست، بلکه نوعی امیدآفرینی است. امیدی که از دل کمک‌های کوچک و بزرگ زاده می‌شود و چراغی در تاریکی است. در شرایطی که مردم با سختی معیشت روبه‌رو هستند، علی(ع) یک اصل بسیار مهم را گوشزد می‌کند که امروز نیز راهگشاست: مسئولان باید سبک زندگی خود را تا حد امکان به زندگی متوسط مردم نزدیک کنند. در نامه‌ای معروف خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، وقتی خبردار می‌شود که او در مهمانی ثروتمندان شرکت کرده، می‌نویسد: «آیا راضی باشم که فقط گفته شود امیر مؤمنان هستم؛ اما در سختی روزگار با مردم شریک نباشم؟!» این سخن یعنی مسئولیت حقیقی در وضعیت اقتصادی دشوار، مشارکت با مردم در رنج است. اگر مردم احساس کنند مسئولان بار مشکلات را با آنان تقسیم می‌کنند، برگشت اعتماد و شکل‌گیری همبستگی اجتماعی آسان می‌شود؛ اما اگر مسئول آسوده باشد و مردم در رنج، میان آنها دیواری از بی اعتمادی می‌رود. حضرت علی(ع) این دیوار را با سبک زندگی خوش شکست؛ نان جو خورد، لباس ساده پوشید و بارها تأکید فرمود که: دسترسی ندارد.» آموزه‌های اسلامی بر اهمیت کمک مردم به یکدیگر تأکید دارد؛ زیرا جامعه‌ای که تنها منتظر کمک از بیرون باشد، زود فرسوده می‌شود، اما جامعه‌ای که از درون نیز فعال باشد، ثابت‌قدم‌تر است.

پرچم‌دار قیام

پس از بازگشت شام، غم و اندوه کربلا و رنج‌های طاقت‌فرسا جسم حضرت زینب را فرسوده کرد و سرانجام حدود یک‌سال و نیم پس از واقعه کربلا، در ۱۵ رجب سال ۶۲ یا ۶۳ قمری و در ۵۶ سالگی از دنیا رفت. درباره علت وفات ایشان دیدگاه‌ها متفاوت است: برخی بیماری و ضعف ناشی از مصائب را دلیل اصلی می‌دانند و برخی احتمال شهادت به‌وسیله مسمومیت و عوامل یزید را مطرح کرده‌اند، محل دفن آن بانوی بزرگوار نیز محل اختلاف است؛ بقیع در مدینه، شام و مصر از احتمالات مطرح هستند؛ اما نظر مشهور میان محققان، منطقه «راویه» دمشق است.



ابر قدرت

آیت‌الله علی سعادت‌پرور(ره):همیشه در فکر آن باشید وظیفه خود را انجام دهید، در هر لباسی، با هر کسی و در هر مقام، نه تملق کسی گویند و نه در فکر آن که نسبت به خود از کسی تملق بشنویند. بشر را یک مردن است، در راه وظیفه باشد یا بر خلاف وظیفه... تمام قدرت‌ها در کف عنایت حق است، هیچ کس نمی‌تواند اگر خدا نخواهد به من صدمه‌ای بزند، من باید به وظیفه‌ام عمل کنم، ولو عالم با من دشمن شوند، اگر چنین شدید آن وقتی که به مقام و ریاست رسیدید، از عمل باکی ندارید.



نجاست لباس نمازگزار

پرسش: اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند، بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است، آیا نماز وی باطل است؟ اگر در حین نماز نجاست حاصل شود، نماز او چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر اصلاً علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست، ولی اگر در اثناء نماز نجاست عارض شود، اگر برای وی ازاله نجاست از بدن یا درآوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد، باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل کند و اگر برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است که نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک آن را اعاده کند.

آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای

اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۴۳۰

دین

شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

مصادیق

تعاون برای رفع مشکلات

سید علی میرهادی

کارشناس علوم دینی

در زمانی که نابسامانی‌های اقتصادی، فشار معیشت را بر دوش بسیاری از مردم سنگین می‌کند، بازخوانی فرمان قرآنی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» نه فقط دعوتی اخلاقی، که راهبردی حیاتی و اجتماعی است. این آیه شریفه، همکاری را در چارچوبی پویا و زمانمند تعریف می‌کند: «بِرٌّ» یعنی هر کار شایسته و نیکی که رضای خدا و سود مردم در آن باشد؛ اما مصداق این «کار شایسته» همواره ثابت نیست و جوهره آن بر طرف کردن مهم‌ترین نیازهای جامعه در هر دوره است. گاه در صدر اسلام، این تعاون در آزادی بردگان یا آموزش دستورات دینی و رفع مشکلات مسلمانان و امروز، در عصری که دغدغه معیشت دغدغه مردم است، بزرگ‌ترین میدان همکاری در نیکی، همانا عرصه اقتصاد و تلاش برای کاهش آلام اقتصادی مردم است. این مهم را می‌توانیم در نام‌گذاری‌های رهبر فرزانه انقلاب برای هر سال و تعیین وظایف آن سال ببینیم.

در این روزها، تعاون بر نیکی و تقوا، پوسته‌ای جدید بر تن می‌کند. دیگر تنها کمک‌های سنتی و انفرادی کافی نیست، هر چند ارزش خود را حفظ کرده است. امروز «بِرٌّ» اقتصادی، اهمیت فراوانی دارد و اثر بیشتری در پیشبرد اهداف اسلامی و انقلابی می‌گذارد. از همان قرض‌الحسنه که قرآن در آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يَغْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» به آن اشاره کرده، گرفته تا ایجاد یک فرصت شغلی برای جوانان و تشکیل خانواده به دست آنان و نجات زندگی مردم و ایجاد دوام و قوام برای آن بَرّ به شمار می‌آید؛ اما فراثر از این، تعاون در تولید، نقشی استراتژیک می‌یابد. وقتی گروهی از مؤمنان، سرمایه‌های خرد خود را با نیتی پاک و برای خودکفایی کشور و ایجاد اشتغال در راه تولید کالای باکیفیت و ضروری قرار می‌دهند، این تنها یک فعالیت اقتصادی نیست. عبادتی جمعی و مصداق بارز «تعاونوا علی البر» است. آنها با این کار، هم چرخه اقتصاد را می‌چرخانند، هم برکت را برای جامعه خود فراهم می‌آورند. در این میان، وظیفه تولیدکنندگان بزرگ و کوچک، بازاریان و کسبه نیز حرکت در این مسیر است. تسخیف دادن و سود کمتر گرفتن، تحمل در افزایش قیمت‌ها و حتی فرصت بیشتر دادن برای پرداخت دیون مشتری، پرهیز از گران‌فروشی، همه از مصادیق تقوای اقتصادی است که آیات بسیاری بر آن تأکید دارند؛ چون «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْيَمِينَ بِالْقِسْطِ»؛ پیمانۀ و ترازو را به عدالت تمام دهید. حتی یک مشاوره اقتصادی ساده و دل‌سوزانه به افراد که مشکلاتی در کسب خود دارند تعاون در بَرّ به شمار می‌آید. حتی جلوگیری از هدر رفتن سرمایه محدود مردم به هر نحوی، مصداقی از تعاون بر نیکی است؛ اما نگاه قرآن به اقتصاد، نگاهی یک بعدی نیست. آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَسْرِوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ»؛ و فضل و احسان را میان خود فراموش نکنید؛ یادآوری می‌کند که روح حاکم بر این تعاون‌های اقتصادی، باید روح احسان و برادری باشد، نه چشم‌داشت برای سود و ثروت بیشتر.

بنابراین، تعاون اقتصادی زمانی به «تقوا» گره می‌خورد که قصد قربت در آن باشد، عزت گیرنده حفظ شود و هدف، ساختن جامعه مستقل و پیشرو باشد. بنابراین بزرگ‌ترین جهاد و برترین نیکی، همکاری دسته جمعی برای عبور از تنگناهای اقتصادی است. جامعه‌ای که این معنا از «تعاون» را اسرلولحه کار خود قرار دهد.

شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۲

پرونده

صداقت

بودجه

نگاهی به لایحه دولت برای سال مالی ۱۴۰۵

بودجه به روایت یک نماینده!

پیمان بیاتی

خیرنگار

«غلامرضا تاجگردون» در قاب تلویزیون ظاهر شد و با حرف‌هایش پرده‌ای از واقعیت‌های اقتصادی را کنار زد؛ از هزینه‌های نفتی و درهای بسته بانک مرکزی حرف زد؛ از کسری بودجه‌ای روایت او نه آرامش آورد و نه امید، بلکه بیشتر شبیه یک کمدی تلخ بود؛ نمایشی که مردم هر روز بلبت آن را با گرانی مرغ، دلار و بنزین می‌خرند و تماشاایش می‌کنند.

◆ **معادلات نفت**

تاجگردون با همان آشنا وارد شد؛ لحنی که انگار سال‌هاست با اعداد و بودجه زندگی کرده و خوب بلد است از دل عددها کنایه بیرون بکشد. اولین جمله‌اش مثل پتک فرود آمد: «۸ میلیارد دلار نفت فروختیم، اما پولش هنوز پشت در بانک مرکزی گیر کرده»! این حرف بیشتر شبیه وضعیت بازار امروز است. پول نفت مثل حواله‌های صرفاتی است؛ روی کاغذ صادر شده، اما در عمل هنوز در راه است. این آغاز بیشتر از یک جمله خبری بود؛ شبیه مونولوگ یک بازیگر که می‌خواهد تماشاگر را از همان لحظه اول درگیر کند. مخاطب حس می‌کند وارد نمایشی شده که قرار نیست پایان خوشی داشته باشد، بلکه هر پداش سخت‌تر از قبلی است.

◆ **هیولای تورم‌ساز**

وقتی به کسری بودجه رسید، لحشت جدی‌تر شد: «کسری بودجه به ۸۰۰ همت رسیده و تورم‌زا خواهد بود.» این عدد برای مردم عادی شاید مثل رمز وای‌های باشد؛ هیچ‌کس نمی‌فهمد دقیقاً چیست، اما همه می‌دانند نتیجه‌اش گرانی است. این روزها بازار مثل بیماری است که هر بار دولت می‌گوید «تیش پایین آمده»، دماشنگ بالاتر می‌رود. طنز تلخ ماجرا اینجاست که هر بار وعده آرامش می‌دهند، قیمت مرغ و دلار مسابقه می‌گذارند که کدام زودتر رکورد بزند.

مرد هم مانند تماشاگران این نمایش می‌پرسند: این هیولا کی قرار است رام شود؟ اما پاسخ همیشه یک وعده تازه است، وعده‌ای که نیست شبیه قصه شب اساطیر تا برنامه اقتصادی. این تضاد همان جایی است که طنز سیاسی به اوج می‌رسد؛ هیولایی که همه می‌بینند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند شکستن دهد.

◆ **سرنوشت ارز ترجیحی**

تاجگردون یادآوری کرد که قرار بود نرخ ارز ترجیحی ۳۸ هزار تومان باشد، اما حالا بازار روی ۲۸ هزار تومان ایستاده است. او این وضعیت را «مسخره» خواند. دلار در خیابان فرودمی مثل بازیگر اصلی یک سریال است؛ هر روز نقش تازه‌ای می‌گیرد، اما هیچ‌وقت از صحنه پایین نمی‌آید. این تناقض همان جایی است که طنز سیاسی به اوج می‌رسد؛ وعده‌ها مانند چراغ‌های چشمک‌زن چهارپاره هستند، هر لحظه رنگ عوض می‌کنند و راننده‌ها نمی‌دانند باید یا ایستند یا حرکت کنند. بازار هم مانند اتنده‌ای است که پشت فرمان کلافه شده و هر لحظه آماده است بوق بلند بزند.

◆ **فروش روی کاغذ**

او گفت فروش نفت ۱۲ میلیارد دلار بوده اما تنها ۱۳ میلیارد دلار وصول شده است. این هشت میلیارد دلار کمشده، بیشتر شبیه پولی است که در حساب‌های خارجی گیر کرده و هیچ‌کس نمی‌داند کی آزاد می‌شود. مردم هم این روزها با همین حس زندگی می‌کنند؛ حقوقی که روی فیش حقوقی نوشته شده، اما تا آخر ماه نصفش در جیب تورم جا می‌ماند.

این صحنه بیشتر شبیه یک نمایش کمدی–تراژدی است؛ بازیگر روی صحنه با صدای بلند می‌گوید «فروختیم»، اما پشت صحنه صندوق خالی است. تماشاگر می‌خندد، اما خنده‌ای که بوی ناامیدی می‌دهد. این تضاد، همان جایی است که طنز سیاسی به اوج می‌رسد؛ نقی که فروخته‌ایم، اما پولش مثل میله سبایی است که هیچ‌وقت به دست نمی‌آید.

◆ **بنزین؛ دور دور با پارانه**

کنایه شیرین درباره بنزین این بود: «چرا وقتی بنزین–نداریم باید اجازه مصرف بنزین پارانه‌ای برای دور دور و مسافرت داده بشود؟». این جمله دقیقاً حواله‌های خیابان‌های تهران را توصیف می‌کند؛ ماشین‌هایی که شب‌ها برای تفریح دور دور می‌کنند، در حالی که دولت برای تأمین بنزین روزانه دست به دعاست. طنز تلخ اینجاست که پارانه‌ای که قرار بود به مردم کمک کند، حالا بیشتر خرج تفریح می‌شود تا معیشت.

تصویرش را ببین: جوانی در خیابان با ماشینش دور دور می‌کند، در حالی که پشت صحنه، دولت با دست‌های لرزان دنبال راهی برای واردات بنزین است. این تضاد همان طنز تلخ سیاست‌گذاری است؛ جایی که سرگرمی فردی با بحران ملی گره می‌خورد. تماشاگر در سالن می‌خندد، اما در دلش می‌داند این خنده، خنده‌ای است بر تیش.

◆ **مسابقه حقوق با در تورم**

تاجگردون وعده داد حقوق کارکنان بیش از ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت؛ اما همه می‌دانند تورم مانند دوندۀای است که همیشه جلوتر می‌ود. صحنه کارمندی‌ها که با حقوق افزایش یافته، اما مجب خالی به خانه می‌روند، یکی از تلخ‌ترین پرده‌های این نمایش است؛ پرده‌ای که تماشاگر را به سکوتی سنگینی فرو می‌برد. اینجا دیگر خنده‌ای در کار نیست؛ فقط سکوت، سکوتی که سنگین‌تر از هر فریاد است.



چرایی رد لایحه بودجه

نشان می‌دهد مبالغ دفاعی و امنیتی فشار غیر متعارفی به بودجه عمومی وارد نمی‌کنند؛ اما در مقایسه با سایر کشورها، به ویژه مخالفان کشور سهم نیروهای نظامی و امنیتی بسیار پایین است. برای نمونه، رژیم صهیونیستی روزانه ۵۹۳ میلیون دلار در طول ۱۲ روز جنگ برای عملیات تهاجمی هزینه کرد که این هزینه‌ها به بیش از ۷ میلیارد رسید. در مقابل کل هزینه مرتبط با پرتاب موشک و پهپاد به سرزمین‌های اشغالی برای تهران ۹۲ میلیون دلار آب خورد که ۷۷ درصد بر اثر کمتر از هزینه‌های تهاجمی تل آویو بود. در همین راستا برخی از کارشناسان بر این باور هستند که بودجه دفاعی نیروهای مسلح عمدتاً با رویکرد تهدیدمحوری و واکنشی تأمین می‌شود، در حالی که همین جریان معتمدن بودجه دفاعی باید همواره امنیت‌محور و فرارکنش باشد. از این مورد که بگذریم، این سؤال مطرح است که چرا بودجه سپاه نسبت به سایر مجموعه نظامی بیشتر است؟ در جواب باید گفت بودجه سپاه در مقایسه با سایر نیروهای مسلح در چند عامل خارصه می‌شود. اول اینکه بودجه قرارگاه سازندگی که جزء درآمدهای اختصاصی است و نزدیک به ۶۰ همت می‌رسد، در دل بودجه سپاه لحاظ می‌شود. ثانیاً سپاه هم نیروی قدس، بسیج و معاتف به تورم فعلی رقم بازچیزی است. از آن میزان مذکور، ۶۰ همت هم بابت بازپرداخت بدهی‌های قبلی دولت است.

با این وضعیت عملاً بودجه‌ای برای توسعه باقی نمی‌ماند و دولت صرفاً در حال مدیریت هزینه‌های روزمره و بدهی‌هاست. به دلیل مفصل بودن بودجه تنها بخش‌های مرتبط تحلیل می‌شود.

◆ **سهم نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی**

کل بودجه در نظر گرفته شده برای نهادهای امنیتی و نظامی ۸۷۴ همت است که با توجه به نرخ تسعیر ۸۵ هزار تومان برای هر دلار، معادل ۱۰ میلیارد دلار است. با باقی ماندن نهادهای نظامی و حذف نهادهای امنیتی و حفاظتی در محاسبات، بودجه نظامی به ۶۷۲ همت می‌رسد که معادل ۷/۹ میلیارد دلار است. بودجه عمومی دولت معادل ۵ هزار و ۲۰۰ همت با معادل ۶۱ میلیارد دلار است. بر این اساس کل بودجه‌های مسلح و نظامی ۱۰ میلیارد دلاری ایران، معادل ۱۶ درصد بودجه کل کشور است. این میزان یک نسبت متوسط معمول در بودجه‌هاست و

داستان بودجه صفر پینج!

آرزو نوروزجم

صبح صادق

بودجه ۱۴۰۵ مثل یک فیلم سینمایی پرهیاهو است؛ همه پلیت گرفتند، چراغ‌ها خاموش کردند و پرده‌ها بالا رفت؛ عجبسب روبرو می‌شوند. دولت با حذف صفرها می‌خواست قصه را خوش‌رنگ کند. حالا مجلس مانده با یک لایحه مدالی بیش از آنکه نقشه را باشد، به فیلم‌نامه‌ای می‌ماند که هرکس نقش خودش را بازی می‌کند، بی آنکه کسی بداند پایان قصه به نفع چه کسی تمام خواهد شد.

◆ **رود پر سرو صدا**

دی ۲۰ ۱۴۰۴، پزشکیان با همان آرامش همیشگی لایحه بودجه ۱۴۰۵ را تقدیم مجلس کرد. قالیباف هم طبق آیین‌نامه اعلام وصول کرد، اما همه می‌دانستند این قطع شروع کل نمایش است. بودجه‌ای که با ریان جدید و حذف چهار صفر نوشته شده، از همان لحظه اول به سوزه رسانه‌ها و محافل سیاسی تبدیل شد. حذف صفرها قرار بود محاسبات را ساده کند، اما در عمل بیشتر شبیه تغییر فونت صورت حساب بود؛ عددها کوچک‌تر دیده می‌شوند، ولی فشار اقتصادی همان فشار است. این ورود پر سروصدا مثل افتتاحیه یک جشنواره بود که همه منتظر فیلمی متفاوت بودند، اما در همان دقائق اول فهمیدند با نسخه‌ای بازسازی‌شده از مشکلات قدیمی طرف هستند.

◆ **صفرها رفتند، اما گرانی ماند**

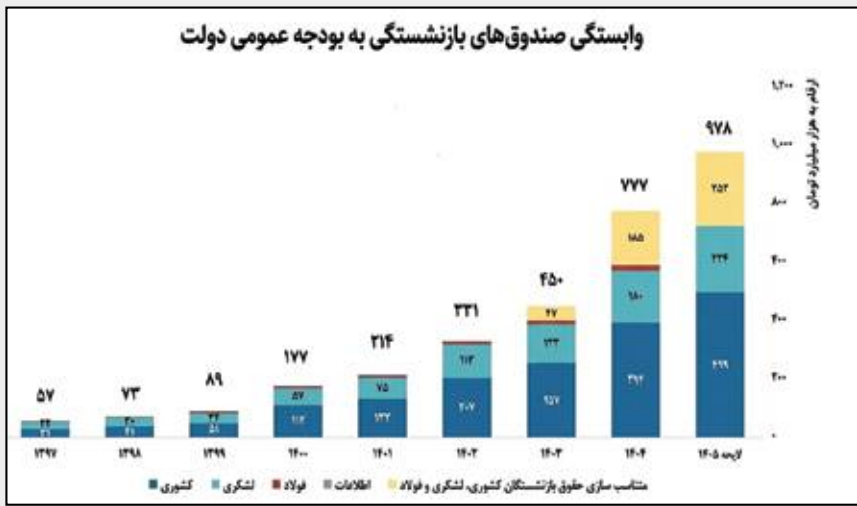
دولت می‌خواست با حذف چهار صفر و ساده‌سازی محاسبات، بودجه را شفاف‌تر کند؛ اما مردم گفتند: «خب صفرها رفتند، ولی قیمت می‌هنوز بالااست.» این حرکت بیشتر شبیه شمشله‌بازی حساسداری بود تا درمان مالی در مراتب‌تر کند. اما در زندگی روزمره مردم هیچ تغییری ایجاد نکرد. وقتی حقوق‌ها همان است و قیمت کالاها هر روز بالا می‌رود، حذف صفرها بیشتر به یک نمایش نمادین می‌ماند؛ مثل اینکه روی دیوار ترک‌خورده رنگ تازه بزنند، در حالی که ترک‌ها همچنان باقی‌اند.

◆ **همهان ویژه سفره بودجه**

در میان همه ردیف‌های بودجه ۱۴۰۵، آنچه بیش از همه چشم‌ها را خیره کرد، سهم دواوسپما بود؛ نهاده‌ی که حالا با بودجه‌ای معادل ۳۳۱۵ هزار میلیارد تومان به یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان منابع عمومی تبدیل شده است. این رقم نه تنها در مقایسه با چهار سال پیش از چهار

نشان می‌دهد مبالغ دفاعی و امنیتی فشار غیر متعارفی به بودجه عمومی وارد نمی‌کنند؛ اما در مقایسه با سایر کشورها، به ویژه مخالفان کشور سهم نیروهای نظامی و امنیتی بسیار پایین است. برای نمونه، رژیم صهیونیستی روزانه ۵۹۳ میلیون دلار در طول ۱۲ روز جنگ برای عملیات تهاجمی هزینه کرد که این هزینه‌ها به بیش از ۷ میلیارد رسید. در مقابل کل هزینه مرتبط با پرتاب موشک و پهپاد به سرزمین‌های اشغالی برای تهران ۹۲ میلیون دلار آب خورد که ۷۷ درصد بر اثر کمتر از هزینه‌های تهاجمی تل آویو بود. در همین راستا برخی از کارشناسان بر این باور هستند که بودجه دفاعی نیروهای مسلح عمدتاً با رویکرد تهدیدمحوری و واکنشی تأمین می‌شود، در حالی که همین جریان معتمدن بودجه دفاعی باید همواره امنیت‌محور و فرارکنش باشد. از این مورد که بگذریم، این سؤال مطرح است که چرا بودجه سپاه نسبت به سایر مجموعه نظامی بیشتر است؟ در جواب باید گفت بودجه سپاه در مقایسه با سایر نیروهای مسلح در چند عامل خارصه می‌شود. اول اینکه بودجه قرارگاه سازندگی که جزء درآمدهای اختصاصی است و نزدیک به ۶۰ همت می‌رسد، در دل بودجه سپاه لحاظ می‌شود. ثانیاً سپاه هم نیروی قدس، بسیج و معاتف

به تورم فعلی رقم بازچیزی است. از آن میزان مذکور، ۶۰ همت هم بابت بازپرداخت بدهی‌های قبلی دولت است. با این وضعیت عملاً بودجه‌ای برای توسعه باقی نمی‌ماند و دولت صرفاً در حال مدیریت هزینه‌های روزمره و بدهی‌هاست. به دلیل مفصل بودن بودجه تنها بخش‌های مرتبط تحلیل می‌شود.



مختاب سراج علوی پژوهشگران کنترلی و فواد - اطلاعات - فواد - کنترلی - کنترلی

برابر افزایش یافته، بلکه در مقایسه با بسیاری از بخش‌های حیاتی، مانند آموزش و فرهنگ، رشد غیر قابل‌قباسی دارد.

متفقدان می‌گویند این پول بیشتر صرف تبلیغات و برنامه‌های تکراری می‌شود تا ارتقای کیفیت محتوا یا نوآوری در تولید. هزینه‌اش از جیب همان مردمی پرداخت می‌شود که شاید حتی مخاطب اصلی این رسانه نباشند.

◆ **خودرو و تعرفه‌ها**

یکی از بخش‌های پزخیر لایحه، کاهش تعرفه واردات خودروهای هیبریدی و بنزینی کوچک بسود. دولت این تصمیم را گامی برای حمایت از مصرف‌کننده و حرکت به سمت خودروهای کم‌مصرف معرفی کرد؛ اما در واقعیت، بسیاری از کارشناسان می‌گویند این کاهش تعرفه بیشتر شبیه یک نفس کوتاه برای بازی آزادی است که سال‌ها زیر فشار قیمت‌های نجومی و انحصار تولیدکنندگان داخلی دل شده است. مردم امیدوارند این تغییر تبدیل‌شده از بار سنگین هزینه‌های حمل‌ونقل بگردد، اما تجربه‌های گذشته نشان داده است بار چنین تصمیمی گرفته شده، سود اصلی به جیب واردکنندگان و واسطه‌ها رفته و مصرف‌کننده همچنان

با قیمت‌های بالا دستوپنجه نرم کرده است. تصمیم را گامی برای حمایت از مصرف‌کننده و حرکت به سمت خودروهای کم‌مصرف معرفی کرد؛ اما در واقعیت، بسیاری از کارشناسان می‌گویند این کاهش تعرفه بیشتر شبیه یک نفس کوتاه برای بازی آزادی است که سال‌ها زیر فشار قیمت‌های نجومی و انحصار تولیدکنندگان داخلی دل شده است. مردم امیدوارند این تغییر تبدیل‌شده از بار سنگین هزینه‌های حمل‌ونقل بگردد، اما تجربه‌های گذشته نشان داده است بار چنین تصمیمی گرفته شده، سود اصلی به جیب واردکنندگان و واسطه‌ها رفته و مصرف‌کننده همچنان

با قیمت‌های بالا دستوپنجه نرم کرده است. تصمیم را گامی برای حمایت از مصرف‌کننده و حرکت به سمت خودروهای کم‌مصرف معرفی کرد؛ اما در واقعیت، بسیاری از کارشناسان می‌گویند این کاهش تعرفه بیشتر شبیه یک نفس کوتاه برای بازی آزادی است که سال‌ها زیر فشار قیمت‌های نجومی و انحصار تولیدکنندگان داخلی دل شده است. مردم امیدوارند این تغییر تبدیل‌شده از بار سنگین هزینه‌های حمل‌ونقل بگردد، اما تجربه‌های گذشته نشان داده است بار چنین تصمیمی گرفته شده، سود اصلی به جیب واردکنندگان و واسطه‌ها رفته و مصرف‌کننده همچنان

با قیمت‌های بالا دستوپنجه نرم کرده است. تصمیم را گامی برای حمایت از مصرف‌کننده و حرکت به سمت خودروهای کم‌مصرف معرفی کرد؛ اما در واقعیت، بسیاری از کارشناسان می‌گویند این کاهش تعرفه بیشتر شبیه یک نفس کوتاه برای بازی آزادی است که سال‌ها زیر فشار قیمت‌های نجومی و انحصار تولیدکنندگان داخلی دل شده است. مردم امیدوارند این تغییر تبدیل‌شده از بار سنگین هزینه‌های حمل‌ونقل بگردد، اما تجربه‌های گذشته نشان داده است بار چنین تصمیمی گرفته شده، سود اصلی به جیب واردکنندگان و واسطه‌ها رفته و مصرف‌کننده همچنان

یکی از تغییرات مهم در لایحه، افزایش سقف معافیت مالیاتی حقوق کارکنان و بازنشستگان به ۴۰ میلیون تومان در ماه بسود. دولت این تغییر را اقدامی برای کاهش فشار مالیاتی معرفی کرد، اما متفقدان می‌گویند در عمل فقط به نفع حقوق‌های بالا خواهد بود. برای کارمندانی که حقوق‌شان کمتر از این سقف است، این تغییر عملاً هیچ تأثیری ندارد. در نتیجه، این سیاست بیشتر شبیه هدیه‌ای لوکس است که فقط به دست کسانی می‌رسد که از قبل سرفروش‌ران بوده، در حالی که بیشتر حقوق‌گیران همچنان با همان مشکلات

به بودجه عمومی افزایش زیادی پیدا کرده است؛ این در حالی است که عملاً این صندوق‌ها باید درآمد خود را تأمین کنند؛ اما به دلایل گوناگون که جداگانه جای نقد و بررسی دارد، وابستگی این صندوق‌ها در حدود ۱۰ سال گذشته به بودجه عمومی کشور افزایش یافته است. با توجه به روند فعلی به نظر می‌رسد، دولت در سال‌های آینده باید حقوق بازنشستگان را پرداخت کند و عملاً صندوق‌های بازنشستگی دیگر منابعی برای پرداخت حقوق بازنشستگان نخواهند داشت. درین چهار صندوق مطرح بازنشستگی ۱۲۲۴ همت به صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح تعلق دارد.

بعد از ارسال بودجه سال ۱۴۰۵، بودجه صندوق‌های بازنشستگی به ۹۷۸ همت رسیده است. بر این اساس ۱۹ درصد از بودجه عمومی کشور صرف کمک‌به صندوق‌های بازنشستگی می‌شود؛ این در حالی است که این صندوق‌ها باید در بخش سپاه در مقایسه با سایر پروژه‌های مسلح در چند عامل خارصه می‌شود. اول اینکه بودجه قرارگاه سازندگی که جزء درآمدهای اختصاصی است و نزدیک به ۶۰ همت می‌رسد، در دل بودجه سپاه لحاظ می‌شود. ثانیاً سپاه هم نیروی قدس، بسیج و معاتف به تورم فعلی رقم بازچیزی است. از آن میزان مذکور، ۶۰ همت هم بابت بازپرداخت بدهی‌های قبلی دولت است.

نام نهاد	میزان بودجه به هزار میلیارد تومان (همت)	حوزه عملکرد
سراوات عالی امنیت ملی	۳	بررسی و طراحی راهبردها (کلان)
قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء	۴	بررسی و طراحی راهبردها (نظامی)
وزارت اطلاعات	۶۸	امنیتی
فرمانده هر کل انتظامی	۱۳۰	امنیتی
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	۳۰۲	ترکیبی نظامی، امنیتی و سازندگی
سپاه	۲۴۴	نظامی
ارتش	۸۷	نظامی
سناد فرماندهی کل نیروهای مسلح	۲۶	نظامی
کل بودجه امنیتی و نظامی به تومان: ۸۷۴ همت	کل بودجه نظامی به تومان: ۶۷۲ همت	
کل بودجه نظامی و امنیتی به دلار: ۱۰ میلیارد دلار	کل بودجه نظامی و امنیتی به دلار: ۲۸ میلیارد دلار	



رئیس سابق کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با صبح صادق

شفافیت دولت کافی نیست!



سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

«بودجه سالانه» یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای مدیریت اقتصادی کشور به شمار می‌آید که نه تنها سندی برای دخل و خرج دولت است، بلکه باید راهنمای سیاست‌گذاری اقتصادی و تعیین‌کننده جهت‌گیری کلان در یک سال مالی باشد. در کشورهای پیشرفته، بودجه به منزله ابزاری استراتژیک، هدف‌گذاری رشد، اشتغال، سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی را هدایت کرده و شاخص‌های کلان اقتصادی را در راستای تحقق برنامه‌های توسعه ملی تنظیم می‌کند؛ اما تجربه سال‌های گذشته در ایران نشان داده است، بودجه اغلب به دلیل محدودیت منابع، کسری‌های مزمن و فشار تورمی، از این نقش فراتر نمی‌رود و به یک سند تعادلبخشی عددی محدود می‌شود، بی‌آنکه بتواند خروجی‌های ملموس اقتصادی و رفاهی ایجاد کند.

بودجه سال ۱۴۰۵ در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در وضعیت پیچیده اقتصادی کشور، تورم، کسری بودجه، فشار بر تولیدکننده و وابستگی به درآمدهای نفتی، این سند مالی را به یک آزمون واقعی برای دولت و مجلس تبدیل کرده است. نحوه پیش‌بینی منابع و مصارف، میزان شفافیت در تولیدکنندگان و وابستگی بودجه به نفت، نقاط قوت و ضعف این لایحه را تبیین می‌کند و مسیر اصلاحات ضروری برای مجلس را پیشنهاد می‌دهد. بررسی دیدگاه‌های پورابراهیمی، علاوه بر شفاف‌سازی مسائل کلان بودجه، تصویر واقعی از چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی پیش روی دولت و مردم ارائه می‌کند و مبنایی معتبر برای تحلیل سیاست‌های مالی و اقتصادی کشور در سال آینده فراهم می‌آورد.

◆ **آیا بودجه ۱۴۰۵ از یک سند حسابداری به ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است؟**

انتظار از بودجه سالانه در همه کشورها این است که افزون بر تأمین منابع و مصارف دولت، نقش چارشنده و راهبر در تصمیمات کلان اقتصادی را یک پایه حساله آینده در قوانین بالادستی، از جمله؛ تدوین مقرات توسعه، در همین رویکرد تأکید شده است.

با این حال، در عمل و به دلیل مشکلات ناشی از کسری بودجه و تورم، بودجه کشور همچنان بیشتر به یک سند دخل‌وخرج تبدیل شده است تا یک سند راهبردی. تمرکز اصلی بودجه ۱۴۰۵ بر تعادلبخشی عددی منابع و مصارف است و نه بر تحقق اهدافی، مانند رشد اقتصادی پایدار.

پورابراهیمی تأکید می‌کند که با وجود تلاش‌های دولت و دولت‌های قبلی، محدودیت منابع و افزایش هزینه‌ها موجب شده است بودجه رویکردی اقتضایی داشته باشد. به جای تعیین جهت‌گیری و اولویت‌های اقتصادی، بیشتر به دنبال بالانس عددی منابع و مصارف است و این موضوع در عملکرد نرخ رشد اقتصادی سال‌های اخیر مشهود است.

◆ **ارزیابی شما از میزان واقعی کسری بودجه ۱۴۰۵ و شفافیت دولت در اعلام آن چیست؟**

آنچه به‌صورت رسمی به‌عنوان کسری بودجه اعلام می‌شود، تصویر کاملی از واقعیت ارائه نمی‌دهد. در لایحه بودجه، عددی حدود ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان تحت عناوین میهمی پیش‌بینی شده که جزئیات آن مشخص نیست. در کنار آن، بودجه عمومی کشور هم شفاف نیست. اگرچه دولت تلاش کرده با رویکردی اقتضایی، رشد هزینه‌ها را محدود کند؛ اما همین محدودیت‌ها خود را در بخش‌هایی مانند حقوق و معیشت بازنشستگان نشان داده که پاسخگو نباشد نیاز واقعی نیست. برآورد‌ها نشان می‌دهد، حتی با فرض صرفه‌جویی، بودجه ۱۴۰۵ حداقل با کسری‌ای در سطح سال گذشته مواجه خواهد بود و شفافیت کافی درباره ابعاد آن وجود ندارد.

◆ **منابع پیش‌بینی‌شده در بودجه ۱۴۰۵ از چه حد قابل تحقق هستند؟**

منابع بودجه به‌طور کلی از سه محل تأمین می‌شود: درآمدهای مالیاتی، گمرکی، درآمدهای نفتی و انتشار اوراق بدهی. اگر بودجه را بودجه را به‌صورت «اقتصادی» و نه حسابداری محاسبه کنیم، بخش عمده‌ای از همان عدد ۱۵۰۰ همتی، عملاً کسری بودجه است که از طریق استقراض تأمین می‌شود. حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان از انتشار اوراق در بازار سرمایه وجود دارد. ۶۰۰ هزار میلیارد تومان استقراض از صندوق توسعه

ملی است. در حوزه مالیات، اگرچه تحقق درآمدها در مقایسه با سال گذشته محتمل است، اما رشد حدود ۵۰۰ درصدی پیش‌بینی مالیات سنگین است و می‌تواند خود به کسری پنهان منجر شود؛ به‌ویژه با توجه به محدودیت‌های تولید و مشکلات زیرساختی بنگاه‌ها.

◆ **انتکای بودجه ۱۴۰۵ به درآمدهای نفتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به‌صورت شکنلی، دولت وابستگی بودجه به نفت را کاهش داده و صادرات حدود یک میلیون بشکه در روز با قیمت میانگین ۵۵ دلار پیش‌بینی شده است؛ اما از نظر محتوایی، این وابستگی به‌طور واقعی کاهش نیافته است.

ابهام در تأمین منابع کالاهای اساسی، حذف ارز ترجیحی و مشخص نبودن جایگزین آن، نشان می‌دهد بخشی از فشار مالی همچنان به نقت منتقل می‌شود. علاوه بر این، انحصار سرمایه‌گذاری در بالادست نفت و گاز و جلوگیری از ورود بخش خصوصی، موجب از دست رفتن منابع عظیم، به‌ویژه در میادین مشترک شده است؛ در حالی که این ظرفیت می‌توانست به منبعی پایدار برای بودجه تبدیل شود.

◆ **آیا ساختار مالیاتی بودجه ۱۴۰۵ به سمت عدالت مالیاتی حرکت کرده است؟**

در کلیت، ساختار مالیاتی بودجه ۱۴۰۵ تفاوت ماهوی با سال‌های گذشته ندارد، اما اقدامات دو سال اخیر، به‌ویژه حرکت به سمت سامانه‌محوری، گام مهمی در جهت عدالت مالیاتی بوده است.

حذف نقش ممیز و انتکای مالیات به داده‌های شفاف، هم فساد را کاهش می‌دهد و هم اعتراض مؤدیان را. اجرای قانون پایه‌های فروشگاه‌های و شفاف‌سازی اطلاعات مالی مسیر درستی است، اما هنوز کامل نشده است.

با این حال، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی همچنان پایین در حدود نصف حداقل استانداردهای منطقه‌ای است و این نشان می‌دهد ظرفیت مالیاتی کشور هنوز به‌قدرستی فعال نشده است.

◆ **بودجه ۱۴۰۵ چه تأثیری بر تورم و قدرت خرید مردم خواهد داشت؟**

منشأ اصلی تورم در اقتصاد ایران، بودجه و ناترازی‌های آن است. در بودجه ۱۴۰۵ ابزار مؤثری برای مهار پایدار تورم دیده نمی‌شود. فروش محدود دارایی‌ها یا مولدسازی‌های جزئی، تأثیر معناداری ندارد. در مقابل، انحصار در حوزه‌هایی مانند نفت، گاز و معادن موجب شده است دارایی‌های عظیم کشور بلااستفاده بماند.

نتیجه این وضعیت آن است که تورم کالاهای اساسی حتی از کالاهای غیرضروری پیشی گرفته و برای اولین بار، تورم روستایی از تورم شهری بالاتر رفته که یک هشدار جدی اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آید.

◆ **اگر مجلس بخواهد فقط سه اصلاح اساسی در بودجه ۱۴۰۵ اعمال کند، این اصلاحات چیست؟**

اول، تعیین تکلیف ارز ترجیحی؛ تجربه نشان داده واردات با ارز ترجیحی به هدف نرسیده و کالا ارزان به دست مردم نرسیده است. در صورت تداوم، باید به‌جای واردات، حمایت مستقیم به مصرف‌کننده‌های اختصاص‌یابد.

دوم، شفاف‌سازی رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت؛ سهم ۱۴ تا ۱۵ درصدی وزارت نفت بدون ارتباط با شرایط اقتصادی، تحریم یا قیمت جهانی، باید اصلاح و شفاف شود.

سوم، مولدسازی واقعی دارایی‌ها و شکستن انحصارات؛

پس از آزادسازی ظرفیت‌های نفت، گاز و معادن و ورود بخش خصوصی، می‌توان منابع پایداری ایجاد کرد و وابستگی به استقراض و فشار بر بانک مرکزی را کاهش داد.

تقویم انقلاب

طرح لبیک یا خمینی



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

در زمستان سال ۱۳۶۲ موضوعی فضای عمومی کشور را تحت تأثیر خود قرار داد با عنوان طرح «لبیک یا خمینی». از شهریور سال ۱۳۶۲ این طرح در دستور کار اجرایی قرار گرفت و در اواسط دی ماه همان سال فضای درخشانی در محله‌های شهرها به خصوص تهران ایجاد شد. در آن سال‌ها یکی از مسائلی که در زمینه بسیج عمومی برای جبهه‌ها وجود داشت، حفظ انسجام و ارتباط بین نیروهای آموزش دیده بسیجی بود.

هنگامی که مردم داوطلبانه به پایگاه‌های بسیج می‌پیوستند و دوره‌های آموزش نظامی را طی می‌کردند و به جبهه اعزام می‌شدند، پس از پایان مأموریت ارتباط چندانی با واحد بسیج نداشتند و فقط حضور در پایگاه‌های مقاومت ضامن ارتباط آنان با واحد بسیج بود. مثلاً اگر فردی بار دیگر داوطلب اعزام به جبهه می‌شد، بدون اینکه به تجربه و تخصص رزمنده در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل توجهی شود، بار دیگر مراحل آموزش گذشته را طی می‌کرد. برای رفع این مشکل واحد بسیج سپاه در سال ۱۳۶۲ ضمن فراخوان کلیه نیروهای بسیجی سراسر کشور، طرح «لبیک یا خمینی» را به مرحله اجرا گذاشت. بر اساس این طرح کلیه نیروهای داوطلب بسیجی طبق نوع تخصص و تجربه «کدبندی» می‌شدند تا هنگام اعزام به جبهه، ضمن ارائه آن «کد» در جایگاه مناسب خود به کارگیری شوند. این طرح صرفاً در خصوص اعزام نیروهای داوطلب بسیجی بود که در زمان به کارگیری نیروها و اعزام آنها به جبهه‌ها صرفه‌جویی شد و از تکرار آموزش‌های نظامی بهره‌زی می‌شد. از طرفی از نیروهای قدرتمند مردمی در یک سازماندهی فعال و آماده بهره‌گیری می‌شد.

در پی نام‌نویسی برای شرکت در «طرح لبیک» بسیاری از شخصیت‌های کشور، از جمله رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، نخست‌وزیر، هیئت وزیران و ۲۰۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آن نام‌نویسی کردند. امام‌خامنه‌ای-رئیس‌جمهور وقت- در همان ایام فرم این طرح را پر کردند و کارت عضویت هم گرفتند، به طوری که فرمانده سپاه پاسداران وقت تهران طی سخنانی در جمع مسئولان وقت سپاه اظهار داشت: «افتخار سپاه تهران این است که رئیس‌جمهور محترم (رهبر معظم انقلاب در حال حاضر) عضویت بسیج سپاه تهران را دارند و از کسانی هستند که آمده فرم طرح لبیک پر کرده و ثبت‌نام کرده‌اند.»

رهبر معظم انقلاب در آن ایام که مقام ریاست‌جمهوری نظام را عهده‌دار بودند، در دیدار جمعی از مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمودند: «با اجرای طرح لبیک یا خمینی می‌توان در بزرگ‌ترین عملیات نظامی پیروز شد، هنر مسئولان جمهوری اسلامی این است که بتوانند از مخزن تمام نشدنی نیروهای مردمی به طور صحیح استفاده کنند.» علاوه بر این، در پیامی هم رهنمود دادند: «امروز جبهه‌های نظامی به نور وجودتان روشن است و پشت جبهه از همت مردانه شما گرم است، اما فردا شما در همه جبهه‌های نبرد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی حضور خواهید یافت و هم اکنون خود را برای ایران اسلامی آینده که در آن محرومان و مستضعفان همه نیروهای خود را تنها هدف سازندگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خواهند کرد آماده کنید.» در واقع امروز که تهدید دشمن خارجی را داریم، از همه جهات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی نیازمند سازماندهی همین طرح لبیک هستیم

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

یکی دیگر از حوادث مهم سیاسی کشور که تأثیر بسزایی در روند تحولات پس از خود به جای گذاشت، حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸ بود؛ حوادثی که در تاریخ این سرزمین به «فتنه ۱۳۸۸» انجامید و کام ملت ایران را تلخ کرد!

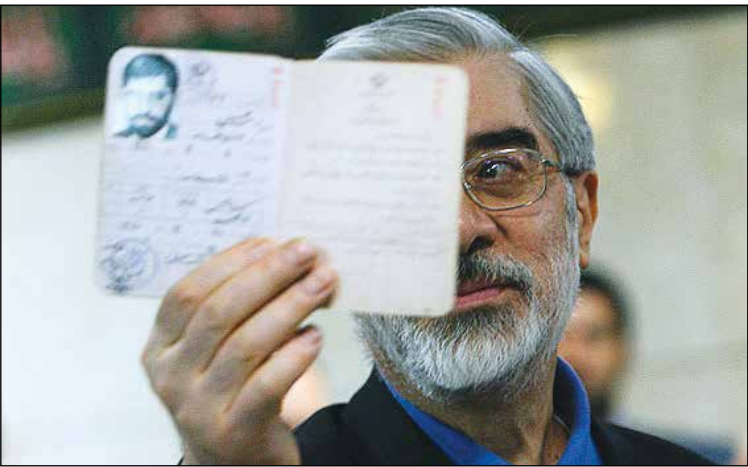
در این باره نگاهی به خاطرات اسحاق جهانگیری تأمل برانگیز است؛ چرا که این نگاه متعلق به فردی از اردوگاه حامیان «میرحسین موسوی» و جریان اصلاح طلبی است. وی در کتاب خاطراتش با عنوان «در اندیشه ایران» این حوادث را شرح داده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«موضوع دیگری که در فهم رفتارهای دولت‌های نهم و دهم تحت مدیریت آقای احمدی نژاد باید به آن توجه کرد، انتخابات سال ۱۳۸۸ است. معمولاً رؤسای جمهور مستقر شانس زیادی برای انتخاب شدن در دور دوم دارند و رقبای سیاسی هم عمده تلاش و تمرکزشان را برای رقابت در پایان هشت سال صرف می‌کنند. با وجود این مجموعه شرایط در چهار سال نخست احمدی‌نژاد به گونه‌ای پیش رفت که برخی دوستان از جمله آقای مهندس موسوی تصمیم گرفتند که برای انتخابات ۱۳۸۸ کاندیدا شوند. مهندس موسوی با توجه به تجربه‌ای که در اداره دولت در دوره جنگ‌تحمیلی داشت و خوشنامی و محبوبیت توأمان میان نخبگان سیاسی و عموم مردم، در همه سال‌های پیش از ۱۳۸۸ محل رجوع و توافق اصلاح‌طلبان برای کاندیداتوری بود و همواره این پیشنهاد را نمی‌پذیرفت. هم در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ و هم سال ۱۳۸۴ با وجود اصرار زیاد ایشان از حضور در انتخابات پرهیز داشت؛ اما در سال ۱۳۸۸ تصمیم گرفت که در انتخابات شرکت کند.

حضور مهندس موسوی در انتخابات با حمایت یکپارچه اصلاح‌طلبان رو به رو شد. آقای خاتمی هم که به اصرار احزاب و جریان‌های سیاسی و مدنی اصلاح طلب پیش از اعلام مهندس موسوی کاندیدا شده بود، پس از حضور ایشان با وجود مخالفت برخی از اصلاح‌طلبان از انتخابات کناره گرفت.

ورود موسوی به انتخابات

برشی از خاطرات اسحاق جهانگیری درباره حوادث سال ۱۳۸۸



تأکید مهندس موسوی از ابتدای حضور این بود که با آقای خاتمی رقیب نیستیم، اما این موضوع میان اصلاح‌طلبان خوانش دیگری داشت و نسبت به حضور ناگهانی و بدون هماهنگی ایشان در انتخابات مخصوصاً بعد از کاندیداتوری آقای خاتمی انتقادهایی مطرح بود. پس از کناره‌گیری آقای خاتمی، آقای موسوی تصمیم به تشکیل ستاد گرفت. اصلاح‌طلبان در این سال‌ها تجربه کار انتخاباتی و ستادی داشتند، اما آقای موسوی ستادش را با ترکیب متفاوتی درست کرد و موضع ستاد این بود کسانی که اسم و رسم اصلاح‌طلبانه دارند، به خصوص بخشی از نیروهای «جبهه مشارکت» در فعالیت‌های ستاد ایشان حضور رسمی نداشته باشند و اصلاح‌طلبان با توجه به این موضوع ستاد مستقلی راهاندازی کردند و در آنجا فعال شدند.

در این مقطع شورای عالی ستاد مهندس

آقای خاتمی هم که به اصرار احزاب و جریان‌های سیاسی و مدنی اصلاح طلب پیش از اعلام مهندس موسوی کاندیدا شده بود، پس از حضور ایشان با وجود مخالفت برخی از اصلاح‌طلبان از انتخابات کناره گرفت

تأکید مهندس موسوی از ابتدای حضور این بود که با آقای خاتمی رقیب نیستیم، اما این موضوع میان اصلاح‌طلبان خوانش دیگری داشت و نسبت به حضور ناگهانی و بدون هماهنگی ایشان در انتخابات مخصوصاً بعد از کاندیداتوری آقای خاتمی انتقادهایی مطرح بود

موضع ستاد این بود کسانی که اسم و رسم اصلاح‌طلبانه دارند، به خصوص بخشی از نیروهای «جبهه مشارکت» در فعالیت‌های ستاد ایشان حضور رسمی نداشته باشند

دهلیز

سعایت ییهوده

نگاهی به ضدیت دیکتاتور پهلوی با روحانیت

روز نهم ژانویه اغتشاشات شدیدی در شهر مقدس مذهبی قم پایگاه روحانی آیت‌الله خمینی روی داد. کنترل اوضاع از دست پلیس خارج شد و برای نخستین بار پس از سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) نیروهای مسلح ارتش برای سرکوبی اغتشاش به میدان آمدند. نظامیان طبق نقشه و دستور قبلی یا برای ایجاد وحشت و متفرق کردن جمعیت به سوی مردم آتش گشودند. تعدادی کشته شدند، که منابع دولتی شماره آنها را کمتر از ده نفر و مخالفان قریب یکصد نفر اعلام کردند. این واقعه همه را تکان داد و بین دولت و مقامات روحانی کشور بحران شدیدی به وجود آورد. بعضی از مساجد تهران بسته شد و رهبران مذهبی مردم را به برگزاری مراسم سنتی یادبود و سوگواری در چهلمین روز شهادت قربانیان واقعه فراخواندند. «



داستان اشغال سرزمین سرخ‌پوستان به دست اشغالگران اسپانیایی، داستان تلخی بود که تاریخ تا آن زمان کمتر نمونه مشابه آن را ثبت کرده بود. غارتگرانی که به هیچ چیز رحم نمی‌کردند و با هدف تاراج یک سرزمین به آنجا یورش برده بودند. فاتحان ططاق و دژنده‌خوی اسپانیایی، در سرزمین مکزیک و پرو، رفتاری وحشیانه پیش گرفتند. آنها با حرص و آژ بسیار در جست‌وجوی طلا بودند. رفتار فاتحان ستمگر، هم در موقع جنگ و هم پس از فتح، وحشیانه و زشت بود. آنان بومیان آمریکا را مجبور کردند بدون اجرت و مزد برای‌شان کار کنند. کارهای صعب و دشوار و

استخراج معادن به گردن بومیان انداخته شد و سختی‌ها و رنج‌های این کار، هزاران هزار نفر را از پای درآورد. وقتی در سال ۱۴۹۲، «کریستف کلمب» به جزیره سن دومینک پا گذاشت، در آنجا بیشتر از یک میلیون نفر ساکن بودند؛ اما از این جمع، پس از هفده سال (۱۵۰۹م) فقط سیزده هزار بومی مانده و بقیه به دست فاتحان اسپانیایی کشته شده بودند.

موسوی گسترش بیشتری یافته و چهره‌های دیگری از جمله آقای محترشمی‌پور هم به ترکیب ستاد اضافه شده بودند و در موضوعات مختلفی به ایشان مشورت می‌دادند. به نظرم آقای مهندس موسوی در ابتدا می‌خواست پیام مثبتی به حاکمیت بدهد و بگوید با چهره‌هایی که نسبت به آنها زاویه‌ای وجود دارد، فاصله دارد و یک آرام‌سازی در این زمینه صورت گیرد. ایشان برای هدف بزرگ‌تری آمده بود که جلوگیری از تداوم انحرافی بود که در مسیر اداره کشور و نظام مشاهده می‌شد. این هدف تا اندازه‌ای برای ایشان مهم بود که بعد از بیست سال سکوت و کناره‌گیری از میدان سیاست این بار احساس وظیفه کرده و بسر خلاف مراجعه‌ها و درخواست‌های پیشین، در انتخابات حضور یافته بود.

مروور مجموع مواضع مهندس موسوی در جریان مناظره‌های انتخاباتی به خوبی بازتابی از این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را نشان می‌دهد. مقبولیت سیاسی ایشان باعث شد که همه جریان‌های حاضر در انتخابات که نسبت به عملکرد چهار سال اول احمدی‌نژاد انتقاد داشتند و نگران وضع کشور بودند، از ایشان حمایت کنند. تحلیل من این است که در چند موضوع اساسی مثل رابطه با آمریکا، جهت‌گیری در اداره اقتصاد کشور و همچنین موضوع مهم هسته‌ای که رهبری با آقای خاتمی اختلاف نگرش داشت با مهندس موسوی نظرات‌شان همگرا تر بود.

حضور مهندس موسوی امیدهای زیادی را برای اصلاح‌طلبان و بدنه اجتماعی‌شان ایجاد کرد؛ اما بعد از اعلام نتایج انتخابات اوضاع به گونه‌ای دیگر پیش رفت و با اعتراض مهندس موسوی و حامیان ایشان به نتیجه انتخابات کشور وارد مرحله جدیدی شد.

من در این دوره با آقای کرویی هم در ارتباط بودم. البته ایشان از من انتظار حضور و حمایت بیشتری داشت و از این بابت از من گله‌مند بود و به خاطر سابقه دوستی و همکاری‌ام با آقای کرویی حق با او بود. من از زمان مجلس و بنیاد شهید با ایشان ارتباط نزدیکی داشتم. زمانی که آقای هاشمی در سال ۱۳۸۴ کاندیدا بود، برای آقای کرویی همکاری من با هاشمی توجیهی داشت، هر چند خانواده ایشان گاهی تلخ برخورد می‌کردند، اما در انتخابات ۱۳۸۸ همکاری من با مهندس موسوی برایش قابل قبول نبود، هر چند رابطه من با ایشان حفظ شد، اما این گلایه باقی ماند.»

حافظه

دزدان طلا

نگاهی به حضور استعمارگران در سرزمین سرخ‌پوستان

در مدت نیم قرن اول سده شانزدهم میلادی، ساکنان شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) موفق شدند موقعیت خود را در آمریکای لاتین مستحکم کنند. این اشغال توأم با کشتار بی‌رحمانه و غارت بیش از اندازه بود؛ به طوری که حرص به طلا از مردم اسپانیا، جانوران درنده‌خویی ساخته بود که جز طلا به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند.

تصرف قاره آمریکا به دست مهاجمان اروپایی، با کوشش آنها برای به دست آوردن هر چه بیشتر منابع طلا و سایر مواد و عناصر با ارزش همراه بوده با شروع اسارت بومیان و تجارت بردگی، آثار چشمگیری بر جامعه و مردم این سرزمین برجای ماند.

اسپانیایی‌ها به مدت سه قرن جلوی حرکت تاریخ را در آمریکای لاتین گرفتند و تاریخ منطقه به مدت سه قرن بی‌حرکت و ایستا باقی ماند؛ به طوری که تمدن‌های این منطقه به کلی نابود شده و مردم منطقه قتل‌عام شدند. در عمل آنها صحنه را به اجبار ترک کردند و به ندرت در کنار جنگل‌ها و زرافه‌ها یا جاهای دیگر به زندگی بومی و انفرادی خود ادامه دادند.



معنای متفاوت یک پیروزی!

آیا ظهور چهره‌هایی، مانند زُهران ممدانی می‌تواند سیاست آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی را بازتعریف کند؟

حامد شاه‌ملکی

دکترای جامعه‌شناسیسیاسی

تحلیل ابعاد جامعه‌شناختی سیاسی واجتماعی پیروزی زهران ممدانی، سیاست‌مدار مسلمان، مهاجر و منتقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی در آمریکا، همچنان برای بسیاری از ناظران فراتر از یک پیروزی محلی در نیویورک است. نیویورک نه فقط پایتخت مالی جهان، بلکه یکی از مهم‌ترین میدان‌های شکل‌گیری گفتمان سیاسی در آمریکاست. به همین دلیل، هر نوع تغییر در فضای سیاسی این شهر بازتابی از تحولات اجتماعی گسترده‌تر است که بعدها مسیر واشنگتن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینکه سیاست‌مداری با مواضع علنی در حمایت از فلسطینی‌ها بتواند در چنین شهری پیروز شود، پرسشی کلیدی را مطرح می‌کند: آیا این تغییرات اجتماعی و نسلی می‌توانند در نهایت روابط رشه‌دار آمریکا و رژیم صهیونیست را دگرگون کنند؟ پاسخ ساده نیست؛ اما روندهای در حال شکل‌گیری نشان می‌دهند که شکافی تدریجی، اما پایدار، در حال گسترش است.

♦ **ساختاری که به آسانی تغییر نمی‌کند!**

روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی در طول هفت دهه به‌تدریج به بخشی از زیر ساخت امنیت ملی واشنگتن تبدیل شده است. همکاری اطلاعاتی، پروژه‌های مشترک نظامی، نقش رژیم صهیونیستی در معادلات خاورمیانه و نفوذ شبکه‌های لابی‌گری از مهم‌ترین عوامل استحکام این رابطه به شمار می‌آیند. برای بخشش بزرگی از نهادهای امنیتی و نظامی آمریکا، رژیم صهیونیستی نه یک متحد عادی، بلکه «پایگاه پیشرفته» واشنگتن در منطقه به شمار می‌آید؛ پایگاهی که بدون حضور نیروهای گسترده آمریکایی، امکان مداخله و رصد امنیتی را فراهم می‌کند. این پیوند ساختاری سبب شده است حتی دولت‌هایی که با سیاست‌های داخلی رژیم صهیونیستی اختلاف دارند، در سطح عملی، همکاری امنیتی را ادامه دهند.

در چنین ساختاری، هر گونه تحول بنیادین دشوار و زمان‌بر است؛ اما هم‌زمان، جامعه آمریکا نیز در دهه اخیر تغییراتی را تجربه می‌کند که خارج از این ساختار عمل می‌کنند و می‌توانند مسیر آینده را آهسته تغییر دهند.

♦ **شکاف در نگاه به سیاست خارجی**

یکی از مهم‌ترین این تغییرات شکاف نسلی است. نسل‌های جوان‌تر به‌ویژه نسل Z و هزاره‌ها، سیاست خارجی را از زاویه «حقوق بشر» و «قدرت/بی‌قدرتی» می‌بینند، نه از چشم‌انداز راهبردی-امنیتی. آنها در دوران اوج جنبش‌هایی، مانند Black Lives Matter، MeToo، جنبش‌های ضداسلام‌هراسی و دفاع از مهاجران رشد کرده‌اند؛ جنبش‌هایی که ساختار ذهنی آنها را محصول یک تربیت عدالت‌محور کرده است.

بر اساس نظرسنجی‌های گالوپ و پيو، بیش از نصف جوانان آمریکایی برخورد رژیم صهیونیستی با فلسطینیان را «غیرقابل توجیه» می‌دانند و برای نخستین‌بار در چند دهه گذشته، جوانان دموکرات بیشتر با فلسطینی‌ها همدلی می‌کنند تا با رژیم صهیونیستی. این تغییر آرام، اما عمیق نشان می‌دهد، شکافی ارزشی در حال شکل‌گیری است که در بلندمدت می‌تواند سیاست را تحت تأثیر قرار دهد.

♦ **دانشگاه‌ها: نقطه جوش تحول نسلی**

جنبش‌های دانشگاهی سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، نقطه اوج این تغییرات بودند. در دهه‌ا دانشگاه از هاروارد و کلمبیا تا لس‌آنجلس و برکلی، دانشجویان کمپ‌های اعتراضی برپا کردند و خواستار آتش‌بس، شفافیت دانشگاه‌ها درباره سرمایه‌گذاری‌ها و پایان حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از رژیم صهیونیستی شدند.

ورود پلیس ضدشورش، بازداشت صدها دانشجو و احضار رؤسای چند دانشگاه به کنگره نشان داد که این موج اعتراضی صرفاً یک حرکت دانشجویی نیست، بلکه بازتاب تغییری ساختاری در نگاه نسل جدید به عدالت جهانی است. برای نخستین‌بار از دهه ۶۰ میلادی، موضوع فلسطین در مرکز گفتمان دانشگاهی آمریکا قرار گرفت و به عنصر مهمی در سیاسی شدن نسل جدید تبدیل شد.

♦ **فروپاشی انحصار رسانه‌ای**

تا چند سال پیش، روایت غالب درباره فلسطین را رسانه‌های اصلی آمریکا شکل می‌دادند؛ رسانه‌هایی که معمولاً به چارچوب‌های امنیتی و دیدگاه‌های رسمی دولت نزدیک بودند. اما بسا قدرت‌گیری رسانه‌های مستقل، الجزیره، شبکه‌های اجتماعی و خبرنگاران محلی در غزه، این انحصار فرو ریخته است.

گزارش‌های زنده از دل بمباران‌ها- از خبرنگارانی

مانند هشام زقوت، یاسر مرتجی و ده‌ها خبرنگار دیگری که در جریان جنگ شهید شدند- برای نخستین بار «چهره انسانی فلسطین» را به میلیون‌ها آمریکایی نشان داد. نسل جوان آمریکا تصاویر جنگ را از طریق تیک‌تاک، اینستاگرام و یوتیوب دید، نه از طریق فیلتر تلویزیون‌های رسمی. همین تحول رسانه‌ای موجب شد تظاهرات گسترده‌ای در شهرهایی، مانند نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس شکل بگیرد؛ تظاهراتی که بدون شکستن انحصار رسانه‌ای عملاً ناممکن بود.

♦ **تغییر چهره شهرهای بزرگ**

تحولات جمعیتی افزایش مهاجران آمریکای لاتین، جنوب آسیا، خاورمیانه و رشد جمعیت جوان شهری، ترکیب رأی‌دهندگان در شهرهای بزرگ آمریکا را تغییر داده است. این شهرها اکنون پایگاه اصلی رأی نیروهای م‌رتقی‌اند؛ نیروهایی که موضوع فلسطین را بخشی از یک بسته عدالت‌خواهی می‌دانند. همین تغییرات، زمینه ظهور چهره‌هایی مانند ممدانی، اوکاسیو-کورتز، رشیده طلیب و ایلهان عمر را فراهم کرد؛ چهره‌هایی که محصول ماشین حزبی سنتی نیستند، بلکه فرزندان تحولات اجتماعی جدیدند.

♦ **شکاف فزاینده**

درون حزب دموکرات نیز شکافی آشکار شکل گرفته است. جناح میانه‌رو به رهبری چهره‌هایی، چون جو بایدن، چاک شومر و هاکیم جفریز همچنان از سیاست‌های سنتی حمایت از اسرائیل دفاع می‌کند؛ اما جناح م‌رتقی-شامل اوکاسیو-کورتز، طلیب، عمر، جمال بومن و نسل جدید سیاست‌مداران شهری- رویکردی کاملاً متفاوت دارد و بر حقوق بشر، عدالت نژادی و نقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی استوار است. ممدانی یکی از نمادهای این شکاف است. او نه‌تنها پایگاه اجتماعی این جریان را نمایندگی می‌کند، بلکه به‌طور فعال هزینه سیاسی حمایت بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد.

آیا ممدانی‌ها می‌توانند سیاست آمریکا را تغییر دهند؟

برای پاسخ، باید میان ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها تمایز گذاشت.

از یک‌سو، ظرفیت‌ها قابل توجهند:

-نسل جوان بزرگ‌ترین بلوک رأی‌دهندگان دموکرات شده است؛

-انحصار رسانه‌ای شکسته شده و روایت‌های جدید

قدرت یافته‌اند؛

♦ **آفاق**

ضوابط تفکر انقلابی-۲۴

مصلحت موهوم!



نمونه، گاه چنین ادعا می‌شود که برای دستیابی به توسعه و رفاه، باید در برابر دشمن کوتاه آمد، به پیمان‌ها و معاهداتی تن داد که یک‌سویه‌اند، یا حتی تا مرز خلع سلاح پیش رفت. ممکن است کسی تصور کند خلع سلاح موشکی ایران، بهای لازم برای امنیت و رفاه است و از این رو، آن را به منزله مصلحت معرفی کند؛ اما تجربه‌های روشن تاریخی، از جمله تجربه لیبی و نیز بدعهدی‌های مکرر قدرت‌های سلطه‌گر در قبال تعهدات خود، نشان داده است که چنین «مصلحت‌سنجی»‌هایی نه‌تنها با تفکر انقلابی در تعارض هستند، بلکه در نهایت به زیان منافع واقعی کشور نیز تمام می‌شوند. در همین راستا می‌توان به ماجرای نامه سال ۲۰۰۳ برخی مسئولان وقت جمهوری اسلامی ایران به آمریکایی‌ها اشاره کرد؛ اقدامی که با هدف کاهش فشارها و حل مشکلات کشور انجام شد و از سوی طراحانش به منزله یک مصلحت معرفی شد. بسا این حال، این اقدام نه‌تنها به نتیجه‌ای نرسید، بلکه از منظر شاخص‌های تفکر انقلابی نیز نوعی عقب‌نشینی از آرمان‌ها و اهداف بنیادین نظام تلقی شد. چنین تجربه‌هایی به‌روشنی نشان می‌دهد که هر آنچه به نام مصلحت عرضه می‌شود، الزاماً مصلحت نیست. از مجموع این مثال‌ها می‌توان به یک نتیجه روشن رسید: بسیاری از تعارض‌هایی که میان مصلحت و تفکر انقلابی تصویر می‌شوند، تعارض واقعی نیستند؛ بلکه ناشی از خلط میان مصلحت‌واقعی و مصلحت توهمی‌اند. مصلحت توهمی معمولاً بر پایه ترس، امید بستن به دشمن، یا تحلیل‌های سطحی شکل می‌گیرد و در بلندمدت، خود به منبع خسارت تبدیل می‌شود.

۱۱ خرد

شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

صداقت

♦ **سیاست نامه**

سیدمحمدباقر صدر-۶۸

روش‌شناسی تفکر

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هویت نزد شهید به پاسخ به مسئله پیشرفت و بخشی دیگر به پاسخ به مسئله هویت برمی‌گردد. بخشی از آن انتقادی است و بخشی دیگر دفاعی. در این شماره برخی از ویژگی‌ها را تبیین می‌کنیم.

ا-روشنندی، پیکربندی دوباره روش‌شناسی تفکر؛ شهید صدر معتقد بود طرز تفکر مادر بر خورد با مسائل، دچار مشکل است و ما باید این مشکل را بر طرف کنیم. شهید صدر معتقد بود منطق ارسطویی یا فلسفه عقلی صرف، قادر به حفظ هویت ما و پر کردن خلأهای موجود در واقعیت ما نیست. البته اود-بر خلاف تصور برخی از مل-مخالف منطق ارسطویی نبود، بلکه معتقد بود امکان بهره‌مندی از چند روش منطقی در مطالعات اسلامی ما وجود دارد؛ چون با تنوع روشی در مطالعات اسلامی، حتماً اطلاعات و اکتشافات افزون‌تری به‌دست خواهیم آورد. از اینجا شهید صدر به جست‌وجوی منطق استقراء و حساب احتمال روی آورد.

شهید صدر منطق احتمال و منطق استقراء را در علم کلام در کتاب «خلاصه اصول دین» و نیز در استدلال بر وجود خداوند متعال به‌کار برده است. همچنین آن را در اصول فقه، در اجماع و شهرت به‌کار برد، چنانکه آن را در علم رجال و حدیث به‌کار برد؛ هنگام بررسی شخصیت برخی از روایان که گفته شده جز از افراد مورد اطمینان نقل نمی‌کنند. تجربه شهید صدر ثابت کرد که ما می‌توانیم با این تنوع روشی، به دین خدمت کنیم و بسیاری از خلأها را پر کنیم.^(۱)

شهید صدر می‌خواست به این پرسش پاسخ دهد که ما در حل مشکلات فکری که دچار آن هستیم، چه روشی را باید به کار ببریم؟ آیا ضرورتی دارد که خود را در چارچوب منطقی خاصی محصور کنیم یا می‌توانیم در را به روی مکاتب منطقی جدیدی باز کرده و اندیشه دینی خود را غنی کنیم؟

شهید صدر به همان عقیده محمد اقبال، یعنی ضرورت پذیرفتن روش‌های استدلال استقرایی معتقد بود. اتفاقاً محمد اقبال در کتاب «تجدید اندیشه دینی» پیشتر به موضوع منطق احتمالی استقرایی اشاره کرده بود، البته با کمی تفاوت و آن، اینکه اقبال، منطق ارسطویی را مسئول عقب‌ماندگی ما می‌دانست و این مطلبی است که نزد شهید صدر نمی‌یابیم.

۲-کل‌نگری و بالندگی نظری؛ می‌بینیم که شهید صدر در مطالعات خود، آنچه را فقه فردی اقباضی نامیده بود، نقد می‌کرد.

شهید صدر دریافت که امت اسلامی در زمان او، تنها به حل مسائل جزئی نیاز ندارد، بلکه به نظریه‌پردازی نیز نیاز دارد؛ یعنی باید ذهن ما از یک ذهن جز-نگر که به مسائل فکری جزئی توجه می‌کند، به یک ذهن رشدیافته که با بالا اشراف دارد تبدیل شود. در واقع، سید شهید می‌خواست ما و اندیشه اسلامی را از بن‌بست جزئی‌نگری خارج کند؛ از ناتوانی بر ایجاد راه‌حل‌های اساسی و از ناتوانی در طرح نظریه‌های بزرگی که قادر به سر پا کردن جامعه و حرکت دادن آن باشد. نیاز داریم عقل انسان مسلمان از مرحله تفکر جز-نگر فردی کوچک‌که به قول استاد شهید، به‌عنوان اولین مرحله، چاره‌ای از آن نیست-به مرحله عقل رشدیافته که از بالا بر همه جزئیات کوچک اشراف دارد منتقل شود، این همان چیزی است که شهید صدر را بر آن داشت تا به فقه اجتماعی و فقه نظریه بیندیشد.

♦منابع در دفتر نشریه موجود است.

نکته گرام

محمد مخبر، مشاور رهبر معظم انقلاب:

مردم اعتراضات واقعی برای مشکلات صنفی و معیشتی را با دیگر اقدامات تفکیک کرده و همواره در بزنگاه ها رفتار آگاهانه دارند. ترامپ حرف جدیدی نزد؛ آنها از ۱۳۳۲ بدنبال ناآرامی در ایران هستند. آمریکای جنایتکار با تحریم های ظالمانه خود، همین امروز در حال اعمال بیشترین دشمنی علیه ملت ماست.

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای

نگهبان: آن قمارباز که نهایت هنرش جنایت و ترور است، گویا اتحاد مقدس ملت ایران در دفاع ۱۲ روزه را فراموش کرده. دویساره می خواهید این ملت را بیازمایید؟ باز سلیلی می خورید!

کامالا هریس معاون سابق رئیس جمهور

آمریکا: ما این فیلم را اقبالاً دیده ایم. جنگ ها برای تغییر رژیم یا نفت، که با قدرت نمایی آغاز می شوند، اما به هرج و مرج تبدیل می شوند و خانواده های آمریکایی بهای آن را می پردازند. اقدامات دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در قبال ونزوئلا، آمریکا را امن تر یا قدرتمندتر نمی کند. این اقدام «غیرقانونی» و «غیرعقلانه» بود. مردم آمریکا این را نمی خواهند و از دروغ ها خسته شده اند.

فان یانر نماینده دموکرات از ویرجینیا: دولت به کنگره دروغ گفت و جنگی غیرقانونی برای تغییر رژیم و نفت آغاز کرد.

ایوان خیل پنتسو، وزیر خارجه ونزوئلا:

ایران خواستار آن است که منطقه بار دیگر به منطقه ای عاری از تنش تبدیل شده و صلح در آن برقرار شود، حملات و تهدیدها متوقف گردد و نیکولاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا و سیلیا فلورس، همسر او آزاد شده و به وطن خود بازگردند.

دفتر ریاست جمهوری کویت، در واکنش

به اظهارات دونالد ترامپ: نه آقایان امپریالیست، اینجا حیاط خلوت شما یا سرزمین مورد مناقشه نیست. ما دکتربین مونرو، پادشاهان و امپراتوران منسوخ شده را نمی پذیریم و به رسمیت نمی شناسیم. سرزمین بولیوار مقدس است و حمله به فرزندان آن، حمله به همه فرزندان آمریکای ماست.

ژان نولل یسارو، وزیر امور خارجه فرانسه:

عملیات آمریکا در خاک ونزوئلا با اصل استفاده نکردن از زور که زیربنای حقوق بین الملل است، مغایرت دارد.

سناور برایان شاتز عضو کمیته روابط خارجی

سنای آمریکا: ایالات متحده هیچ منفعت حیاتی ملی در ونزوئلا ندارد که جنگ را توجیه کند. باید تا حالا یاد گرفته باشیم که دوباره وارد یک ماجراجویی احمقانه نشویم و ترامپ حتی زحمت نمی دهد به مردم آمریکا بگوید دقیقاً چه خبر است.

مارجوری نیلسون گرین، عضو کنگره آمریکا:

اظهارات ترامپ مبنی بر آمادگی ایالات متحده برای کمک به معترضان ایرانی در تضاد با آنچه رأی دهندگانش به آن رأی دادند، است.

خوزه مانوئل آلیارس وزیر خارجه اسپانیا:

وضعیت انسانی در غزه فاجعه بار است. موانع پیش روی سازمان های مردم نهاد غیر قابل قبول است و اوضاع را بدتر می کند. آسروا و آژانس های وابسته به سازمان ملل باید بتوانند آزادانه در غزه و کرانه باختری فعالیت کنند. مادر بازسازی شرکت خواهیم کرد تا مردم این باریکه آینده ای در سرزمین خود داشته باشند.

توماس منی نماینده جمهوری خواه مجلس

نماینده گان آمریکا: تهدید دونالد ترامپ درباره مداخله در ایران، درباره آزادی بیان در ایران نیست؛ بلکه درباره دلار، نفت و اسرائیل است.

چگونه فناوری، قدرت سیاسی را شکل می دهد؟

دیپلماسی اطلاعات!



قدرت نوین مبتنی بر فناوری و داده تبدیل کرده است. اقتداری که نه با تهدید، بلکه با خودکفایی، نوآوری و مدیریت هوشمند داده ها شکل گرفته و در عرصه جهانی قابل مشاهده است. در واقع، دیپلماسی داده به ایران امکان می دهد بدون وابستگی و نمایش صرف قدرت سخت، در معادلات سیاسی منطقه ای و جهانی حضور مؤثر داشته باشد.

در نهایت، تجربه نشان می دهد کشورهای موفق آنهایی هستند که توانایی ادغام فناوری، داده و سیاست را دارند. ایران با تمرکز روی پروژه های بومی، زیرساخت های دیجیتال و فناوری های نوین، مسیر تبدیل شدن به یک بازیگر مستقل و قدرتمند در سیاست بین الملل را طی می کند. این اقتدار فناورانه، نماد یک نگاه آینده نگر است که در آن قدرت واقعی، نتیجه نوآوری و مدیریت هوشمندانه اطلاعات است.

ارتباطی کشور را در موقعیت ویژه ای قرار داده اند. از سامانه های هوشمند مدیریت بحران گرفته تا ابزارهای تحلیل داده های جمعیتی و اقتصادی، کشور توانسته با کمترین منابع، بیشترین تأثیر را در برنامه ریزی و تصمیم گیری های ملی و منطقه ای داشته باشد. این فناوری ها نشان می دهند، اقتدار سیاسی امروز به شدت با نوآوری فناورانه پیوند خورده است.

یکی دیگر از دستاوردهای قابل توجه، پروژه های فناوری نرم و فرهنگی است که با بهره گیری از ابزارهای دیجیتال برای آموزش، فرهنگ سازی و تعامل با جامعه، قدرت نرم خود را تقویت کرده است. این نوع اقتدار که کمتر به چشم می آید، در طولانی مدت تأثیر مستقیمی بر جایگاه سیاسی کشور دارد و امکان نفوذ فرهنگی و دیپلماتیک را فراهم می کند.

ترکیب این عناصر، ایران را به نمونه ای از

را نشان می دهد؛ بلکه ابزار مهمی در دیپلماسی منطقه ای و بین المللی فراهم می کند. این فناوری ها به ایران امکان می دهند که اطلاعات مستقل خود را داشته باشد و در مذاکرات و همکاری های بین المللی با قدرت بیشتری ظاهر شود.

در کنار آن، امنیت سایبری و شبکه های ملی اطلاعات نقش مهمی در شکل دهی اقتدار نرم کشور دارند. ایران با توسعه سامانه های محافظت از زیرساخت ها و اطلاعات حساس، وابستگی به فناوری خارجی را کاهش داده و توانایی مقابله با تهدیدهای دیجیتال را بالا برده است. این موضوع نه تنها امنیت داخلی را تضمین می کند، بلکه در عرصه سیاسی به معنای قدرت مستقل در تصمیم گیری ها و سیاست خارجی است.

همچنین، هوش مصنوعی و فناوری های نوین

مهديه چوپانی

دبیر گروه مجازستان



در دنیای امروز، قدرت یک کشور تنها به ارتش یا اقتصاد آن محدود نمی شود و فناوری و مدیریت اطلاعات و داده ها به ابزاری مهم برای تعیین جایگاه سیاسی و دیپلماتیک تبدیل شده اند. ایران نیز در سال های اخیر با سرمایه گذاری های هوشمندانه در حوزه های فناوری، توانسته اقتدار خود را در عرصه سیاسی و منطقه ای تقویت کند، بدون آنکه نیازمند نمایش مستقیم قدرت نظامی باشد. یکی از برجسته ترین حوزه ها، فضا و ماهواره های بومی است. پرتاب موفقیت آمیز ماهواره ها و بهره برداری از آنها در جمع آوری اطلاعات و ارتباطات، نه تنها توان علمی کشور

گزارش

پهپاد ایرانی الگوی نوین نبرد

گروه مجازستان

صبح صادق

در سال های اخیر، یکی از برجسته ترین عرصه های فناوری نظامی که توجه جهانیان را جلب کرده، توسعه پهپادهای یکبار مصرف است. پهپادهایی که با طراحی ساده، هزینه پایین و بهره وری عملیاتی بالا، معادلات سنتی نیروهای مسلح را تغییر داده اند، نه با پیچیدگی فوق پیشرفته، بلکه با هوشمندی در طراحی و کاربرد. نمونه بارز چنین فناوری ای پهپاد ایرانی شاهد ۱۳۶ است، که توانسته به نماد تحول در نبردهای مدرن بدل شود و مسیر توسعه فناوری پهپادی را در سطح جهانی دگرگون کند.

پیش از این، بسیاری از ناظران تکنولوژی و نظامی گری، ایالات متحده را در صدر جدول نوآوری های نظامی جهان می دانستند؛ کشوری که با بودجه های کلان، پیشرفته ترین سیستم های هوایی بدون سرنشین و تسلیحات پیچیده را طراحی کرده و به خدمت می گیرد؛ اما اکنون آن کشوری که زمانی

به دیگران درس نوآوری می داد، در زمینه پهپادهای کم هزینه و مؤثر، درصدد مهندسی معکوس و تقلید از طرحی است که سال ها پیش در ایران توسعه یافته بود.

پهپاد شاهد ۱۳۶ با طراحی دلتا و موتور محرک پیستونی به الگویی الهام بخش برای دیگر کشورها بدل شد. این پهپاد به دلیل سادگی ساخت، هزینه تولید پایین و توان عملیاتی بالا می تواند ابزار مؤثری در نبردهای نامتقارن باشد. بسیاری از کارشناسان حوزه دفاعی معتقدند، ارزش واقعی فناوری شاهد ۱۳۶ در ایجاد تغییر رویکرد تولید تسلیحات نهفته است، از نظام های گران قیمت و پیچیده به سوی مدل های ساده، مؤثر و فراگیر.

در گزارشی که به تازگی در رسانه های آمریکایی منتشر شده، اشاره شده است که ارتش ایالات متحده در حال تولید پهپاد «لوکاس» است؛ پهپادی که تقریباً کپی مستقیم از فناوری پهپادهای شاهد به شمار می آید. بر اساس این گزارش، نیروی دریایی آمریکا نسخه ای از پهپاد شاهد را کالبدشکافی کرده

و با استفاده از آن طرح خود را توسعه داده است. این رویکرد تا حدی نشانه ای از تغییر نگاه استراتژیک به فناوری پهپادی به شمار می آید؛ چرا که ایالات متحده اکنون به دنبال تقلید از طرحی است که سال ها آن را به عنوان فناوری کمتر توسعه یافته می پنداشت.

فارغ از نگاه سیاسی و رقابت های بین المللی، این تحول یک واقعیت عینی را نشان می دهد، کشور ما توانسته در حوزه ای که بسیاری از قدرت های بزرگ نظامی به آن بی اعتنا بودند، به سطحی از کارآمدی برسد که مدل آن مورد توجه جهانی قرار گرفته است. در حقیقت مفهوم پهپادی موفق در دنیای امروز دیگر فقط به پیچیدگی فنی و توان عملیاتی گران قیمت وابسته نیست؛ بلکه به هوشمندی در طراحی، هزینه مناسب و قابلیت تولید انبوه گر خورده است.

نکته جالب توجه این است که پهپادهای مشابه شاهد، اکنون در بسیاری از کشورها مورد بررسی و حتی استفاده قرار گرفته اند؛ از چین گرفته تا روسیه و حتی اتحادهای نظامی غربی که با الگو گرفتن از

طرح ایرانی، در پی توسعه نسخه های مخصوص خود هستند.

اما چرا چنین تحول و توجهی به پهپادهای، مانند شاهد رخ داده است؟ پاسخ در اقتصاد فناوری مدرن نهفته است. پهپادهای سنتی معمولاً بسیار گران قیمت بوده و نیازمند شبکه های پیچیده لجستیک و پشتیبانی هستند. اما پهپادهایی مانند شاهد با ماهیت یکبار مصرف، می توانند با هزینه ای بسیار کمتر، عملیات های پیچیده را اجرا کنند و این یعنی بازتعریف مفاهیم نبرد و مدیریت منابع در میدان های نبرد آینده.

در همین راستا، تحولات اخیر نشان می دهند، کشور ما به این نقطه رسیده است که باید از رویکردهای جدید بهره برد. مهندسی معکوس پهپادهایی، مانند شاهد و ساخت نمونه های مشابه آن در غرب، نشان دهنده این است که نفوذ فناوری پهپادی ایران فراتر از مرزها رفته و در حال بازتعریف مسیر توسعه تسلیحات هوشمند است.

خبر خوب

تسخیر آسمان

پرتاب ۳ ماهواره ایرانی



ماهواره های پایا، کوثر و ظفر ۲، هفتم دی ماه از پایگاه وستوچنی روسیه به فضا پرتاب شدند. ماهواره «طلوع ۳» با پایا یک ماهواره سنجش از دور و مشاهده زمین است و دقت تصویربرداری حدود ۱۰-۲۰ متری برای هر پیکسل دارد. ماهواره ظفر ۲ یک ماهواره سنجش از دور است که برای تصویربرداری از سطح زمین و پایش منابع طبیعی طراحی شده است. ماهواره کوثر، نسخه جمع شده نسل دوم ماهواره های «کوثر-۱» و «هدهد-۲» است که برای اجرای مأموریت پایش بخش کشاورزی طراحی شده است.

پژواک

ناقص حریم خصوصی

کروم، بدترین مرورگرها جهان!



بر اساس یک مطالعه تازه منتشر شده، محبوب ترین مرورگر جهان، یعنی «گوگل کروم» در جدول مرورگرها از نظر حفظ حریم خصوصی کاربران یکی از ضعیف ترین عملکردها را دارد. این مطالعه نشان می دهد، کروم در جلوگیری از ردیابی و حفاظت از داده ها امتیاز بالایی دارد که به معنای ریسک بیشتر برای حریم خصوصی کاربران است. در این ارزیابی، مرورگر ChatGPT Atlas بدترین عملکرد را داشته و با امتیاز ۹۹ از ۱۰۰ در شاخص ریسک حریم خصوصی در صدر فهرست قرار گرفته است. پس از آن، گوگل کروم با امتیاز ۷۶ و ویوالدی با امتیاز ۷۵ در ردهای بعدی قرار دارند.

نرم افزار

مراقبت در خانه

نرم افزار ایرانی، یک پزشک همراه



نرم افزار WoundAssist» با استفاده از هوش مصنوعی، روند مراقبت از زخم ها را به خانه های بیماران می آورد. این نرم افزار به بیماران امکان می دهد با گرفتن عکس از زخم خود، وضعیت بهبود را به صورت دقیق ثبت کرده و آن را به پزشکان ارسال کنند. هوش مصنوعی این اپ قادر است تغییرات زخم را تحلیل کرده و روند بهبود را نیاز به اقدام پزشکی را هشدار دهد. یکی از ویژگی های جذاب این نرم افزار تعامل زنده با پزشک است؛ یعنی پزشک می تواند از راه دور روند بهبود بیمار را مشاهده کرده و راهنمایی های لازم را ارائه دهد.

شبکه‌نمایش خانگی ره‌اشدگی فرهنگی!



مهدی سر تاج

منتقد سینما

سینما در ایران، پیش از آنکه صنعت باشد، حافظه است؛ حافظه‌ای جمعی که در تار و پود زندگی اجتماعی رسوب کرده و روایت‌هایش، خواه بر پرده نقره‌ای و خواه در قاب کوچک، شکل‌دهنده تخیل عمومی بوده‌اند. سینما برای جامعه ایرانی فقط سرگرمی نبوده، بلکه میدان گفت‌وگو، آینه تعارض‌ها و گاه پناهگاه رؤیاها بوده است. هر زمان که سینما توانسته است میان روایت و واقعیت و میان فرم و معنا تعادلی پایدار برقرار کند، اثر آن فراتر از سالن نمایش رفته و به زبان، رفتار و حتی افق فکری جامعه راه یافته است. اما امروز سینمای ایران در وضعیتی ایستاده است که بیش از هر زمان دیگر نیازمند تأمل است. کانون تولید و مصرف تصویر جابه‌جا شده و شبکه نمایش خانگی، بی‌سروصدا اما با قدرتی فراگیر، به بازیگر اصلی میدان تبدیل شده است. این جابه‌جایی صرفاً تغییر یک بستر فنی نیست؛ بلکه دگرگونی در منطق روایت، اقتصاد تصویر و سیاست فرهنگی را نیز با خود به همراه آورده است. پرسش اساسی اینجااست: آیا شبکه نمایش خانگی توانسته است میراث روایی و مسئولیت فرهنگی سینمای ایران را امتداد دهد، یا در پس جذابیت ظاهری و وفور تولید، با نوعی ره‌اشدگی ساختاری مواجهیم که پیامدهای آن به‌تدریج آشکار می‌شود؟ این یادداشت با تکیه بر نگاه پژوهشی به سینما، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که بر پایه تحلیل ساختارها، روندها و تجربه مستقیم خالقان آثار شکل گرفته است.

♦ یک وضعیت تعلیق آمیز

پیدایش شبکه نمایش خانگی در ایران، واکنشی به یک خلا واقعی بود. تلویزیون به دلایلی بخشی از قدرت اقناع و جذابیت خود را از دست داده بود و

سینما نیز درگیر دشواری‌های اقتصادی، مدیریتی و محدودیت‌های اکران، توان پاسخگویی به همه سلیقه‌ها را نداشت. در این میان، مخاطب ایرانی با زیست رسانه‌ای تازه‌ای روبه‌رو شد؛ زیستی که در آن، انتخاب، تنوع و دسترسی آسان اهمیت فراینده‌ای یافت. شبکه نمایش خانگی، دقیقاً در همین نقطه وارد شد و با وعده روایت‌های متفاوت و نزدیک‌تر به زندگی روزمره، توانست اعتماد اولیه مخاطب را جلب کند.

این اعتماد در سال‌های نخست، با تولید برخی آثار تأمل‌برانگیز تقویت شد؛ آثاری که نشان می‌دادند این فضا می‌تواند محل تجربه و نوآوری باشد. با این حال، به‌تدریج منطق بازار بر این میدان غلبه کرد. رقابت میان سکوها، به رقابتی برای حفظ توجه مخاطب بدل شد؛ توجهی که باید هر چه سریع‌تر جلب می‌شد و هرچه دیرتر از دست می‌رفت. نتیجه این شتاب، تغییر در ماهیت تولید بود: کیفیت، تابع کمیت شد و تأمل، قربانی سرعت.

نخستین نشانه این دگرگونی را باید در فیلمنامه جست‌وجو کرد. فیلمنامه ستون فقرات اثر نمایشی، در بسیاری از تولیدات شبکه نمایش خانگی به متنی کارکردی و شتاب‌زده تقلیل یافته است. قوس دراماتیک شخصیت‌ها ناقص می‌ماند، منطق کنش و واکنش تضعیف می‌شود و تعلیق، به‌جای آنکه از دل روایت بجوشد، به‌صورت مصنوعی تزریق می‌شود. پایان‌بندی‌ها نیز اغلب یا ناتمام هستند یا شتاب‌زده؛ گویی روایت، پیش از آنکه به بلوغ برسد، مجبور به توقف شده است.

در سطح اجرا، اگر چه برخی آثار از نظر تصویری پرزرق‌وبرق و خوش‌ساخت به‌نظر می‌رسند، اما میزانشن، طراحی صحنه و بازیگری لزوماً در خدمت معنا قرار نمی‌گیرد. تصویر به‌جای آنکه حامل روایت باشد، خود به هدف تبدیل می‌شود. این جابه‌جایی، سینما را از هنر روایت‌محور به کالایی مصرفی نزدیک می‌کند؛ کالایی که جذاب است، اما ماندگار نیست.

یکی از آسیب‌های جدی این وضعیت، گسترش تیپ‌سازی به‌جای شخصیت‌پردازی

است. کاراکترها اغلب بر پایه چند ویژگی کلی و تکرارشونده شکل می‌گیرند و از پیچیدگی روانی و تحول درونی بی‌بهره‌اند. مخاطب به‌جای هم‌ذات‌پنداری عمیق، صرفاً شاهد تکرار الگوهایی آشناست. این تکرار نه نشانه فقدان استعداد، بلکه پیامد ساختاری است که فرصت بازنویسی، پژوهش و پرداخت تدریجی را از خالق اثر سلب می‌کند.

از منظر فرهنگی، شبکه نمایش خانگی، به‌واسطه گسترده‌گی مخاطب، به یکی از اصلی‌ترین سازندگان ذائقه فرهنگی بدل شده است. در بسیاری از سریال‌ها، جهان روایت‌شده مملو از تنش، بدبینی و فروپاشی روابط است. خانواده که در سنت سینمای ایران جایگاهی محوری داشته، یا به حاشیه رانده می‌شود یا به نهادی ناکارآمد و مستهلک‌دار تقلیل می‌یابد. این بازنمایی اگر بدون تعادل روایی و اخلاقی ارائه شود، به عادی‌سازی نوعی یأس اجتماعی می‌انجامد؛ آسبی که به‌تدریج در زبان و نگاه مخاطب رسوب می‌کند.

این وضعیت الزاماً حاصل نیت آگاهانه نیست؛ بلکه پیامد فقدان سیاست‌گذاری روشن و نگاه راهبردی است. شبکه نمایش خانگی، در برخی نهادی قرار گرفته است؛ نه تابع کامل قواعد حرفه‌ای سینما و نه مشمول پاسخ‌گویی ساختار رسانه رسمی. این تعلیق به‌ره‌اشدگی ساختاری انجامیده است؛ وضعیتی که در آن، تصمیم‌ها اغلب واکنشی و مقطعی‌اند، نه مبتنی بر تحلیل بلندمدت.

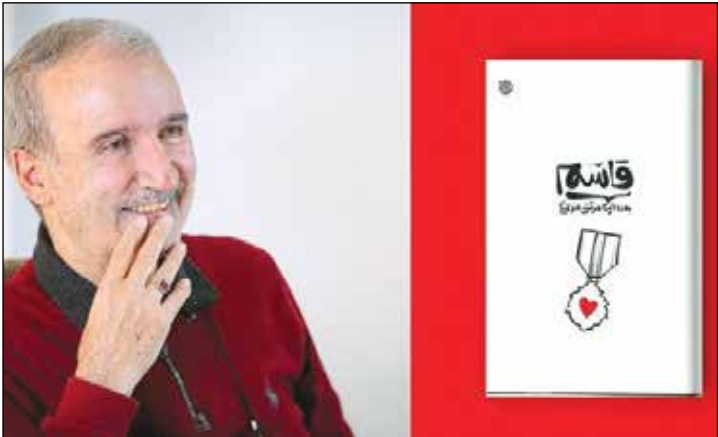
♦ اهمیت تنظیم‌گری

تنظیم‌گری فرهنگی در چنین فضایی اهمیت دوچندان می‌یابد. تنظیم‌گری اگر به‌درستی انجام نشود، یا به سخت‌گیری‌های ناکارآمد فروکاسته می‌شود یا به ره‌اسازی بی‌ضابطه. هر دو رویکرد، در نهایت به تضعیف اعتماد عمومی و افت کیفیت منجر می‌شود. تنظیم‌گری هوشمند، مستلزم درک عمیق از رسانه، مخاطب و تحولات اجتماعی است؛ درکی که بتواند میان آزادی خلاقانه، مسئولیت اجتماعی و منافع اقتصادی تعادل برقرار کند.

| برداشت |

حاج قاسم، آن گونه که بود

نگاهی به کتاب «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی»



سندیت، «قاسم» را از بسیاری آثار مشابه که گاه به‌روایت‌های شفاهی غیرقابل‌راستی آزمایی تکیه می‌کنند، متمایز می‌کند.

ساختار اپیزودیک کتاب، با فصل‌های کوتاه و مستقل، به خواننده اجازه می‌دهد زندگی حاج قاسم را نه به‌صورت خطی و خشک، بلکه همچون مجموعه‌ای از صحنه‌ها و لحظه‌های تأثیرگذار دنبال کند. از کودکی در فضای روستایی جنوب شرق ایران، هم‌قدمی با کله و تجربه زود هنگام مسئولیت، تا ورود به سپاه، حضور در جبهه‌های دفاع مقدس، فرماندهی میدانی و در نهایت سال‌های پس از جنگ، همگی در پیوستاری منطقی و قابل فهم کنار



نسبت شبکه نمایش خانگی با بدنه حرفه‌ای سینما نیز نیازمند بازنگری است. بسیاری از سینماگران، ناگزیر به حضور در این فضا هستند. قراردادهای فشرده، ضرب‌الاجل‌های سخت و نگاه پروژه‌محور، فشار مضاعفی بر فرآیند خلاقانه وارد می‌کند. فیلمنامه که باید حاصل گفت‌وگو، بازنویسی و پالایش باشد، به متنی شتاب‌زده بدل می‌شود. کارگردانی فرصت میزانشن‌پردازی دقیق را از دست می‌دهد و بازیگر مجال کاوش در لایه‌های شخصیتی را نمی‌یابد. این فرسایش خلاق، در بلندمدت به تضعیف بدنه حرفه‌ای سینمایی انجامد.

نباید میان « دیده‌شدن» و «تأثیرگذاری» خلط کرد. افزایش آمار تماشا، لزوماً به معنای ماندگاری فرهنگی نیست. بسیاری از آثار مصرف می‌شوند؛ اما در حافظه جمعی رسوب نمی‌کنند. آنها به مرجع گفت‌وگو بدل نمی‌شوند و در تاریخ سینمایی این سرزمین جای نمی‌گیرند. این فاصله میان مصرف و معنا، نشانه بحرانی است که اگر جدی گرفته نشود، سرمایه فرهنگی جامعه را به‌تدریج فرسوده خواهد کرد.

♦ لزوم اصلاح با پذیرش مسئولیت

شبکه نمایش خانگی محصول اجتناب‌ناپذیر تحولات رسانه‌ای عصر حاضر است، اما سرنوشت آن از پیش نوشته نشده است. این فضا می‌تواند به امتداد خلاق سینمای ایران بدل شود یا به عاملی برای تضعیف آن. مسیر درست، بازنگری در منطق تولید، تقویت جایگاه فیلمنامه، تنظیم‌گری هوشمند و پذیرش مسئولیت فرهنگی است. سینمای ایران، بیش از هر چیز، به روایت‌های ریشه‌دار، صادق و متعهد نیاز دارد؛ روایت‌هایی که نه در هیاهوی شتاب گم شوند و نه در ویرترین جذاب مصرفی محو شوند. اصلاح مسیر ممکن است، اما تنها با پذیرش مسئولیت و تعهد جمعی؛ در غیر این صورت، آنچه باقی می‌ماند، انبوهی تصویر است بی‌آنکه حافظه‌ای بسازد؛ سینمایی که دیده می‌شود، اما به یاد نمی‌ماند.

رویکرد، کتاب را به ادبیات دفاع مقدس نزدیک می‌کند؛ جایی که «انسان» مقدم بر «عنوان» است.

در عین حال، کتاب آگاهانه از ورود مستقیم به تحلیل‌های سیاسی و منطقه‌ای پرهیز می‌کند. هرچند اشاره‌هایی به نقش حاج قاسم در عراق، سوریه و نبرد با داعش وجود دارد، اما تمرکز اصلی بر شکل‌گیری شخصیت او در سال‌های اولیه و دوران جنگ تحمیلی است. این انتخاب، هم نقطه قوت است و هم محدودیت. نقطه قوت از آن نظر که کتاب را از پیچیدگی‌های تحلیلی دور کرده و آن را برای مخاطب عام خواندنی کرده؛ و محدودیت از این نظر که پژوهشگران تاریخ معاصر یا مطالعات امنیتی، ممکن است پاسخ بسیاری از پرسش‌های تحلیلی خود را در آن نیابند.

با وجود جامعیت نسبی کتاب، خلأهایی نیز احساس می‌شود؛ از جمله پرداخت کمتر به زندگی خانوادگی حاج قاسم پس از ازدواج و نسبت این زندگی با سال‌های طولانی مأموریت و دوری. هرچند می‌توان این سکوت را ناشی از احترام به حریم خانواده و سیره شخصی شهید دانست، اما همین غیبت، کنجکاوی خواننده را برمی‌انگیزد و جای آن را در یک پرتره کامل خالی می‌گذارد.

در مجموع، «قاسم به روایت مرتضی سرهنگی» نه یک زندگی‌نامه کلاسیک است و نه یک اثر تبلیغاتی؛ بلکه تلاشی موفق برای ثبت تاریخ شفاهی و حفظ میراث انسانی و اخلاقی شهید سلیمانی است. کتاب تصویری باورپذیر و نزدیک از فرماندهی ارانه می‌دهد که «چهره‌اش، چهره این ملت» است؛ تابلویی ریزنگار از مردم ایران که از دل رنج، ایمان و مسئولیت‌پذیری برآمده و حالا در قالب روایتی ماندگار، پیش روی نسل‌های آینده قرار گرفته است.

فرهنگ ۱۳

شماره ۱۳۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

صداقت

| یادداشت |

بیزینس سیاسی با شهرت



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

انتشار مستند «ترانه» از شبکه دولتی بی‌بی‌سی فارسی را نمی‌توان صرفاً یک محصول رسانه‌ای یا روایتی شخصی از زندگی یک بازیگر دانست. این اثر در واقع حلقه‌ای از زنجیره‌ای بلندتر در میدان «جنگ شناختی» علیه جامعه ایرانی است؛ میدانی که تمرکز ویژه‌ای بر زن ایرانی، نهاد خانواده و بازتعریف هویت فرهنگی دارد. روایت به‌ظاهر بی‌طرفانه مستند، در لایه‌های زیرین خود حامل پیام‌هایی جهت‌دار است که بدون تحلیل نسبت رسانه، قدرت و سلطه قابل فهم نیست.

در این چارچوب، مسئله اصلی نه شخص ترانه علی‌دوستی، بلکه «سلب‌ریتمس وابسته» است؛ پدیده‌ای که در آن، شهرت و سرمایه نمادین چهره‌های هنری به ابزار پیشبرد پروژه‌های سیاسی و فرهنگی قدرت‌های خارجی تبدیل می‌شود. بی‌بی‌سی فارسی با سابقه‌ای روشن در مهندسی افکار عمومی، بار دیگر از یک چهره شناخته‌شده برای بازتولید روایت مطلوب خود بهره می‌گیرد.

برای فهم این موقعیت، باید به گذشته بازگشت؛ به دوره‌ای که برخی سریال‌های پر مخاطب با بودجه‌های نجومی و منابع مالی مستهلک‌دار تولید شدند. افشای مفاسد اقتصادی درباره پروژه‌هایی، چون «شهرزاد» نشان داد که چگونه برخی از سلب‌ریتی‌ها، آگاهانه یا ناخواسته، به ویرترین رانت و پول‌های آلوده بدل شدند. از این منظر، تغییر مواضع امروز برخی چهره‌ها نه حاصل یک تحول فکری مستقل، بلکه جابه‌جایی از یک کانون قدرت به کانونی دیگر است؛ از رانت‌های داخلی به آغوش رسانه‌های وابسته به نظام سلطه.

در این میان، گفت‌مان «حقوق زنان» یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای این پروژه است؛ اما آنچه در این روایت عرضه می‌شود، نه مطالبه‌ای بومی و برخاسته از واقعیت‌های اجتماعی زنان ایرانی، بلکه نسخه‌ای وارداتی از فمینیسم رادیکال غربی است؛ جریانی که در نظریه‌های استعمار نو، زن را نقطه ثقل دگرگونی فرهنگی و فروپاشی اجتماعی می‌داند. نمادسازی‌های افراطی، قطبی‌سازی‌های تند و تقابل‌سازی میان زن و خانواده، همگی در خدمت تخریب الگوی زن ایرانی ریشه‌دار و مسئولیت‌پذیر قرار می‌گیرند. چه اگر ترانه علی‌دوستی واقعا و صادقانه دغدغه زن ایرانی را دارد، بیش از هر چه باید از شهادت زنان و دختران بیگناه در جریان حمله ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی سخن می‌گفت و معترض می‌شد، که نشد!

این رویکرد عامدانه مطالبات واقعی زنان- از امنیت شغلی و عدالت اقتصادی گرفته تا کرامت انسانی و نقش آفرینی اجتماعی در چارچوب خانواده‌را به حاشیه می‌راند و با ساختن دوگانه‌های کاذب، شکاف فرهنگی را تعمیق می‌کند. حاصل چنین مسیری نه آزادی، بلکه فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام ملی است.

همکاری ترانه علی‌دوستی با پگاه آهنگرانی در بستر رسانه‌ای بی‌بی‌سی، بیش از آنکه یک کنش هنری باشد، نمونه‌ای از «بیزنس سیاسی» است؛ جایی که حتی رنج‌ها، بیماری‌ها و بحران‌های شخصی به کالای رسانه‌ای تبدیل می‌شوند. مظلوم‌نمایی در این چارچوب، نه از سرهم‌دلی انسانی، بلکه ابزاری برای بازسازی برند فردی و افزایش سرمایه نمادین در بازار جهانی سیاست و رسانه است؛ بازاری که خروجی عملی آن، تشدید فشارهای خارجی و تحریم‌هایی است که مستقیماً زندگی مردم ایران را هدف می‌گیرد.

پروژه‌ای که با شعارهایی، چون «زن، زندگی، آزادی» و با پیشرانی رسانه‌ای برخی سلب‌ریتی‌ها دنبال شد، به‌دلیل ناسازگاری بنیادین با زیست‌جهان زن ایرانی و واقعیت‌های اجتماعی کشور به بن‌بست رسید.

قبیله عشق

شهادت بانوای مادرانه



شهیده مظلوم «مهسا احمری»؛ از همان مادرانی است که در کنار نقش مادری و همسری، یک استاد دانشگاه و پژوهشگر پر تلاش بود؛ او دانشجوی ورودی ۱۳۹۹ مقطع دکتری رشته روانشناسی دانشگاه تبریز که در شرف دفاع از رساله دکتری خود قرار داشت، در اثر حمله وحشیانه رژیم صهیونی به شهرستان آستانه اشرفیه گیلان، در نهایت مظلومیت و بی‌گناهی به همراه همسر و فرزندش به سلسله جلیله شهدای مظلوم جنگ تحمیلی اخیر ملحق شد.

مادر شهید می‌گوید: «مهسا جان دختر بسیار زرنگی بود. او از همان سه سالگی نشان داد بچه‌ای بسیار تیزهوش و زرنگ است. وقتی به مهد کودک می‌رفت، شعرها را در همان روز نخست حفظ می‌کرد و در خانه برای ما می‌خواند. در دوران راهنمایی موفقیت‌های زیادی داشت و همیشه معدلش بالا بود و به عنوان شاگرد ممتاز شناخته می‌شد. در دوران دبیرستان نیز همین‌طور بود؛ در مدرسه نمونه دولتی قبول شد. همان زمان در جشنواره خوارزمی شرکت کرد و مقام نخست استان خراسان را به دست آورد. مهسا جان پس از آنکه ازدواج کرد، دکترای روان‌شناسی دانشگاه فردوسی قبول شد؛ اما به دلیل طولانی بودن مسیر مشهد تا بندرعباس و به دلیل اینکه زن متعهدی بود و دوست نداشت همسرش را تنها بگذارد، نام‌نویسی نکرد؛ اما پس از چند سال که پسرش میلان به دنیا آمد، دوباره درس خواندن را شروع کرد و دکترای روان‌شناسی دانشگاه تبریز قبول شد. مهسا جان به من گفته بود بعضی روزها تنها نیم ساعت می‌خواهد تا بتواند رساله دکترایش را بنویسد؛ زیرا دخترم خیلی همسر و مادر متعهدی بود، به خصوص اینکه نوهام میلان در کلاس اول ابتدایی درس می‌خواند، به درس‌های او هم رسیدگی می‌کرد. به همین دلیل پس از آنکه کارهای منزل را انجام می‌داد، از ساعت ۱۲ شب به بعد مشغول مطالعه و نوشتن مقاله و تحقیق می‌شد. در این راستا خیلی زحمت کشید؛ اما متأسفانه رژیم صهیونیستی نگذاشت او بتواند ثمره زحماتش را ببیند.

متأسفانه این خانواده سه نفره زندگی خیلی کوتاهی داشتند. هر سه شهید خانواده ما نابغه بودند و داغ بزرگی را بر دل ما گذاشتند که هنوز یک ذره از آن هم فراموش نشده است. شهید سید محمدرضا صدیقی صابر، دانشمند هسته‌ای کشورمان که هدف اصلی ترور رژیم صهیونیستی در آخرین شب جنگ ۱۲ روزه به شمار می‌آمد، شوهرخواهر دامادمان بود و دخترم، دامادم و نوهام میلان، آن شب برای مراسم هفتم شهادت پسر هفده ساله شهید صدیقی صابر از بندرعباس به آستانه اشرفیه رفته بودند.

خدا را شکر که مثلث قدرت ایران که شامل حضور مردم، قدرت نیروهای مسلح و رهنمودهای رهبری است، باعث شود که پوز صهیون‌ها به خاک مالیده شود.»

مراسم تکریم و معارفه جانشین فرمانده کل سپاه برگزار شد

ارتقای مستمر پیشرفت مقتدرانه

در مراسم تکریم و معارفه جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، با حکم فرمانده معظم کل قوا، «سردار احمد وحیدی» به عنوان جانشین جدید فرمانده کل سپاه منصوب و از خدمات «سردار علی فدوی» قدردانی شد. مراسم تکریم و معارفه جانشین فرمانده کل سپاه با حضور «سرلشکر محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه، «حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه، «سردار محمد شیرازی» رئیس دفتر نظامی فرماندهی معظم کل قوا و تعدادی از فرماندهان عالی نظامی برگزار شد.

دشمن پس از شکست در میدان به جنگ شناختی روی آورده است

در این مراسم «حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه، با اشاره به شکست دشمن در عرصه نظامی گفت: «دشمن در تلاش است این شکست را با تحریف، به یک پیروزی ظاهری تبدیل کند. همان‌طور که یزید پس از شکست در هدف اصلی خود، یعنی گرفتن بیعت از امام حسین(ع)، با برگزاری جشن در شام سعی در جبران ناکامی خود داشت.»

وی با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب افزود: «دشمن فهمیده است که تصرف این سرزمین با ابزار نظامی ممکن نیست و برای موفقیت باید دل‌ها و مغزها را تغییر دهد. هدف اصلی دشمن، محو کردن مفاهیم انقلاب و منصرف کردن مردم از یاد امام و آرمان‌هاست و برای این کار میلیاردها دلار هزینه می‌کند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی راهبرد مقابله با این جنگ را آرایش تهاجمی دانست و تأکید کرد: «نباید تنها به دفاع در برابر شبهات دشمن اکتفا کنیم. باید نقاط ضعف متعدد دشمن را هدف قرار دهیم و به آنها هجوم ببریم. آرایش تبلیغاتی ما باید معارف اسلامی، شیعی و انقلابی را که هدف اصلی دشمن است، تقویت کند.»

وی با بیان اینکه پاسداری تاریخ انقضا ندارد و تا پایان عمر ادامه دارد، از خدمات سردار فدوی در هفت

گروه سپاه

صبح صادق

در سال‌های اخیر، نهضت قرآنی خانواده‌های پاسداران به یکی از جریان‌های اثرگذار فرهنگی در کشور تبدیل شده است؛ حرکتی که با محوریت قرآن، نه تنها بنیان خانواده‌ها را تقویت کرده، بلکه آثار ملموسی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و تربیت نسل جوان برجای گذاشته است.

به گزارش روابط عمومی سپاه امام رضا(ع) «حجت‌الاسلام زنگنه» معاون امور خانواده سپاه، با اشاره به این رویکرد راهبردی تأکید کرد: «قرآن خاستگاه استواری خانواده‌هاست و هیچ کتابی به اندازه قرآن نمی‌تواند خانه را در برابر طوفان‌های اخلاقی و اجتماعی مقاوم نگه دارد.» وی با استناد به حدیث پیامبر اکرم(ص)، افزود: «دل‌ها زنگار می‌گیرد و جلای آن قرانت قرآن است؛ وقتی قرآن وارد زندگی شود، بسیاری از گرہ‌ها به‌صورت طبیعی بازمی‌شود.» به گفته زنگنه، معاونت خانواده سپاه در برنامه پنج ساله ششم، قرآن را محور همه فعالیت‌های فرهنگی قرار داده و همین نگاه‌سبب رشد کم‌نظیر مشارکت خانواده‌ها شده است؛ به‌گونه‌ای که آمار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآنی در مقایسه با آغاز این برنامه بیش از ۷۷ برابر

سال گذشته قلدردانی کرد و برای سردار وحیدی آرزوی توفیق داشت.

قرانت حکم فرمانده کل قوا و تشریح نقشه راه آینده سپاه

در ادامه، «سردار محمد شیرازی» رئیس دفتر نظامی فرماندهی معظم کل قوا، حکم انتصاب سردار احمد وحیدی به سمت جانشینی فرمانده کل سپاه را که به امضای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رسیده بود، قرائت کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

سردار سرتیپ پاسدار وحید شاه‌چراغی (احمد وحیدی)

نظر به تعهد، شایستگی و تجارب ارزنده و پیشنهاد فرمانده کل سپاه، شما را به سمت جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌کنم. ایفای نقش جهادی و انقلابی در ارتقای سطح آمادگی‌های عملیاتی و پیشرفت مقتدرانه مأموریت‌های سپاه و شتاب‌گیری در رفع نیازهای عمده معنوی و معیشتی کارکنان، در تعامل هم‌افزا با ستاد کل نیروهای مسلح، با لحاظ تدابیر فرمانده کل سپاه، مورد انتظار است.

از تلاش‌ها و خدمات سردار دریادار پاسدار علی فدوی در دوره مسئولیت تشکر می‌کنم. توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

سیدعلی خامنه‌ای

وی با تشریح ابعاد شش‌گانه این حکم، آن را نقشه راه آینده سپاه خواند و محورهایی چون نقش جهادی و انقلابی، ارتقای مستمر آمادگی‌های عملیاتی، پیشرفت مقتدرانه مأموریت‌ها، رفع نیازهای معنوی و معیشتی کارکنان و تعامل هم‌افزا با ستاد کل نیروهای مسلح را از تأکیدات اصلی فرمانده کل قوا برشمرد.

سردار شیرازی همچنین پیام ویژه رهبر معظم انقلاب را به کارکنان سپاه ابلاغ کرد و گفت: «حضرت آقا فرمودند که سلام من را به کارکنان سپاه و خانواده‌های محترم‌شان برسانید.»

سپاه باید تجسم دولت اسلامی و جامعه اسلامی باشد

«سردار احمد وحیدی» جانشین جدید فرمانده کل سپاه، جایگاه این نهاد را رفیع برشمرد و مأموریت آن را خطیر توصیف و اظهار کرد: «این نهادی مقدس است که بر حول شهدا بنا شده و این بنای استوار باید مصداق آن جامعه نمونه‌ای باشد که مدنظر است.»

وی با اشاره به مراحل تکاملی انقلاب اسلامی، تصریح کرد: «حقیقتاً سپاه این ظرفیت بزرگ را دارد که هم مرحله سوم انقلاب، یعنی دولت اسلامی و هم مرحله چهارم، یعنی جامعه اسلامی را در داخل خودش مجسم کند. یعنی هم تجسم آن نظام اداری اسلامی و هم نمونه آن جامعه اسلامی باشد. این رویکرد نقطه امید و خط نشانی برای همه پیروان این مسیر است.»

جانشین فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه نصرت و پیروزی نهایی از جانب خداوند است، به آیه شریفه «إِنَّ تَصَوُّرًا وَ تَقْوًا لَا يَصُحُّ كُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» استناد کرد و افزود: «صبر در مقابل دشمن، ایستادگی در برابر ناملایمات و تقوا، که همان معنویت مورد تأکید حضرت آقااست، ما را در برابر هرگونه کید دشمن بیمه می‌کند.» وی با تمجید از عملکرد نسل جدید پاسداران خاطر‌نشان کرد: «امروز سپاه مثل همیشه در اوج می‌درخشد. ما در درگیری‌های اخیر دیدیم که جوانان ما چگونه درخشیدند. این جزء افتخارات سپاه است که مجموعه‌ای از این جوانان زبده و نخبه را دارد که دل در گرو خدادادند و بی‌تردید پیروز خواهند بود.»

سردار وحیدی یادآور شد: «این عملکرد، فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر برتری جوانان امروز نسبت به نسل اول انقلاب را به اثبات رسانده است.» وی با ابراز امیدواری برای خدمت در جایگاه جدید گفت:

«ان‌شاءالله بتوانم به‌عنوان خادمی کوچک، در خدمت فرمانده محترم کل سپاه و تک‌تک پاسداران عزیز باشم

و از خداوند می‌خواهم که «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنَ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.»»

گزارش صبح صادق از دستاوردهای نهضت قرآنی سپاه

قرآن؛ محور تربیت نسل مؤمن است

مراحل بعد، بسیجیان و عموم مردم نیز از این برنامه‌ها بهره‌مند می‌شوند.» زنگنه حمایت فرماندهان سپاه را یکی از عوامل اصلی موفقیت این جریان دانست و تصریح کرد: «فرماندهان ما نگاه سرمایه‌گذارانه به فعالیت‌های قرآنی دارند. به تعبیر سردار سلامی، هزینه در امور قرآنی، هزینه نیست؛ سرمایه‌گذاری برای تعالی سپاه و جامعه اسلامی است.» وی در تشریح آثار تربیتی این حرکت گفت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد خانواده‌هایی که با قرآن مانوس هستند، یا هیچ پرونده اخلاقی ندارند یا آسیب‌ها در آنها بسیار جزئی است. قرآن وقتی در دل انسان جای بگیرد، او را به سمت بصیرت، تبیین و‌کار فرهنگی سوق می‌دهد و جامعه‌ای مصون از آسیب‌ها می‌سازد.»

در حاشیه این حرکت قرآنی، حضور و نقش‌آفرینی جوانان حافظ قرآن نیز جلوه‌ای روشن از ثمرات این نهضت است. «محمدامین حسن‌زاده» حافظ ۲۴ جزء قرآن از کاشان، یکی از همین نمونه‌هاست. او معتقد است: «حفظ قرآن فقط تمرین ذهن نیست، تمرین



پاسداری از انقلاب بزرگ‌ترین معروف عالم است

سردار علی فدوی، جانشین سابق فرمانده کل سپاه و رئیس جدید گروه مشاوران، در سخنان خود عنوان «پاسداری از انقلاب اسلامی» را یک توفیق بزرگ الهی خواند و گفت: «پاسداری از انقلاب اسلامی جزء بزرگ‌ترین معروف‌های عالم است و بزرگ‌ترین منکری هم که صورت گرفته، مخالفت با نظام اسلامی است.»

تکریم سردار فدوی و معارفه سردار وحیدی به عنوان جانشین فرمانده کل

«سرلشکر محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه پاسداران مراسم تکریم و معارفه جانشین جدید فرمانده کل سپاه را تشریح کرد.

وی ابتدا با تشکر از زحمات سردار علی فدوی گفت: «از زحمات برادر بسیار عزیزم سردار فدوی، جانشین فرماندهی کل سپاه که در مدت تقریباً هفت سال به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه زحمات بسیار زیادی کشیدند، تشکر می‌کنم»

فرمانده کل سپاه با اشاره به سوابق سردار فدوی از جمله فرماندهی و جانشینی نیروی دریایی و مسئولیت اطلاعات در دوران دفاع مقدس، اظهار کرد: «ایشان از شاخص‌های اطلاعاتی سپاه بودند که امروز تکریم شده و به عنوان رئیس گروه مشاورین فرمانده کل سپاه معرفی می‌شوند.» وی در ادامه، سردار احمد وحیدی را به عنوان جانشین جدید معرفی کرد و گفت: «برادر عزیزم سردار وحیدی یکی از فرماندهان و مسئولان شاخص سپاه پاسداران از ابتدای تأسیس سپاه بوده‌اند و از فرماندهان صاحب‌نام سپاه هستند.»

سرلشکر پاکپور با اشاره به سوابق درخشان سردار وحیدی از جمله فرماندهی قرارگاه نجف، مسئولیت اطلاعات سپاه در چند مقطع، تأسیس نیروی قدس با ساختار جدید، وزارت دفاع و کشور و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای ایشان در سمت جدید آرزوی توفیق کرد.

زندگی است.» حسن‌زاده که از دوازده‌سالگی با تشویق پدر وارد این مسیر شده، رمز موفقیت را در استمرار، مرور و عشق به قرآن می‌داند. این حافظ جوان با بیان اینکه حفظ قرآن تمرکز ذهن را افزایش می‌دهد، تأکید می‌کند: «قرآن نه‌تنها مانع تحصیل نیست، بلکه کمک



بزرگی برای نظم فکری و هدف‌گذاری در زندگی است.» او توصیه می‌کند جوانان بدون ترس وارد این مسیر شوند و آثار آرامش‌بخش و انگیزه‌آفرین آن را در زندگی خود تجربه کنند.

آنچه از مجموع این اظهارات و تجربیات برمی‌آید، این است که قرآن در این برنامه‌ها صرفاً یک فعالیت آموزشی نیست، بلکه به‌عنوان سبک زندگی، خانواده‌ها و نسل جوان را به سمت استحکام اخلاقی، آرامش درونی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی هدایت می‌کند؛ مسیری که می‌تواند الگوی موفق برای دیگر نهادها و مجموعه‌های فرهنگی کشور باشد.

خبر

۹۰۰ نخبه بسیجی

در جشنواره مالک اشتر بسیج که با حضور «سردار غلامرضا سلیمانی» رئیس سازمان بسیج مستضعفین برگزار شد، بیش از ۹۰۰ نفر از نخبگان و خانواده‌های شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تجلیل شدند. این جشنواره فرصتی برای قدردانی از ایثار و فداکاری‌های این افراد بود. همچنین، در مراسم، از خانواده «سردار شهید محمدتقی یوسف‌وند» یکی از فرماندهان برجسته سازمان بسیج مستضعفین تجلیل به عمل آمد. این مراسم نمادی از قدردانی و احترام به شهدا و خانواده‌های آنهاست و می‌تواند تأثیر بسزایی در روحیه‌بخشی به جامعه داشته باشد.

بازداشت ۷ عنصر وابسته

یک منبع مطلع در وزارت اطلاعات از شناسایی و بازداشت ۷ عنصر یک گروه‌ک خبر داد و اظهار کرد: پنج نفر از بازداشت‌شدگان با سریل سلطنت‌طلبان مستقر در آمریکا ارتباط داشته‌اند و دو نفر دیگر نیز وابسته به گروه‌ک‌های مستقر در اروپا بوده‌اند. وی همچنین از کشف ۱۰۰ قبضه کلت کمری قاچاق خبر داد و افزود: این سلاح‌ها در پوشش کالای کوله‌بری وارد کشور شده بودند که عوامل ورود آن‌ها نیز شناسایی و بازداشت شدند. به‌گفته این منبع مطلع، تحقیقات اولیه حاکی از آن است که مأموریت این عناصر، به خشونت‌کشاندن تجمعات اعتراضی در کشور بوده است.

دشمن واقعیت‌ها را تحریف می‌کند



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

نماینده ولی فقیه در سپاه، در مراسم گرامیداشت حماسه ۹ دی در میدان امام حسین(ع) تهران، بقای انقلاب اسلامی را مدیون دو نعمت «رهبری حکیم» و «امت بصیر» دانست و گفت: «دشمن شکست‌خورده اکنون به جنگ شناختی و تحریف واقعیت‌ها روی آورده تا ذهن جوانان را تسخیر کند، اما ملت ایران با ایستادگی کامل، هرگز تسلیم نخواهد شد.»

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه در مراسم گرامیداشت حماسه نهم دی در میدان امام حسین(ع) در تهران با اشاره به اعتراف دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن مبنی بر شکست‌بی‌سابقه آنان در تاریخ، تصریح کرد: «طبق اذعان خودشان، این شکست تا ۲۰ سال آینده امکان جبران نخواهد داشت.»

وی با بیان اینکه امروز با چنین جریان‌ی مصادف هستیم، حضور مردم در این جمع را تجلی بندگی خدا دانست و گفت: «بقای انقلاب و نظام مقدس اسلامی با وجود تمام توطئه‌ها و تهاجم‌ها، مدیون دو نعمت‌بی‌بدیل است.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی با تشریح نعمت اول که همسان رهبری حکیم است، اظهار کرد: «ما خدای متعال را شاکریم که تحت ولایت فقیه

حرکت می‌کنیم؛ رهبری که فرزانه، شجاع، انقلابی و مسلط بر مسائل است و در هیچ میدانی مرعوب و منفعل نمی‌شود.»

وی با تأکید بر اینکه ولایت فقیه تجلی توحید ربوبی است، افزود: «مردم ما امروز برخلاف مردم کوفه و مدینه در صدر اسلام، با بصیرت کامل ایستاده‌اند و اگر دشمن تصور می‌کند با هدف قرار دادن فرماندهانی همچون سردار سلامی و سردار حاجی‌زاده می‌تواند مسیر را متوقف کند، در اشتباه است؛ چرا که این مکتب سربازانی میلیونی دارد و راه فرماندهان شهید با قدرت ادامه خواهد یافت.»

نماینده ولی فقیه در سپاه نعمت دوم را امت بصیر و دشمن‌شناس دانست و با اشاره به ۴۶ سال ایستادگی مردم در برابر نفاق داخلی و تهدیدهای



خارجی، بیان کرد: «با وجود تمام تبلیغات دشمن برای دلسرد کردن مردم، اراده و ایمان این ملت محکم‌تر شده است.» وی خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرد: «آرزوی تسلیم شدن و گوش‌به‌فرمان شدن این مردم را به گور خواهید برد، چرا که ما در مکتب قرآن و جهاد کبیر تربیت شده‌ایم و هرگز تسلیم کافران نخواهیم شد.»

وی با تجلیل از مقام بانوان و تشبیه نقش آنان به نقش حضرت زینب(س) در کاخ یزید، گفت: «زنان ایران اسلامی با تربیت فرزندان مجاهد و ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی، اجازه خاموش شدن چراغ این انقلاب را نخواهند داد.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی همچنین به استکبار جهانی هشدار داد: «استکبار جهانی فریب

سی‌ویکمین جشنواره رازی برگزار شد

دانشگاه بقیه‌الله بر سکوی نخست!



سی‌ویکمین جشنواره تحقیقات و فناوری علوم پزشکی رازی به‌منظور تجلیل و تکریم از فناوران و محققان برجسته ایرانی و معرفی فعالیت‌های تحقیقات و فناوری برتر علوم پزشکی در دو قسمت افراد حقیقی و نهادهای حقوقی به میزبانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

در این مراسم از ۳۵ برگزیده با اهدای لوح و تندیس تجلیل به‌عمل آمد؛ برگزیدگان سی‌ویکمین جشنواره تحقیقات و فناوری علوم پزشکی رازی با حضور وزیر علوم و وزیر بهداشت معرفی و قدردانی شدند.

در این جشنواره، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در بین دانشگاه‌های تیپ ۱، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله در بین دانشگاه‌های تیپ ۲، دانشگاه علوم پزشکی فسا در بین دانشگاه‌های تیپ ۳ و دانشگاه علوم پزشکی سیرجان در بین دانشگاه‌های نوپا، رتبه اول را از آن خود کردند.

«محمدرضا ظفرقندی» وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سی‌ویکمین جشنواره تحقیقات و فناوری علوم پزشکی رازی، این جشنواره را یکی از فاخرترین رویدادهای علمی حوزه سلامت، محیط زیست، کشاورزی و انرژی، تصمیمات باید مبتنی بر شواهد علمی و پژوهش‌های دقیق اتخاذ شود؛ در غیر این صورت، عوارض آن در سال‌های آینده گریبان جامعه را خواهد گرفت.»

سنگر آموزش

دوره آموزش رزم مقدماتی سربازان وظیفه در پادگان شهدای نوزده دی قم با حضور مسئولان سپاه امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) افتتاح شد. «سرهنگ حامد فلاح» معاون اجرایی سپاه استان قم، با اشاره به ضرورت ایجاد مرکز آموزشی در مرکز کشور، گفت: «قم به‌عنوان نقطه مرکزی برای آموزش سربازان انتخاب شده است. در نخستین مرحله، ۱۰۰ سرباز آموزش‌های مقدماتی خود را آغاز کرده‌اند و ظرفیت این دوره در مراحل بعدی دو برابر خواهد شد.» «سرهنگ علی ابرقویی» نیز از همکاران و پیگیری‌های فرماندهی سپاه قم‌قدردانی کرد و تأثیر معنوی حضور شهدا را در تسریع روند آماده‌سازی مرکز آموزش برجسته دانست.

خبر

دستگیری تروریست‌ها

در جریان عملیات اطلاعاتی پاسداران گمنام امام‌زمان(عج) در شهرستان سراوان، یک گروه تروریستی وابسته به گروهک‌های معاند و تروریستی شناسایی و دستگیر شدند. این گروه که طی یک سال گذشته مسئولیت ترور و اقدامات خرابکارانه در منطقه را بر عهده داشت، در ادامه رزمایش «شهدای امنیت ۲» متوقف شد. اعضای تیم تروریستی در اعترافات خود اعلام کردند که بر اساس دستورات گروهک‌های ضدانقلاب اقدام به طراحی و انجام عملیات تروریستی علیه نیروهای امنیتی و حافظان آرامش مردم در سراوان کرده بودند. این دستگیری‌ها نتیجه تلاش‌های اطلاعاتی و امنیتی مؤثر در مقابله با تهدیدهای تروریستی است.

نماد علم‌آموزی

سر در تازه افتتاح شده دانشگاه جامع امام حسین(ع)، طراحی شده از سوی «دکتر محمد میرزائی»، به‌عنوان نمادی شهری در تهران، پیوندی عمیق میان معماری ایرانی-اسلامی معاصر و هویت ملی را نمایان می‌کند. این سازه ۱۴ متری با فرم طاق قوس سه‌ترکه و ترکیبی از نمادهای «کتاب و بال‌های پرواز»، ارزش‌های انقلابی و علمی دانشگاه را به تصویر می‌کشد. دکتر میرزائی بر اهمیت ایجاد پیوند میان ساختار، معنا و کارکرد تأکید می‌کند و معتقد است، استفاده از بتن نمایان به‌عنوان زبان اصلی معماری، نماد صداقت و پایداری است. این اثر تلفیقی از سنت و نوگرایی، هنر و مهندسی را در یک قالب واحد به‌نمایش می‌گذارد.

روی خط

داغی که همیشه تازه است

۰۹۳۶۰۰۰۵۷۱۹/ کشور ماسه ماهواره بومی به فضا فرستاد که هر کدام در زمینه‌های علمی، فناوری و منابع کشور کاربرد دارند. این پرتاب‌ها بخشی از برنامه فضایی ماست که هدفش تقویت علم و فناوری کشور است. امیدواریم این حرکت ادامه پیدا کند و پیشرفت کنیم.

۰۹۱۹۰۰۰۲۲۸۱/ پس از جنگ ۱۲ روزه، انسجام ملی ایران به یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای کشور تبدیل شده که دشمنان همیشه سعی دارند به آن آسیب بزنند. باید همه مراقب این دستاورد ارزشمند باشیم و مواظب باشیم در زمین دشمن که اغتشاشگری است، بازی نکنیم.

۰۹۱۲۰۰۰۶۶۳۷/ رژیم صهیونیستی که دست‌نشانده شیطان بزرگه، بعد از کشتار بیش از هزار نفر از مردم ما، دوباره قصد داره مردم رو به اغتشاش و اعتراض دعوت کنه. مردم ایران همیشه آگاه و هوشیار بودن و هیچ‌وقت به خواسته‌های دشمنان پاسخ نخواهند داد.

۰۹۱۵۰۰۰۸۹۳۳/ باید از ورود گروسی (که به نظر همفکر رژیم صهیونیستی است) به ایران برای بازرسی هسته‌ای جلوگیری شود. هیچ‌کس نباید به بهانه بازرسی به کشور ما بیاید؛ چون یقیناً خطری جدی برای امنیت ملی ماست.

۰۹۱۵۰۰۰۳۴۱۶/ بازاریان تیریز اعلام کرده‌اند که از اعتراضات و اعتصابات اجباری حمایت نمی‌کنند. این تصمیم نشان‌دهنده بصیرت و هوشیاری مردم تیریز است که همیشه در برابر دشمنان خط‌شکن بوده‌اند.

۰۹۱۲۰۰۰۶۷۳۴/ در فتنه‌ها همیشه کسانی هستند که از داخل نظام به دشمنان کمک می‌کنند. باید مراقب باشیم و با جهاد تبیین این افراد را از دام فتنه‌ها نجات بدهیم. مردم باید مراقب حرف‌های فتنه‌انگیز باشند.

۰۹۱۷۰۰۰۶۴۲۲/ تاریخ فتنه‌های قبلی نشان داده است وقتی دشمن نتواند حقیقت را به هم بزنند، به دروغ‌گویی و کشته‌سازی متوسل می‌شود. مثل همیشه مسئولان باید مراقب توطئه‌ها و جنگ روانی دشمنان باشند.

۰۹۱۹۰۰۰۴۲۷۱/ در جمهوری اسلامی ایران دورویکرد وجود دارد؛ یک طرف کسانی که به علم و فناوری اهمیت می‌دهند، مثل ماهواره‌ها و طرف دیگر کسانی که فقط به دنبال منافع شخصی و غرب‌زدگی هستند. متأسفانه برخی رسانه‌ها مشکلات کشور را به گردن انقلابی‌ها می‌اندازند.

۰۹۱۲۰۰۰۵۴۲۲/ از اول سال، لایحه بودجه نشان می‌دهد که مسئولان ارشد تصمیم جدی برای حل مشکلات اقتصادی ندارند و فقط به شعار بسنده کرده‌اند. این وضعیت موجب ناامیدی مردم شده و باید تغییر کند.

۰۹۱۲۰۰۰۷۳۱۵/ مردم با وجود گلایه‌های زیادی از وضعیت اقتصادی، می‌دانند که ناآرامی فقط به سود دشمنان خواهد بود و کشور را ضعیف‌تر می‌کند. ما باید متحد باشیم و برای حل مشکلات به صورت منطقی حرکت کنیم.

۰۹۱۵۰۰۰۹۳۱۳/ مردم توقع دارند که مسئولان اقتصادی در برابر گرانی‌ها واکنش سریع و مؤثر نشان بدهند. اگر مشکلات اقتصادی را نادیده بگیریم، دشمنان می‌توانند از این وضعیت به نفع خودشان استفاده کنند.

۰۹۳۶۰۰۰۷۴۶۵/ داغ سید هنوز برای ما تازه است؛ داغی که هیچ وقت کهنه نمی‌شود. از تمام مسئولان تبیینی کشور خواهش می‌کنم برای حاج قاسم یک اثر قابل توجه تهیه کنید. به‌نظرم هنوز شخصیت واقعی حاج قاسم تبیین نشده و آن مکتبی که حضرت آقا مد نظرشان است، در کشور برآورده نشده است.

صداق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سر‌دبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سایمک‌باقری،سعدالله‌زارعی، عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان، علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد
دبیر‌تحریر:یه‌سیدفخرالدین‌موسوی
مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری
نگارش‌وویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی
صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی
عکاس: حامد‌گودرزی
ناظر‌چاپ:‌سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه:۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)

تلفن:۱۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶۰(۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر:۷۷۴۴۶۰۳۳۴

سامانه پیامک:۰۳۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۲۰ | دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

کتیبه

همدلی

وقتی که دختر م به دنیا اومد

با خنده گفتن مٲ مرواریده

بایام به جفت گوشواره بهم هدیه داد

النگوامو مادرم خرید

طلای زن زینتشه؛ خاطرمس

هر چی طلا دارم برام عزیزه

ولی به زن که معدن عاطقه‌س

عزیزو پای عزیزاش می‌ریزه

تو آفتابی، آسمونی، تو کوهی

هیچکی شکوه دلتو نداره

به پات می‌ریزم عمرمو، جونمو

طلا چیه؟!قابلتو نداره

دریادلی درسمه از آسمون

حرف دلم عشق بدون مرزه

دنیای من بزرگه؛ توش جا می‌شه

هم ایران، هم لبنان بلکه غزه

دار و ندار مون فدای مکتب

از همه چیز مون باید رها شیم

خدیجه‌بودن که محاله، کاشکی

خادم حضرت خدیجه باشیم

بزرگیم و غم‌امونم بزرگه

روزی ما، بمبای سنگرشکن

توی مصیبت‌امونم شریکیم

هنیه و قاسم و سیدحسن

درسته، گریه می‌کنیم بر اشون

شیهه گریه‌مون واسه علمدار

زندن و با ما زندگی می‌کنن

چمران و مغنیه و یحیی سنوار

شعبه و سنی نداریم، دوس داریم

پهلونای جنگ با ظالمو

ما یحیی سنوار و هنیه داریم

شما ابو مهدی و حاج‌قاسمو

درختا بعد حمله زمستون

«یواش یواش» خط‌ونشون کشیدن

باکی ندارن؛ ریشه‌شون تو خاکه

بار هزار مه بارو دیدن

سرخ و سفیده و درخت سبز ش

ریشه زده تو خوبیای عالم

پرچم لبانه و سیدحسن

سروی که ایستاده میون پرچم

بهشت نزدیکه؛ دم‌دستون

شاخه طوبی تر از این نداریم

روز مبادا رو خدا آورده

روز مبادا تر از این نداریم

مؤمناسرپرست هم شُن ای کاش

مثل پدر که عشق بی حسابه

ما بچه‌هاشیم همه، خاک باشیم

که سرپرست ما ابوترابه



صبحانه

علی حُبه جُنّه

تمام احوال روز قیامت مربوط به کارکرد ابعاد چهارگانه وجودی انسان است. در بین این ابعاد، بُعد اساسی‌تر، قلب است که بر محور حب است، اما حبی که نسبت‌به امیرالمؤمنین امام علی(ع) است. این حب است که مصلح جمیع ابعاد دیگر است. حبی که تمام زندگی انسان را در دنیا و آخرت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

داستان

محافظان حرم

روایتی از قهرمانی الناز داراییان، بانوی قهرمان در بازی‌های پارآسیایی هانگزو

ما راه افتاد و چندتا دیگه از بچه‌ها هم همین کار رو کردن. تو فضای بایکوت سیاسی اونجا، این تنها کاری بود که از دست ما بر می‌اومد.»
پرسیدم: «چطور مگه؟»
گفت: «مثلاً لباس اولیه ما طرح خلیج فارس داشت، مسئولان مسابقات اجازه ندادن بیوشیمش و طر ح رو عوض کردن، دیگه فکر کن در مقابل مسئله فلسطین فضا چه جورِی بود.»
گفتم: «پس یه جورایی جهاد کردید؟»
خندید و گفت: «جهاد واسه وقتیه‌که‌بتونیم کمیته‌های ورزشی بین‌المللی رو قانع کنیم که اسرائیل رو هم بعد از جنگ غزه از میدون مسابقه محروم کنن.»
پرسیدم: «حالا قضیه با چادر مدال گرفتن تون چی بود؟»
لحن جدی به خودش گرفت و گفت: «من چادری‌ام. همه جا هم با چادر می‌رم. اصلاً مدال گرفتم که بتونم با این حجاب برم روسکوی جهانی. قبل از مراسم اهدای مدال به مریم گفتم چادرم تو کیفمه اگر نمی‌خوان بذارن چادر سر کنم، منم

مدالم رونمی گیرم.»
دلم می‌خواستم همانجا روی پا بایستم و برای این باور عمیق قلبی تشویقش کنم. باوری که حاضر بود نتیجه ماه‌ها وسال‌ها تلاش شبانه‌روزی را نادیده بگیرد، اما یک قدم از اعتقاداتش پاپس نکشُد.
دوربین مصاحبه که به سمت او آمد، از مقابل پایش بلند شدم و نشستم روی صندلی.
مرشد نوجوان داشت ضرب صدایش را امتحان می‌کرد و سوی بلندگو می‌خواند: «بلند شو علمدار، علم رو بلند کن / بازم پرچم این حرم رو بلند کن.»

حاج قاسم گفته بود که جمهوری اسلامی ایران «حرم» است، پس دور از واقعیت نیست اگر تکنک چهره‌های پر تلاش برای ایران را، به چشم یک علمدار در خاطرم می‌سپرِدم.
علمدارانی که یکی از هدف‌هایی که باعث می‌شد تا سسختی‌های تلاش برای مدال‌آوری را تحمل کنند، بالا بردن پرچم ایران بود.

تلخند

رئیس‌جمهور دزدی، به هوای نفت ونزوئلا! / کارتونیست: عماد حجاج/ اردن



سلامت

وقتی هوا کم است

زهر احسینی

کارشناس تغذیه

«آلودگی هوا» معضلی نگران‌کننده است که سال‌های زیادی است میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با آن مواجه هستند و این مسئله سلامت انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با وجود این، می‌توان با رعایت یکسری از اصول، صدمات ناشی از آن را کاهش داد. اگر گزارش‌های روزانه، آلودگی هوا را در منطقه محل زندگی شما پیش‌بینی کرد، سعی کنید آن روز را در خانه بمانید، اگر چه آلاینده‌های هوای محیط از بیرون به داخل خانه نفوذ می‌کنند؛ اما غلظت آنها در داخل خانه به طور کلی در مقایسه با بیرون کمتر است. پنجره‌ها را ببندید؛ چرا که می‌تواند میزان تبادل هوا را حدود ۵۰ درصد کاهش دهد. ورزش خوب است، اما اینجانه نه؛ وقتی سطح آلودگی هوا بالاست، باید از ورزش در فضای باز خودداری و آن را به داخل خانه منتقل کرد. تحقیق روی بزرگسالان سالم نشان داده است رسوب کل ذرات فوق ریز در دستگاه تنفسی‌شان در طول ورزش حدود ۵ برابر بیشتر از حالت استراحت آنهاست. اگر کیفیت هوا ناسالم است، زمان بازی فرزندان در فضای باز را محدود کنید. حتی اگر پیش‌بینی کیفیت هوا سبز باشد، از ورزش در نزدیکی مناطق پرتراфик خودداری کنید؛ زیرا وسایل نقلیه در بزرگراه‌های شلوغ، سطح آلودگی بالایی ایجاد می‌کنند. در خانه خود انرژی کمتری مصرف کنید. تولید برق و سایر منابع انرژی موجب آلودگی هوا می‌شود. با کاهش مصرف انرژی، می‌توانید به بهبود کیفیت هوا، مهار انتشار گازهای گلخانه‌ای و صرفه‌جویی در هزینه‌ها کمک کنید. مصرف مواد مغذی آنتی‌اکسیدانی و ضد التهابی ممکن است آثار گوناگون تنفسی و قلبی-عروقی آلودگی هوا را بهبود بخشد. تا به امروز، مطالعات متعددی نشان داده است برخی از آثار مضر آلودگی هوا ممکن است با مصرف ریز مغذی‌های ضروری، مانند ویتامین‌های گروه C، D، B و E و اسیدهای چرب غیراشباع کاهش یابد. به ماسک پناه ببرید و از آن کمک بگیرید.

صادقانه

محبت امیرالمؤمنین(ع)

سلیم از عبدالله بن عباس نقل می‌کند: «مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد آیا محبت علی ابن ابی‌طالب(ع) برای من نفعی دارد؟ فرمود وای بر تو هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر کس خدا را دوست بدارد خدا او را عذاب نمی‌کند.»
کتاب سلیم، حدیث ۷۳

غیر رسمی

شريك زحمات شهيد



رهبر فرزانه انقلاب در دیدار خانواده شهید سلیمانی اینطور گفتند: «خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، خانم را محفوظ بدارد؛ ایشان هم در جهت‌گیری وانگیزه شهید سلیمانی نقش دارند.

شاید بیست سال پیش یا بیست و سه چهار سال پیش بود که اینجا در این حیاط، با بچه‌های سپاه، فرماندهان سپاه‌شاید حدود بیست نفر بودند.نماز خواندیم، بعد من نشستم روی پله، یک صحبت گرم و گیرایی کردم؛ قبلاً هم فکرش را نکرده بودم؛ عنایت خدای متعال بود! جلسه عجیبی بود، خیلی تأثیرات گذاشت.

بعد از آن جلسه، چند نفر از بچه‌ها به من مراجعه کردند، یکی از آنها حاج قاسم بود؛ آمد یک جمله‌ای از همسرش نقل کرد، گفت عیال من این جورِی می‌گوید؛ در تأیید همانی که من صحبت کرده بودم. من دیدم تأثیر همسر چقدر زیاد است؛ یعنی این خانم روی حاج قاسم مؤثر بودند؛ لذا ایشان در زحمات حاج قاسم شریکند، علاوه بر اینکه محرومیت‌های خانواده‌هانبودن همسر، نبودن پدر- خیلی مهم است، تحمل این چیزها خیلی مهم است؛ تحمل کردند.»

خاطره رهبر فرزانه انقلاب از جلسه با فرماندهان سپاه

حسن ختام

تمنای وصال

«عاشقانی که مدام از فرجت می‌گفتند عکس‌شان قاب شد و از تو نیامد خبری»
مادر بزرگ رفت! رفت و به فرزند شهیدش پیوست. در یکی از روزهای یخ‌زده دی ماه، تن نحیف و لرزانش را به خاک سرد سپردیم، کسی چه می‌داندا! پیرزن تمام عمر حب علی و فرزندان‌ش را به سسینه پروراند و دهانش همیشه خوشبو بود به بردن نام‌تان. این محبت همان است که او و هر که را چون او عاشق علی باشد، به بهشت حضورش می‌رساند. بابا علی! ما نه فقط از ابتدای ماهی که به نام شماس‌ت، که از شروع همه صبح‌ها، دست به زانو یا علی گویان زندگی را از سر گرفته‌ایم و مدد خواسته‌ایم از شما و مودت شما که قوت و توان‌مان دهد برای روزهای رسیدن فرزند عزیزتان. ما این ایام که عطرتان بیش از پیش در حوالی روزهای مان پیچیده و خیال ایوان نجف‌تان بغضی است که دلش می‌خواهد تنهازیر ناودان طلا ببارد و باران شود، نام بلندتان را از سر نیاز و تمنا صدا می‌زنیم و دستان مدد رسان‌تان را به یاری می‌طلبیم. حال و هوای زندگی و رنگ و بوی دلچسبش می‌گوید تاریخ آمدن‌تان نزدیک است، زمین و آسمان چنان شادند از حضور مولود کعبه که هر غمی کنار این شادی رنگ می‌بازد، شما را به نام‌های عزیز و مقدس در قلب‌تان قسم می‌دهیم عیدی ما را در این روزهای روشن، ظهور فرزند نازنین‌تان قرار دهید. امین‌الله! سلام هر صبح ما به شماس‌ت، در همین روزها که یقین داریم پشت در این خانه از ناامیدی خبری نیست، بخواید برای مان ظهور صاحب دنیا را.